**شناسنامه کتاب یاس کبود**

**ویژه جمادی الاول و جمادی الثانی 92**

**نام کتاب: یاس کبود ـ ویژه جمادی الاول و جمادی الثانی 92ـ میلاد حضرت زینب(سلام الله علیها) ـ شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها)**

موضوع: گزیدة اشعار و روضه مناسبتهای جمادی الاول و جمادی الثانی

گردآورنده: مرتضی نظری

پیاده سازی متون : ایمان مقدم

ناشر: کانون مداحان یاس کبود

طراح جلد و صفحه آرا: مجید اکبر زاده

تیراژ: 1000جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول ـ 91

قیمت: 6000تومان

مرکز پخش: تهران ـ اتوبان بسیج ـ خ شهید رحیمی ـ سازمان بسیج مداحان ـ مدیریت آموزش

تلفن : 35947738 ـ 021

روابط عمومی : 09126346785

نمابر : 33239719 ـ 021

سامانه پیام کوتاه : 660000026

صندوق پستی : 1781813113

نشانی الکترونیکی yasekabood.org@gmail.com

نشانی سایت: www.[yas135.com](http://www.yas135.com) www.[yas135.ir](http://www.yas135.com)

**پیشگفتار**

بهار می آید و شهر در هیاهوی مردم که برای جشن آغاز سال شمسی در تکاپو هستند گم می شود، راستی! کدام بهار؟! کدام جشن؟! چه آغازی؟! آنها که بهار عمر مادرشان در هیاهوی آتش مدینه پاییز شد و ابر ماتم بر شادی های زندگیشان سایه انداخت، دیگر هیچگاه شیرینی آغاز بهار را درک نخواهند کرد مگر با آمدن بهار عمر فاطمه؛ ما نوکران فاطمه امسال از ابتدای نوروز سیاه برتن می کنیم تا همه بدانند، عید نوروز هیچ گاه عزای مادرمان را از یاد ما نخواهد برد؛ در مقابل طعنه بی معرفتان صبر می کنیم، سرمان را بالا می گیریم و به مولایمان عرض می کنیم:

هزار شکر که تا چند سال عیدم را

برای مادرت از ابتدا سیه پوشم

 بادلی لبریز از عشق به ولایت، جانی مشتاق برای شهادت، صدایی خسته برای عرض ارادت و دستی خالی و محتاج عنایت، کتابچه «یاس کبود» را به مناسبت ایام فاطمیه، خدمت ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) تقدیم می نماییم؛ امید است که این تحفه مور، مورد قبول سلیمان زمان ،حجت بن الحسن(عجل الله تعالی فرجه) قرار گیرد.

این کتاب شامل سه بخش کلی می باشد:

* برگی از تاریخ ، که دارای دو فصل می باشد:
1. زینت پدر
2. بیعت با آتش
* اشعار منتخب، که دارای هشت فصل می باشد:
1. مناجات با امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)
2. میلاد حضرت زینب (سلام لله علیها)
3. مدح و مرثیه حضرت زهرا(سلام لله علیها)
4. اشعار در و دیوار
5. اشعار بستر
6. اشعار شهادت
7. اشعار شام غریبان
8. اشعار بعد از شهادت
* گلچین مجالس میلاد حضرت زینب و ایام فاطمیه، که شامل چهار دو فصل می باشد :
1. میلاد حضرت زینب (سلام لله علیها)
2. شهادت حضرت زهرا(سلام لله علیها) که شامل یازده مجلس می باشد:
	* + 1. مجلس اول، مناجات با امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)
			2. مجلس دوم، روضه در و دیوار
			3. مجلس سوم، روضه کوچه بنی هاشم
			4. مجلس چهارم، روضه بستر
			5. مجلس پنجم، روضه شهادت
			6. مجلس ششم، روضه شام غریبان
			7. مجلس هفتم، روضه بعد از شهادت
			8. مجلس هشتم، روضه های ناب
			9. مجلس نهم، واحد و شور فاطمی
			10. مجلس دهم، شور حسینی
			11. مجلس یازدهم، ولایت و شهدا

لازم به ذکر است :

* بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است .
* بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است .
* همچنین قسمت گلچین مجالس ، از شعر ، روضه ، سبکهای سینه زنی و مولودی ...که توسط مداحان اهل بیت (علیهم السلام)در ایام فاطمیه سال گذشته اجرا گردیده ،گردآوری شده است.
* متن جزوه به ترتیب مناسبتهای ماه جمادی الاول و جمادی الثانی می باشد.
* قسمت روضه های ناب، بنابر پیشنهاد استاد محترم، جهت استفاده ذاکرین از جوانب متفاوت روضه از دیدگاه اساتید تهیه گردیده است.

**نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:**

1. هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:
* دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون مناسبتهای ایام فاطمیه
* در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه های اجرا شده مناسبتهای این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت(علیهم السلام)
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبکهایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان باتجربه، صیقلی نسبی خورده باشد
1. اشعار متوسط و قوی، به صورت توأمان دراین مجموعه ملاحظه خواهدشد.
2. صوت برخی از اشعار ـ برای آشنایی ذاکرین محترم ـ در سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی ، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه اشعار به پاورقی ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.
3. در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام ، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند ، حذف گردیده اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیة عزیزانی که مارا از نقطه نظرات خود بهره مند می سازند ، پیشاپیش تشکر و قدردانی می نماییم.

**گروه جزوات فوق برنامه**

**کانون مداحان ياس كبود**

**بخش اول، برگی از تاریخ**

**فصل اول، زینت پدر**

**ولادت:**
حضرت زینب کبرى (سلام الله علیها) در روز پنجم جمادى الاولى سال پنجم یا ششم هجرى قمرى در شهر مدینه منوّره متولّد گردید؛ نام مبارک آن بزرگوار زینب و کنیه گرامیشان ام الحسن و ام کلثوم و القاب آن حضرت عبارتند از: صدّیقة الصغرى، عصمة الصغرى، ولیة اللّه العظمى، ناموس الکبرى، شریکة الحسین، عالمه غیر معلّمه، فاضله، کامله و ...

**رسول خدا و میلاد زینب(سلام الله علیها)**

«فلما احضرتها اخذها رسول الله و ضمّها الی صدره الشریف و وضع خده المنیف علی خدّها فبکی بُکاءً عالیا و سال الدّمع علی محاسنه الشریف جاریا فقالت فاطمه: لماذا بکائک؟ لا ابکی الله عینیک یا ابتاه!، فقال صلی الله علیه و آله : یا بنیّة فاطمةُ فاعلمی ان هذه البنت بعدک و بعدی تُبتلی بالبلایا تردّ علیها مصائب شتی و رزایا، فبکت فاطمه علیهاالسلام عند ذلک ثم قالت: یا اب فما ثواب من بکی علیها و علی مصائبها؟، فقال: یا بضعتی و قرّه عینی! ان من بکی علیها و علی مصائبها یکون ثواب بکائه کثواب من بَکی اخویها»

وقتی زینب را حاضر کردند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را گرفت، به سینه ی شریفش چسبانید، صورت مبارک خود را به صورتش نهاد و بلند گریست چنان که اشک از محاسن شریف او روان شد، فاطمه(سلام الله علیها) پرسید: ای پدر گریه ات برای چیست؟ خدا نگریاند دو چشم شما را! فرمود: ای دختر من، ای فاطمه! بدان که بعد از تو و بعد از من این دختر، گرفتار بلاها خواهد شد و مصیبت های گوناگون بر وی وارد خواهد شد، در این لحظه فاطمه (سلام الله علیها) به شدت گریست و پرسید: ای پدر! ثواب کسی که بر او و مصیبت هایش گریه کند چیست؟ فرمود: ای پاره تن من و روشنی چشمم! هر کس بر او و مصیبت هایش گریه کند، ثواب گریه اش مانند ثواب کسی است که بر دو برادر او گریه کند.[[1]](#footnote-1)

**درس توحید**

زینب (سلام الله علیها) از همان کودکی دارای کمالات معنوی و علمی بود چنان که امیرمؤمنان را به شگفتی وامی داشت، ملامحمد تقی ـ معروف به شهید ثالث ـ در مجالس المتقین و ابی سعید سبزواری در مصابیح القلوب می نویسند: حضرت زینب (سلام الله علیها) همراه با برادرش عباس(علیه السلام) در دوران کودکی، کنار امیرمؤمنان( علیه السلام) نشسته بودند، حضرت رو به عباس کرد و گفت: فرزندم بگو یک، او گفت یک؛ آن گاه از او خواست بگوید دو، ولی عباس(علیه السلام) پاسخ داد: پدر! با زبانی که یک گفته ام دو نمی گویم ـ منظورش وحدانیت خدا بود ـ امام فرزندش را بوسید؛ آن گاه زینب(سلام الله علیها) پرسید: پدر! ما را دوست داری؟فرمود: چگونه شما را دوست نداشته باشم در حالی که شما میوه دل من هستید؛ زینب(سلام الله علیها)عرض کرد: **لایجتمع حبّان فی قلب مؤمن حب اللّه و حب الاولاد و ان کان ولابد فالحب لله تعالی و الشفقة للاولاد** ـ دو محبت در قلب مؤمن جمع نمی شود، حب خدا و حب اولاد؛ اگر چه چاره ای نباشد پس دوستی مخصوص خداست و شفقت و مهربانی برای اولاد.ـ[[2]](#footnote-2)

**فصل دوم، بیعت با آتش**

قنفذ را با مزدورانی همراه ساختند، قنفذ از علی(علیه السلام) اجازه ورود به منزل خواست اما حضرت اجازه نفرمود؛ دوباره رفتند و اجازه خواستند، فاطمه فرمود: شما را سوگند می دهم که بی اجازه به خانه ام وارد نشوید.

همراهان قنفذ برای کسب تکلیف نزد خلیفه برگشتند اما وی هم آنجا ماند؛ دومی با غضب فریاد زد: ما را با زن ها چه کار؟ بعد هم به اطرافیان خود دستور داد هیزم خشک جمع کنند، هیزم ها را آوردند و دور خانه علی(علیه السلام) قرار دادند؛ خلیفه دوم فریادی زد تا علی و فاطمه بشنوند: « علی! به خدا قسم باید از خانه بیرون بیایی و با خلیفه رسول خدا بیعت کنی وگرنه خانه تو را به آتش می کشم»، فاطمه فرمود: « أما تتَّقی الله تَدخُلُ علی بیتی؟» ـ مگر از خدا نمی ترسی که می خواهی به خانه ام وارد شوی؟ ـ[[3]](#footnote-3)

دومی آتش را طلبید و در خانه را به آتش کشید، در را هل داد و وارد خانه شد، فاطمه در مقابلش ایستاد و فریاد زد:« یا ابتاه یا رسول الله » شمشیر را با غلاف بلند کرد و به پهلوی فاطمه زد، بانو فریاد بر آورد: «یا ابتاه!» تازیانه را بلند کرد و به بازوی فاطمه زد، بانو با ضجه فریاد برآورد.

در این هنگام علی از جا برخاست، گوشه لباس دومی را گرفت و او را به زمین کوبید و بینی و گردن او را به خاک مالید و می خواست او را بکشد که سفارش رسول خدا را به یاد آورد و فرمود: « به خدایی که محمد را به پیامبری عزیز و ارجمند نمود، اگر نوشته ای که از خدا بر من گذشته و پیمانی که رسول خدا بر من استوار داشته، نبود، به تو می فهماندم که هرگز به خانه ام وارد نخواهی شد.»

در این هنگام اور ا از هر سو در میان خود گرفتند و ریسمان به گردنش انداختند؛ فاطمه آمد و کنار در و میان علی وآنها فاصله شد، قنفذ ملعون او را با تازیانه زد؛ وقتی که فاطمه وفات کرد از ضربه قنفذ در بازویش چیزی مثل دمل برآمده بود.[[4]](#footnote-4)

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**بخش دوم، اشعار منتخب**

**فصل اول، مناجات با امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)**

مانند یک ابر بهاری یابن الزهرا

حال و هوای گریه داری یابن الزهرا

این روزها خیلی دلت را غم گرفته

دلخسته از این روزگاری یابن الزهرا

با واژه ی «مادر» شود آهت کشیده

در لا به لای اشک و زاری یابن الزهرا

«ای وای مادر» های تو می گوید آقا

خیلی برایش بی قراری یابن الزهرا

آقا مگر من مرده ام که مثل حیدر

سر را به زانو می گذاری یابن الزهرا

آقا! تنم، جانم، همه چیزم فدایت

آماده ام بر جان نثاری یابن الزهرا

گریه مکن که طفل اشک بی قرارم

با گریه ات گردیده جاری یابن الزهرا

جز اشک دیده مرهم دیگر ندارم

با عرض پوزش از «نداری» یابن الزهرا

از این که هستم دوستدار مادر تو

حتماً مرا تو دوست داری یابن الزهرا

تا این که باشم زائر قامت خمیده

دنبال یک سنگ مزاری یابن الزهرا

«زهرا» به «زهراها» شده تبدیل... یعنی

در کوچه شد آیینه کاری یابن الزهرا[[5]](#footnote-5)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

هر سحر منتظر یار نباشم چه کنم

من اگر منتظر یار نباشم چه کنم؟

گریه بر درد فراق تو نکردن سخت است

خون جگر از غمت ای یار نباشم چه کنم؟

عده ای بر سر آنند اسیرت نشوند

من بر آنم که گرفتار نباشم چه کنم؟

ابرویت تیغ مصری ست که جان می طلبد

به طلبکار بدهکار نباشم چه کنم؟

خواستم نام مرا هم بنویسند همین

سر بازار خریدار نباشم چه کنم؟

من اگر مثل تو هر صبح و غروبی آقا

فکر بین در و دیوار نباشم چه کنم؟[[6]](#footnote-6)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

من مهدی ام در دست تیغ انتقامم

مادر به قبر مخفی ات بادا سلامم

ای قلب مجروحم کباب از غربت تو

باریده اشکم قرن ها بر تربت تو

مادر دلم خون است از بندم رها کن

دستی برآور بر ظهور من دعا کن

مادر شنیدم بارها از پا فتادی

دیدی علی تنها بود باز ایستادی

ای کاش بودم تا علی را یار بودم

من جای تو بین در و دیوار بودم

کی می شود بردارم از جانت محن را

از خاک بیرون آورم من آن دو تن را

دریا کنم از خون دل چشم ترم را

پرسم چرا کشتید آخر مادرم را؟![[7]](#footnote-7)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

آقا بیا دعای مرا مستجاب کن

ما را برای نوکریت انتخاب کن

قلبم شبیه سنگ شد از کثرت گنه

امشب بیا و سنگ دلم را تو آب کن

تأثیر جرم و معصیت اشک مرا گرفت

دستی بکش به روی دلم فتح باب کن

تا کی به لب دعای فرج، تا کی انتظار؟!

آقا به حقّ فاطمه پا در رکاب کن

ای منتقم بیا که دلم سخت زخمی است

رحمی نما بر این دل زارم شتاب کن

ای روضه خوان فاطمیه روضه ای بخوان

امشب میان سینۀ ما انقلاب کن

ما در پی تلافی سیلی کوچه ایم

یعنی به روی غیرت ما هم حساب کن ...[[8]](#footnote-8)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

دلم از روضه های فاطمیه

گرفته در هوای فاطمیه

بیا ای التیام روی نیلی

بیا صاحب عزای فاطمیه

بیا از جاده های بی نشانی

بیا ای آفتاب آسمانی

بیا شب های دلگیری ست آقا

بیا که روضۀ مادر بخوانی

نگاهی شعله ور، ای وای مادر

هجومی بی خبر، ای وای مادر

مغیره ... بی هوا ... ای وای بابا

تو و دیوار و در، ای وای مادر[[9]](#footnote-9)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای یادگار فاطمه که داغ دیده ای

در بستری ز غصّه و غم آرمیده ای

آقا سرت سلامت از این که به دوش خود

بار بزرگ ماتم مادر کشیده ای

بی مادری برای تو درد بزرگی است

طعم فراق مادر خود را چشیده ای

شب های فاطمیّه دلت غرق غم شود

تو غصّه دار مادر قامت خمیده ای

قربان شال مشکی و چشمان زخمی ات

آخر مگر چه واقعه ای را تو دیده ای؟

دارد نفس نفس زدنت می رسد به گوش

از بس میان کوچه و خانه دویده ای!

وقتی که ناله می زنی: "ای وای مادرم "

گویا صدای مادر خود را شنیده ای

هر روز و شب به یاد غمش گریه می کنی

بر جان خود بلای عظیمی خریده ای

آخر چرا به درک وصالت نمی رسم

آقا گمان کنم که ز من دل بریده ای!!![[10]](#footnote-10)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

منی که روز و شب از اشک، چاره می نوشم

دلم گرفت، از این روزهای خاموشم

فراغتی که فراق تو را ز پی دارد

هزار مرتبه سنگین تر است بر دوشم

بهار می رسد از راه آن زمانی که

رسد ز کعبه انالمهدی تو بر گوشم

سیاهی دلم از تو اگر چه دورم کرد

میان روضه ولی با تو زود می جوشم

بدون روضه ببین دست های سینه زنم

گرفته زانوی غم را میان آغوشم

هزار شکر که تا چند سال عیدم را

برای مادرت از ابتدا سیه پوشم

بقیع، گریه کن روضه های مادر توست

کنار تربت زهرا مکن فراموشم[[11]](#footnote-11)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

در فاطمیّه های خدا سینه می زنی

با روضه های اهل كِسا سینه می زنی

هر روز و شب برای غریبیِّ مادرت

یا گریه می كنی تو و یا سینه می زنی

تا این كه در كنار شما سینه زن شویم

آقا بگو به ما، تو كجا سینه می زنی؟

صاحب عزای مادر پهلو شكسته ای

پس درب هیئتیّ و جدا سینه می زنی

از كوچه ی مدینه و از درب سوخته

تا خیمه گاه كرب و بلا سینه می زنی

از بوی خانه ی شهدا حدس می زنم

آقا بهشت با شهدا سینه می زنی

تا این كه مستجاب شود گریه های تو

بعد از نماز و بعد دعا، سینه می زنی

خیلی ضمیر فرد مخاطب به كار رفت

اصلاح می كنم كه: شما سینه می زنی

حالا كه ما (اسیر) همان كوچه ها شدیم

معلوم می شود كه چرا سینه می زنی[[12]](#footnote-12)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

صاحب عزای حضرت خیر النسا، بیا

ای بانی شکسته دل روضه ها، بیا

درد فراق تو به خدا می کشد مرا

رحمی نما به حال دل این گدا، بیا

از بس به هجر روی تو عادت نموده ایم

دل می رود به سمت گناه و خطا، بیا

ما در میان بحر گنه غوطه می خوریم

آقا نجاتمان بده از این بلا، بیا

مشغول خویش و بندۀ دینار و درهمیم

فکری به حال نوکر زهرا نما، بیا

لطف تو بوده گریه کن مادرت شدیم

ای سفره دار واسعۀ هل اتا، بیا

ای آخرین نگار دل آرای فاطمه

آقای من! برای رضای خدا، بیا

آقا به حقّ چادر خاکی مادرت

آقا به حقّ داغ دل مرتضی، بیا[[13]](#footnote-13)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل دوم، میلاد حضرت زینب(سلام الله علیها)

قلم به دست گرفتم که با خدا باشم

قلم به دست گرفتم که از شما باشم

قلم به دست گرفتم که از تو بنویسم

و با ثنای تو هم دوش انبیا باشم

قلم به دست گرفتم در انزوای خودم

که غرقتان شوم و از خودم جدا باشم

قلم به دست گرفتم که با دو بال غزل

در آسمان تو پر وا کنم رها باشم

قلم به دست گرفتم در ابتدا اما

نشد مسافرتان تا به انتها باشم

قلم ز دست من افتاد و دم زدم از عشق

کبوتری شدم و پر زدم به شهر دمشق

برای آمدنت لحظه بی قراری کرد

زمین دوباره خروشید و چشمه جاری کرد

فرشته روی زمین را به مقدمت می شست

ملک زمینه شب را ستاره کاری کرد

مدینه آمدنت را در انتظار نشست

و بهر دیدن تو ثانیه شماری کرد

طلوع اشک فشانت به مادر و پدرت

هوای خانه شان را کمی بهاری کرد

شروع ابری و بارانی تو و چشمت

مسیر آمدنت را بنفشه باری کرد

ولی تمام بهانه است خوب می دانم

من از نگاه تو شوق حسین می خوانم

تو زینب آمدی و خواهر حسین شدی

تو زینت پدر و مادر حسین شدی

تو آمدی و من از خنده هات فهمیدم

که ناز کرده ای و دلبر حسین شدی

تو در کتاب خدا نه که بین مصحف عشق

نزول کرده ای و کوثر حسین شدی

رسیده ای و خداوند کرده مبعوثت

که بعد واقعه پیغمبر حسین شدی

تمام کوفه به هم ریخت تا لبت وا شد

چو خطبه خوان شدی و حیدر حسین شدی

اگرچه بانویی اما علیِّ کرّاری

فقط به دست خودت ذوالفقار کم داری

کدام واژه رسد بر مقام تقدیرت

کدام شعر و غزل می کنند تصویرت

به فهم و درک مقامت عقول کل بشر

هنوز هم که هنوزست مانده درگیرت

مفسران همه انگشت بر دهان هستند

ز آیه ای که شنیدیّ و طرز تفسیرت

تو در اسارتی اما جلیله ای زینب

به حق حق که تو الحق عقیله ای زینب

تویی انیس غم و غم مجانبت بانو

که اشک و غصه شده قوت غالبت بانو

چه با شکوه به صحرا رسیدی اما بعد

کسی نماند که باشد مراقبت بانو

از آن طرف که بلا پشت هر بلا دیدی

ولی به عرش رسیده مراتبت بانو

به دستْ خطّ خودت حک شده به دفتر غم

تمام آن چه که دیدی، مصائبت بانو

ز دست می دهد ایوب عنان صبرش را

فقط ز خواندن قدری مطالبت بانو

توان بده بپرم در هوای دستانت

توان بده که شوم غم سُرای دستانت

بگو از آن چه که حس کرد دست حیدریت

بگو که شعر بگویم برای دستانت

از آن امام بدون سپاه عاشورا

که بود ملتمس یک دعای دستانت

از آن طناب ضخیم پُر از گل سرخی

که داشت شرح غم ماجرای دستانت

از آن سه ساله پیر پر از کبودی ها

که گیسویش شده بود آشنای دستانت

من از نسیم دو دست تو یاس می بویم

به ذات فاطمی تو سپاس می گویم[[14]](#footnote-14)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

نماز عشق به پا می کنم به نام حسین

به نای سینه نوا می کنم به نام حسین

تو زینبی و همه قاصرند از وصفت

کتاب عشق تو وا می کنم به نام حسین

به نام دلبرت اذن دخول می گیرم

طواف کوی تو را می کنم به نام حسین

به نام نامی معشوق، شهره اند عشاق

تو را همیشه صدا می کنم به نام حسین

من از تو یاد گرفتم چنین عبادت را

میان سجده دعا می کنم به نام حسین

قسم به سجدۀ تو اعتقاد من این است

نماز سوی خدا می کنم به نام حسین

تو آمدی که بگویی برای قرب خدا

وجود خویش فدا می کنم به نام حسین

دمشق و کرببلا هر دو تربت عشق است

شب ولادت تو وقت صحبت عشق است

خدا عنان دل ما به دست تو داده

اسیر دام تو اما ز غیر آزاده

اگر پیالۀ ما بوی چشم تو گیرد

شود برای همیشه لبالب از باده

نوای زین ابی را به هر کسی ندهند

که این مدال فقط گردن تو افتاده

اگر که باز شود دیده ها ز نور تو اشک

اگر قدم بگذاریم بین این جاده

به چشم خویش ببینیم پای پرچم عشق

هنوز با کمری راست زینب استاده

خدا شهود شود بی حجاب در دل شب

نشسته دختر زهرا میان سجاده

به بی نظیری تو اعتراف باید کرد

شبیه کعبه به دورت طواف باید کرد

زمان بوسه رسیده کمی مدارا کن

رسیده ای بغل یار دیده ات وا کن

در این نگاه برای همیشه ای خواهر

تمام حُسن خداوند را تماشا کن

به فکر عبد گنه کار باش و یک لحظه

به احترام حسین دست خویش بالا کن

همه به یاد خدیجه رخ تو بوسیدند

جلال بانوی مکه دوباره احیا کن

ببین چگونه پدر مست دیدن تو شده

نظر به چهرۀ پر افتخار مولا کن

سلام دختر حیدر شریکت الارباب

بزرگ زاده بیا و گدای خود دریاب

کسی که دست توسل بر این سرا بزند

قدم به وادی ممنوعۀ خدا بزند

حرام باد به هر عاشقی که بی اذنت

قدم برای زیارت به کربلا بزند

شناختی که من از دست هایتان دارم

بعید باشد اگر دست رد به ما بزند

همین کرامتتان شد سبب که هر شب و روز

که حلقه دور نگین کرم گدا بزند

تو قرص نان خودت را به سائلی دادی

که حق به خانۀ تان مهر هل اتی بزند

تهجد سحرت بس که غرق ذات خداست

حسین تکیۀ آخر بر این دعا بزند

از آن دمی که شده احترامتان واجب

به دست های شما بوسه مصطفی بزند

ز محضر همه سادات عذر می خواهم

اگر که گفته ام آتش به قلب ها بزند

خدا نیاورد آن روز را که در شهری

کسی به بی ادبی نامتان صدا بزند

به غیر حضرت زهرا کسی اجازه نداشت

که دست بر گره معجر شما بزند...[[15]](#footnote-15)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

با دست شوق چاک گریبان گرفته ایم

از فرط شور بادۀ طوفان گرفته ایم

در اوج ناز تخت سلیمان گرفته ایم

امشب به دست زلف پریشان گرفته ایم

شکر خدا ز جام جنونش لبالبیم

شکر خدا که گوشه نشیان زینبیم

امشب دلم به تاب و سرم گرم از تب است

شمع است و شاهد است و شرابی که بر لب است

شور و شگفتی است و شبی عشق مشرب است

شامی که روشنایی روز است امشب است

امشب تمام گرمی بازار زینب است

امشب شب ملیکه دادار زینب است

فصل الخطاب عاشقی ما رسیده است

ای قطره های تب زده دریا رسیده است

زیباترین حماسه دنیا رسیده است

زینب به دست حضرت زهرا رسیده است

چشمی گشود و چشم شقایق به خواب شد

زیباترین دعای علی مستجاب شد

باور نداشت چشم فلک دختر این چنین

در بین چند کعبهٔ دل دلبر این چنین

از هر چه سرفراز زنی سرتر این چنین

غیر از خدا نداشت کسی باور این چنین

حتی فلک به چشم خواب خیالش ندیده است

امشب خدا دوباره حسین آفریده است

تا کوچه اش قبیله لیلا ادامه داشت

تا خانه اش گدایی عیسی ادامه داشت

در قامتش قیامت مولا ادامه داشت

زینب که بود حضرت زهرا ادامه داشت

زهرا نبود زهره دگر نُه فلک نداشت

زینب نبود سفره خلقت نمک نداشت

زینب اگر نبود اثر از کربلا نبود

زینب اگر نبود علم حق به پا نبود

زینب اگر نبود کتاب خدا نبود

یک یا حسین بر لب ما و شما نبود

بیخود که نیست عاشق و مجنون زینبیم

این یا حسین را همه مدیون زینبیم

ای برترین عقیله ی ایل و تبارها

صبرت صلابت همه ی اقتدارها

ای کرده با صدای علی کارزارها

ای خطبه ات برنده تر از ذوالفقارها

با خطبه هات حیدر کرار زنده شد

در هیبتت شکوه علمدار زنده شد

نهج البلاغه خوان علی آتشِ کلام

ای مرتضای دوم کوفه، حسین شام

حُسن ختام کرب و بلا تیغ بی نیام

با خطبه ات گرفته ای از دشمن انتقام

ای زینب مدینه و زهرای کربلا

تو تیغ می گرفتی اگر وای کربلا

تو آمدی که صبر شوی، مجتبی شوی

تو آمدی حسین شوی، کربلا شوی

تو آمدی به آل کسا هم کسا شوی

هم ما رأیتُ سمت جمیلاً رها شوی

تو آمدی که کعبه دل کربلا شود

در سینه ها حسینیه غم رها شود

از کودکی برای برادر گریستی

از کودکی به خاطر مادر گریستی

گاهی کنار سرو صنوبر گریستی

گاهی کنار پیکر بی سر گریستی

حقت نبود تا که به زنجیرتان کشند

با خط تازیانه به تفسیرتان کشند[[16]](#footnote-16)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وقت نزول رحمت حق از سحاب شد

یعنی که جام دیدۀ ما پُر شراب شد

مستی ما به رتبۀ اعلی رسیده است

آن گونه که دل همۀ ما خراب شد

زهراترین ستاره ی زهرا طلوع کرد

نوری دمید و قبلگه آفتاب شد

بعد از طلوع مِهر رخش دل جلا گرفت

در ذره ذره های دلم انقلاب شد

امشب خدا برای علی حیدر آفرید

زیباترین دعای علی مستجاب شد

"یک نیمه اش حسن شد و یک نیمه اش حسین"

از شدّت بزرگی اش عالی جناب شد

از بس که شأن و منزلتش پر بها بود

وحی خدا به حضرت ختمی مآب شد ...

... آمد ندا که نام دل آراش زینب است

این گونه شد که زینت بابا خطاب شد

قائم مقام فاطمه آمد ادب کنید

از او سعادت دو جهان را طلب کنید

ما از ازل گدای پریشان زینبیم

شکر خدا که ریزه خور خوان زینبیم

با یک دعای او همه عاشق شدیم و بس

یعنی که عاشقانه مسلمان زینبیم

ما را خرید و نوکر اربابمان نمود

ممنون لطف و بخشش و احسان زینبیم

طعم شراب کوثری او زبان زد است

مست و خراب باده ی جوشان زینبیم

با یک نگاه حیدریش جذبمان نمود

ما قوم در به در، همه سلمان زینبیم

حجب و حیای دختر زهرا زبان زد است

تا روز حشر ما همه حیران زینبیم

مثل خدیجه هستی خود را فدا نمود

مبهوت عزم راسخ و ایمان زینبیم

او یک تنه مقابل دشمن قیام کرد

دل داده های رزم نمایان زینبیم

مانند مرد باشد اگر چه که خانم است

خون علی میان رگش در تلاطم است

او آمده زمین و زمان را تکان دهد

مثل مسیح بر تن هر مرده جان دهد

او آمده که با کرم کردگاریش

با نور خویش بر سر ما سایه بان دهد

او آمده که آیه ای از هل اتی شود

بر دست های خالی ما آب و نان دهد

او آمده که با نخی از تار چادرش

بر دوست دار فاطمه برگ امان دهد

او آمده که با نفس مصطفاییش

قد قامت نماز ولا را اذان دهد

او آمده پیمبر خورشید طف شود

در ماجرای کرب و بلا امتحان دهد

او آمده که حق خودش را ادا کند

یعنی به راه عشق، دو تا نوجوان دهد

او آمده برای حسین خواهری کند

او آمده که خواهریش را نشان دهد

خواهر- برادری که عزیز دل هم اند

تنها همین دو عاشق و معشوق عالم اند

هرگز کسی شبیه تو خواهر نبود و نیست

در آسمان عاطفه اختر نبود و نیست

دار و ندار تو همه وقف حسین بود

مانند تو به پای برادر نبود و نیست

حتی تو از عصاره ی جانت گذشته ای

در کربلا، شبیه تو مادر نبود و نیست

آیینه ی شکسته ی صحرای کربلا!

مانند ماجرای تو دیگر نبود و نیست

بر شانه ی صبور تو بار رسالت است

مانند تو کسی که پیمبر نبود و نیست

در ذیل خطبه های فصیح تو گفته اند:

اصلاً کسی شبیه تو "حیدر" نبود و نیست

شیوایی کلام تو را هیچ کس نداشت

از ذوالفقار نطق تو خوشتر نبود و نیست

زینب شدی که زینت شیر خدا شوی

یعنی کسی شبیه تو زیور نبود و نیست

در دفتر ثنای تو ای یاس مریمی

این بس بُوَد که عالمه ی بی معلمی

هر دختری که دختر زهرا نمی شود

هر بانویی که زینب کبری نمی شود

دار و ندار حضرت حیدر، مجلّله!

جز تو کسی که "زینت بابا" نمی شود

وصف و مدایح همه ی خاندانتان

در فهم و عقل ما به خدا جا نمی شود

پرونده ی زمین و زمان، زیر دست توست

بی اذن تو که نامه ای امضا نمی شود

صبر و ادب به پای تو قد خم نموده اند

این واژه ها بدون تو معنا نمی شود

دریا اگر مرکّب و گل ها قلم شوند

یک شمّه از فضائلت انشا نمی شود

عیسی به نام نامی تو می دهد شفا

بی خود مقام او که مسیحا نمی شود

شأن و مقام حضرت مریم ز مهر توست

بی مهر تو که بانوی دنیا نمی شود

صدّیقه و زکیّه و تندیس عفّتی

تو گوهر مقدّسه ی بحر عصمتی

آیینه ی تمام کمالات مادری

یادآور جلال و کمال پیمبری

مستجمع جمیع صفات علی تویی

یعنی تویی علی و علی تو، چه باوری؟

حیدر اگر به شهر علوم نبی در است

بانو! تو هم به شهر وصال حسین، دری

وقتی به روی دست نبی گریه می کنی

چشم انتظار دیدن روی برادری

در پای درس مادر خود پا گرفته ای

بی خود نشد که عالمه ی آل حیدری

علم لدنّی تو گواه کمال توست

الحق که از سلاله ی زهرای اطهری

با نطق حیدری و بیانات فاطمی

ویران گر قبیله ی شوم و ستمگری

با هر کلام خود به عدو تیغ می کشی

در رزم خود شبیه برادر، دلاوری

با قدرتت به قله ی دل ها علم زدی

فتح الفتوح آل علی را رقم زدی

ای بانویی که اسوه شدی بر ادیب ها

مدح و فضائل تو بُوَد از عجیب ها

با هر خطابه ی تو علی زنده می شود

مبهوت ذوالفقار کلامت خطیب ها

وقتی که با حسین خودت حرف می زنی

پیچیده می شود همه جا عطر سیب ها

ای یادگار فاطمه، علیا مخدّره

زهرا نسب شدی که شوی از نجیب ها

وقتی که نام توست به دارو چه حاجت است

اصلاً نیاز نیست وجود طبیب ها

با نام تو تمامی حاجات ما رواست

ای بهترین تجلّی امّن یجیب ها

طعم خوشی و طعم بلا را چشیده ای

ای مَحرم تمام فراز و نشیب ها

تفسیر داغ در نظرت جز "جمیل" نیست

محو شکوه عشق تو صبر و شکیب ها

در ظهر واقعه چقَدَر غصه خورده ای

ای خواهر خمیده ی شیب الخضیب ها

بانو! تو را برای حسین آفریده اند

گریه کن عزای حسین آفریده اند

ای یادگار فاطمه، غم پرور حسین

هم خواهر حسینی و هم مادر حسین

هم پای او شدی و رهایش نکرده ای

حتّی میان موج بلا، یاور حسین

بار رسالت علوی روی دوش توست

با این حساب بوده ای پیغمبر حسین

چشم امید او به نماز شبت بُوَد

روح دعا و کعبه ی نیلوفر حسین

دیدی که نیزه ها همگی حلقه بسته اند

دور ضریح بی کفن پیکر حسین

حتّی به روی نی چقَدَر خوب واضح است

آثار بوسه های تو بر حنجر حسین

شکر خدا نموده ای وقتی که دیده ای

زخمی شده تمامی بال و پر حسین

در شام و کوفه بودی علمدار قافله

جانم فدای تو همه ی لشکر حسین

اسلام با حضور تو ریشه دوانده است

عالم از این شهامت تو مات مانده است

زینب اگر نبود که زمزم نداشتیم

از ابر دیده بارش نم نم نداشتیم

زینب اگر نبود دگر کعبه ای نبود

باور کنید روح دعا هم نداشتیم

زینب اگر نبود جهان کفر محض بود

نامی ز دین حضرت خاتم نداشتیم

زینب اگر نبود دگر حیدری نبود

شیر نبرد خطّ مقدّم نداشتیم

زینب اگر نبود علی، فاطمه نداشت

آیینه ی نبی مکرّم نداشتیم

زینب اگر نبود کرم زاده ای نبود

مثل حسن کریم دو عالم نداشتیم

زینب اگر نبود به دنباله ی حسین

جایی برای واژه ی "جانم" نداشتیم

زینب اگر نبود تلاطم نداشتیم

قطعاً برای شور و نوا دم نداشتیم

این حرف آخر است که امشب قلم نوشت

زینب اگر نبود "محرّم" نداشتیم

شکر خدا که از می عشقش لبالبم

شکر خدا که شاعر دربار زینبم[[17]](#footnote-17)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

آن قدر عاشقیم که املا نمی شود

مستیِ ما که در قلمی جا نمی شود

زلف مرا به پنجره های ضریح عشق

طوری گره زدند، دگر وا نمی شود

باید که ناز داشت، کمی نیز غمزه داشت

هر دختر قبیله که لیلا نمی شود

آن کس که خاک پای مریدان میکده ست

محتاج معجزات مسیحا نمی شود

«تاک» مرا به عشق تو در خُم گذاشتند

حالا شراب می شود و یا نمی شود

ما مثل باده ایم شبی امتحان کنید

انگور زاده ایم شبی امتحان کنید

شکر خدا که نام مرا مبتلا نوشت

از حاجیان کعبه سبز شما نوشت

شکر خدا که دست قدر، دست سرنوشت

نام مرا شریف ترین خاکِ پا نوشت

صبح ازل به خاک تو پیشانی ام رسید

این سجده را فرشته به پای خدا نوشت

از ما سوال شد که اسیر تو می شویم؟

ما خواستیم و آیه ی «قالو بلی» نوشت

بالای سر در حرم کبریاییش

نام تو را به خط خودش با طلا نوشت

یعنی تمام جلوه آل عبا تویی

آیینه تمام نمای خدا تویی

اعجاز بی مثال شما تا ادامه داشت

موسی ادامه داشت، مسیحا ادامه داشت

ای بارش همیشه سجاده های نور

در امتداد چشم تو دریا ادامه داشت

بانو اگر به آینه ها سر نمی زدید

تاریکی همیشه ی دنیا ادامه داشت

در آسمان چهارم افلاک جا زدیم

آیات ردّ پای تو اما ادامه داشت

تا زندگیت را به تماشا گذاشتی

آن عمر جاودانه زهرا ادامه داشت

ای آفتاب روشن شب های کربلا

ای زینب مدینه و زهرای کربلا

گفتیم آسمانی و دیدیم برتری

گفتیم آفتابی و دیدیم بهتری

گفتیم دختر اسد الله غالبی

ایام کوفه آمد و دیدیم حیدری

تو از زمان کودکیت تا بزرگیت

شیواترین مفسر الله اکبری

تو از کدام طایفه هستی که مستقیم

فیض از حضور علم خداوند می بری

بر شانه های سبز تو بار رسالت است

تو اولین پیمبر بعد از پیمبری

خورشید روی تو شرف مشرقین شد

یک نیمه ات حسن شد و نیمت حسین شد

ای ماورای حد تصور کمال تو

بالاتر از پریدن جبریل بال تو

از مادری چنین، چنین دختری شود

هم خوش به حال فاطمه هم خوش به حال تو

غیر از حسین فاطمه، چیزی ندیده ایم

در انعکاس آینه های زلال تو

نزدیک سایه های عبورت نمی شویم

نامحرمان عشق کجا و خیال تو؟

از گوشه های چشم تو ساحل درست شد

محض رضای پای تو محمل درست شد

تو زینبی و شیر زن بعد کربلا

تفسیرِ نفسِ مطمئِن بعدِ کربلا

زهرا، نبی، حسین و علی و حسن تویی

بانو تویی تو «پنج تنِ» بعد کربلا

گاهی که طعنه می شنوی صبر می کنی

یعنی تویی همان حَسنِ بعد کربلا

ای گریه غریبی عریان بی کفن

حالا تویی و پیرهن بعد کربلا

قلبت تپید و سوره مریم شروع شد

غمگین ترین غروب محرم شروع شد

ای سایه بلند اباالفضل بر سرت

ای بال جبرئیل، گلستان معبرت

عباس هم رشیدی قد تو را ندید

از بس که سر به زیر بود در برابرت

شب زنده دار شام غریبان کربلا

دل بسته بر نماز شب تو برادرت

ای خطبه صدای تو نهج البلاغه ات

وی محمل بدون جهاز تو منبرت

هجده سر بریده به دنبال چشم تو

هجده سر بریده نگهبان معجرت

ای قله نجابت توحید، جای تو

عطر حضور فاطمه دارد حیای تو[[18]](#footnote-18)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای بحر کمال گوهر آوردی

ای کوثر وحی کوثر آوردی

ای نخل امید نوبر آوردی

ای ماه خجسته اختر آوردی

ای دخت رسول دختر آوردی

زینب؟ نه، حسین دیگر آوردی

بر نفس رسول زیب و زین است این

سر تا به قدم همه حسین است این

تو وجه خدایی و تجلا او

تو روح محمدی و اعضا او

تو بحر کمال و در یکتا او

تو باغ بهشت و نخل طوبا او

او با تو بود شبیه و تو با او

الله الله تو زینبی یا او

بانوی زنان عالم آوردی

بعد از دو مسیح مریم آوردی

آیات خداست نقش رخسارش

در چشم رسول حسن دادارش

شمشیر علی است تیغ گفتارش

زهرا شده محو چشم بیدارش

هم مرغ دل حسن گرفتارش

هم چشم حسین محو دیدارش

آیینۀ احمد است این دختر

قرآن محمد است این دختر

هم مام ائمه را بهین دختر

هم عصمت و زهد و صبر را مادر

هم فلک نجات را بود لنگر

هم خون حسین را پیام آور

هم در یم خون امام را یاور

هم قافلۀ قیام را رهبر

هم خون شهید جرعه نوش او

هم خشم حسین در خروش او

آیینۀ پنج تن، جمال او

شرمنده جلال از جلال او

پرواز کمال از کمال او

یک فاطمه حلم در خصال او

عاشور حسین شور و حال او

پیشانی غرقه خون مدال او

خون شهدا هماره مدیونش

در صبر و رضا حسین ممنونش

ای کوفه و شام کربلای تو

ای سینۀ خلق نی نوای تو

ای صورت صبر نقش پای تو

ای آیۀ کاف و ها ثنای تو

حق شیفتۀ خدا خدای تو

فریاد علی است در صدای تو

میراث کمال از رسل داری

استاد ندیده علم کل داری

تو عالمۀ ندیده استادی

ویران گر کاخ ظلم و بیدادی

صد کرب و بلا خروش و فریادی

با کوه ملال سرو آزادی

زهد و شرف و عدالت و دادی

در موج غم از وصال حق شادی

با آن همه داغ از شکیبایی

چشم تو ندید غیرزیبایی

بر چهره جمال دادگر داری

اعجاز خطابه از پدر داری

اسرار علوم را ز بر داری

ارثی است که از پیامبر داری

تقدیم حسین دو پسر داری

دو مهر ز ماه خوب تر داری

تو باب حسین و باب زهرایی

تو ماه دو آفتاب زهرایی

تو ام مصائبی و مام صبر

زیبد که بخوانمت امام صبر

در دست اراده ات زمام صبر

با صبر تو زنده گشت نام صبر

مرهون تو تا ابد نظام صبر

ای هر نفس تو یک پیام صبر

بر صبر تو از هزار زخم تن

در مقتل خون حسین گفت احسن

سوگند به ذات قادر بی چون

شکرانه سرودنت به موج خون

با جسم کبود و گیسوی گلگون

کاری است ز حد وهم ما بیرون

ای نهضت کربلا به تو مدیون

ای داده شکست ها به خصم دون

تو خون حسین را بقا دادی

حتی به شهید ارتقا دادی

باید به جهان پیمبری آید

در ملک وجود حیدری آید

چون فاطمه باز مادری آید

مانند حسن برادری آید

میلاد حسین دیگری آید

تا چون تو خجسته خواهری آید

عالم به ولایت تو می نازد

«میثم» به عنایت تو می نازد[[19]](#footnote-19)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل سوم، مدح و مرثیه حضرت زهرا(سلام الله علیها)

وقتی گدای فاطمه بودن برای ماست

احساس می کنیم دو عالم گدای ماست

با گریه بهر فاطمه آدم عزیز شد

این گریه خانه نیست که دولت سرای ماست

اینجا به ما حسین حسین وحی می شود

پیغمبریم و مجلس زهرا حرای ماست

سلمان شدن نتیجۀ همسایگی اوست

زهرا برای سیر کمال ولای ماست

تنها وسیله ای که نخش هم شفاعت است

چادر نماز مادر ارباب های ماست

باران به خاطر نوۀ فضه می رسد

ما خادمیم و ابر کرم در دعای ماست

فرموده اند داخل آتش نمی شویم

فردا اگر شفاعت زهرا برای ماست[[20]](#footnote-20)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

دختر نازنین پیغمبر

حاصل اربعین پیغمبر

در صدای تو مرتضی می دید

لهجه ی دلنشین پیغمبر

عرق چهره ی تو بنشسته

بر روی آستین پیغمبر

احترام تو و علی بوده

سخن آخرین پیغمبر

أینَ زهرا بُود به رستاخیز

جمله ی اولین پیغمبر

وصف تو در بیان نمی گنجد

روح تو در زمان نمی گنجد

آمدی ای بهار زیبایی

تا درآید علی ز تنهایی

هر كه شد عاشق غمت بانو

می كِشد كار او به رسوایی

دانش ما ز روح تو اندك

ما همه قطره و تو دریایی

از كسی كه به مجلست آید

مرتضی می كند پذیرایی

ای اسیر نگاه تو حیدر

دیده دارد به راه تو حیدر

ای كه در اوج عشق و عرفانی

نشدی غافل از خدا آنی

فرصت زندگی تو كوتاه

قصه های غم تو طولانی

با مدالی كه روی سینه ی توست

قهرمان تمام دورانی

در غم آن جمال پُر ابرت

دیده هایم همیشه بارانی

شأن تو كمتر از علی نبُود

هر چه داند علی تو می دانی

ای به درد دلم دوا زهرا

مدح تو می كند خدا زهرا

كوثری تو بدون مانندی

در به روی گدا نمی بندی

تو چه زیبا دل از همه بردی

ای بنازم بر این هنرمندی

چه كنم ای حبیبه ی طاها

كه قبولم كنی به فرزندی

تا كه دیدی غریبی حیدر

دل ز دنیای بی علی كندی

به خدا كن سفارش ما را

پیش ایزد تو آبرومندی

روی سینه پلاك حیدری ام

اولین مرتبه تو افكندی

هر كجا نام تو بُود زهرا

نظر مرتضاست بر آن جا

ای نگاهت سپیده ی حیدر

یار از ره رسیده ی حیدر

هر تپش قلب تو علی گوید

ای مصیبت كشیده ی حیدر

علی از دیدن تو دل خوش بود

روشنیِ دو دیده ی حیدر

دل مجنون او اسیرت بود

لیلی قد خمیده ی حیدر

تو به راه علی فدا گشتی

فاطمه، ای شهیده ی حیدر

تو حمایت گر علی بودی

همه جا در بر علی بودی[[21]](#footnote-21)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

دل که آشفته شود زلف پریشان هیچ است

پیش مشتاقی ما چاک گریبان هیچ است

کرم اهل کرم بیشتر از خواهش ماست

خواهش دست گدا نزد کریمان هیچ است

آن قدر معجزه ها از هنر تو دیدیم

که بنا کردن این دل، دل ویران هیچ است

سربلندیم اگر سایه ی تو بر سر ماست

پیش این سایه ی تو تاج سلیمان هیچ است

خِلقت طینت تو بس که لطافت دارد

گر بریزند به پای تو گلستان هیچ است

ما به جمهوری زهرایی خود می نازیم

وَرنه بی فاطمه که خطّه ی ایران هیچ است

مِهر زهراست به ما رنگ و بویی بخشیده

نام زهراست به ما آبرویی بخشیده

زیر پای تو می افتد، سر اگر بنویسند

در هوای تو می افتد، پَر اگر بنویسند

نسبت ام ابیهاست که شایسته ی توست

اشتباه است تو را دختر اگر بنویسند

باز قرآن کریم است ندارد فرقی

جای هر سوره فقط کوثر اگر بنویسند

قصد کردم پس از امروز هزاران دفعه

بنویسم زهرا، مادر اگر بنویسند

بی گمان یاد نخ چادر تو می افتیم

از مقامات تو در محشر اگر بنویسد

به مقام تو اضافه نشود نام تو را

یا نبی یا علیِ دیگر اگر بنویسند

نه نبی، بلکه نبوت شده عزت مندت

نه علی، بلکه ولایت شده گردنبندت

عرش را دیدم و جای تو به یادم آمد

قرب انگشت نمای تو به یادم آمد

در عبودیت تو کُنه ربوبیت بود

با صفات تو خدای تو به یادم آمد

روحِ روح القُدست بود که فرمود: «اِقرَاء»

در حرا نیز صدای تو به یادم آمد

خواستم روی نماز شب تو فکر کنم

ورم کهنه ی پای تو به یادم آمد

قُوت دنیا و قنوت تو به هم مرتبط اند

حرف "نون" بود و دعای تو به یادم آمد

غصه خوردم که به افطار چرا لب نزدی

لب خوشحالِ گدای تو به یادم آمد

گرد و خاکِ حرمی را که نداری بفرست

درد دارم که دوای تو به یادم آمد

قبر تو گوهر دنیاست و دنیا صدف است

جلوه ای از حرم گم شده ات در نجف است

قصدت این بود فقط یار علی باشی و بس

ظرف نُه سال گرفتار علی باشی بس

از مقامات خودت دم نزدی تا که فقط

باعث گرمی بازار علی باشی و بس

بازوی تازه شکسته شده از یادت رفت

تا که هر لحظه نگهدار علی باشی و بس

خواستی میخ تو را بند کند تا شاید

مثل یک عکس به دیوار علی باشی و بس[[22]](#footnote-22)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

دوباره آمده فصل عزای مادرمان

دوباره روزیمان شد دعای مادرمان

شبیه گریه ابر بهار می باریم

برای کوثر پرپر برای مادرمان

در این مجالس ماتم شکسته دل هامان

شبیه آینه با روضه های مادرمان

فدای راه علی شد... فدای راه علی

تمام هستی عالم فدای مادرمان

اگر اراده او بود زیر و رو می شد

تمام عرش به یک ربنای مادرمان[[23]](#footnote-23)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

نشسته ام به در خانه و سرای شما

خدا نوشته مرا از ازل گدای شما

نهاده ام سر خود را به خاک این کوچه

میان کوچه به جا مانده ردّ پای شما

جسارت است، مرا هم صدا کن، ای پسرم

غریبه ام که شوم، مادر! آشنای شما

رسیده ام به مدینه ولی کمی دیر است

نمی شد اینکه مرا می زدند جای شما؟

دلش چگونه می آمد به صورتت می زد؟

مقابل علی و چشم بچه های شما

مگر چه آمده بر حال و روز پهلویت

که شانۀ حسنت می شود عصای شما

گرفته راه نفس، خون تازه می ریزد

شکسته در وسط سینه ات صدای شما

برای رفتن خود گوئیا دعا کردی

خدا کند که نگیرد فقط دعای شما

کمی تبرّک، تربت ز کربلا دارم

که شاید این بشود مرهم و دوای شما

به بیت آخر عمرت تو را قسم مادر

دعا نما که بمیرم به روضه های شما[[24]](#footnote-24)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

در روز سخت یار علی بود فاطمه

پیوسته در کنار علی بود فاطمه

دشمن شعار زشت به لب داشت، در عوض

زیباترین شعار علی بود فاطمه

یزدان به افتخار علی در گشوده بود

بنگر که افتخار علی بود فاطمه

دست خداست دست علی دست از او مدار

الحق که دستیار علی بود فاطمه

دنیا به پیش چشم علی ارزشی نداشت

دنیای انحصار علی بود فاطمه

هر جا جهاد بود علی بود و ذوالفقار

گریان در انتظار علی بود فاطمه

پائیز بود و سینهٔ پر درد و برگ زرد

اندر خزان، بهار علی بود فاطمه

آری دیار یار دیاری غریبه بود

آشفتۀ دیار علی بود فاطمه

آری علی امام ولایت مدار بود

چون زهره در مدار علی بود فاطمه

با این که زندگی همه آلام و رنج بود

آرامش و قرار علی بود فاطمه

مشکل گشای خلق به مشکل فتاده بود

مشکل گشای کار علی بود فاطمه

یک لحظه بر سران سقیفه امان نداد

القصّه دادیار علی بود فاطمه

زهرا چو رفت شیشۀ عمر علی شکست

بازوی اقتدار علی بود فاطمه

بی فاطمه سرای علی را صفا نبود

فانوس شام تار علی بود فاطمه

مسمار، خون فاطمه می ریخت پشت در

ناموس زخم دار علی بود فاطمه

(خوشزاد) بر شفاعتش امیدوار باش!

امّیدِ روزگار علی بود فاطمه[[25]](#footnote-25)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اگر این روضه ها بر پا نباشد

نشان از شیعگی در ما نباشد

برای ما در این دنیای تاریک

خدایی، غیر هیأت جا نباشد

میان شهر ما یک نقطه حتی

به جز هیأت دگر زیبا نباشد

بگویم با شهیدانی که رفتند

که اسمی از شما حتی نباشد

رسیدن بر شما سخت و محال است

دل ما کربلایی تا نباشد

دلم یاد امیرالمومنین کرد

همان که غیر او مولا نباشد

میان سجده هایش ناله می زد

علی مرده است اگر زهرا نباشد[[26]](#footnote-26)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

نبض خدا در التهاب فاطمیه است

دل بیت الاحزان خراب فاطمیه است

فریاد یا زهرا شعار سینه زن هاست

دست و زبان، پا در ركاب فاطمیه است

پشت سر سوز و گداز هیئتی ها

صدها دعای مستجاب فاطمیه است

این روزها چشم جواهر زای مهدی

آغشته با محلول آب فاطمیه است

خورشید بی اذن علی تابش ندارد

وقتی كه زهرا آفتاب فاطمیه است

تصویر كوچه، عكس یك سیلی محكم

تا آخر دنیا به قاب فاطمیه است

با یاس های سوخته می گفت آتش

قلب شقایق هم كباب فاطمیه است

تنها وجود آن یتیمان علی نه!

در هر وجودی اضطراب فاطمیه است

از بدحجابی های اهل شهر خواندیم

میلِ به لذت ها حجاب فاطمیه است

در پرتوی آتش فشان روضه دیدیم

در چشم های ما مذابّ فاطمیه است

وقتی محرم می شود احیاگر دین

تأثیر آن از انقلاب فاطمیه است[[27]](#footnote-27)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امشب که میانِ روضه ها آمده ام

من در طلبِ لطف و عطا آمده ام

مادر تو ببین که بینِ خوبانت من

با دستِ تُهی مثلِ گدا آمده ام

دستی بکش از مِهر و محبِت به سَرَم

من گرچه بَدَم ، نگو چرا آمده ام

دل را حرم شما نمودم بانو

با یک دلِ تنگ و مبتلا آمده ام

مادر نظری به اشک و آهَم بنما

بنگر که غریب و بی نوا آمده ام

در خانۀ تو تا که مرا ردّ نکنی

من سوی تو با ذکر رضا آمده ام

عمری است، که درماندۀ غیر از تو شدم

بر درگهِ تو، پیِ دوا آمده ام

تنها نرسیدم به حضورَت مادر

دریاب که من با شهدا آمده ام

جانَم به فدای پسَرَت سیّد علی

من با نفَسِ روح خدا آمده ام

با دست شکسته ات بیا امضا کن

من پیِ بَراتِ کربلا آمده ام

شد آرزوی قلبیِ من با شهدا

من هم بروم زیارت کرببلا[[28]](#footnote-28)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل چهارم، اشعاردر و دیوار

سینه ای که مخزن الاسرار بود

کی سزاوار در و دیوار بود

مانده است این داغ بر دل های ما

کاش آن در خالی از مسمار بود

درد پهلو، درد بازو، درد یار

دردهای فاطمه بسیار بود

گرد و خاک چادر او حاکی از

ماجرای کوچه ای غم بار بود

با وجود آن همه غم، قاتلش

غصه های حیدر کرار بود

آه در آن شهر نیرنگ و فریب

قحطی دین قحطی عمار بود[[29]](#footnote-29)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حبل کین بر گردن حبل المتین افتاده است!

لرزه بر عرش برین و رکن دین افتاده است

کاش از مهدی بپرسم کای امام منتقم!

مادرت زهرا چرا روی زمین افتاده است؟!

آتش کین، میخ در را چون گل آتش نمود

روی سینه، جای میخ آتشین افتاده است!

عذر می‏خواهم اگر می‏پرسم از درگاه تو

جای دست کیست بر آن مه جبین افتاده است؟!

از سر شب تا سحر با دیدۀ گریان، علی

روی قبر فاطمه زار و حزین افتاده است

عاشقان! چون مهبط جبریل را آتش زدند

شعله بر بال و پر روح‏الامین افتاده است[[30]](#footnote-30)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

از عرش و فرش فاجعه سنگین تر است وای

داغش هنوز در دل نیلوفر است وای...

هر روز با صدای اذان تازه می شود

زخمی که یاد بی کسی حیدر است وای

یک مرد از مغیره نپرسید بی حیا

این معنی مودت پیغمبر است؟ وای!

حتی کسی نگفت که این را که می زنید

قرآن نخوانده اید مگر "کوثر" است وای

از آه او شراره به عرش خدا فتاد

از ناقۀ ثمود مگر کمتر است وای

دستش شکسته لیک وفایش نگر هنوز

دست شکسته اش سپر شوهر است وای

اجر رسالت نبوی تازیانه بود؟

شهر نبی هنوز پر از کافر است وای

نالید ذوالفقار درون نیام که-

آن کس که می برید یل خیبر است وای

(دعبل) خموش قصۀ این غصه سخت شد

آتش به پشت خانۀ پیغمبر است وای[[31]](#footnote-31)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

جگرم آب شد از دیدۀ تر می افتد

ناگهان پشت در خانه شرر می افتد

اربده می کشد و مشت به در می کوبد

حرمت خانۀ ما هم به خطر می افتد

آن قدر ضرب لگد در پس در سنگین است

تا که مادر به زمین خورد، پدر می افتد

نه فقط مادر و بابا به زمین افتادند

آن چنان زد که روی فاطمه در می افتد

عقدۀ خیبر و بدر است که همدست غلاف

می زند بر بدنش، تا که سپر می افتد

با قد خم شده اش پای علی می ماند

پایۀ محکم عرش است، مگر می افتد؟![[32]](#footnote-32)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

در کوچه پا به پای علی، یا علی مدد

جان می‌دهم برای علی، یا علی مدد

وقت ظهور سرّ فدیناه آمده

کوچه شده منای علی، یا علی مدد

قامت خمیده در وسط کوچه می شوم

طوفان لافتای علی، یا علی مدد

مولای من امام من آقای من علی‌ست

حیّ علی الرّضای علی، یا علی مدد

شمشیر روی رهبر من می‌کشند؟ آه!

سر می‌دهم به جای علی، یا علی مدد

دستم شکست و دست علی را گشوده ام

من می‌خرم بلای علی، یا علی مدد

محسن شهید و... فاطمه هم رو سپید شد

هستی من فدای علی، یا علی مدد

این پهلوی شکسته‌ی زهرا ودیعه ایست

بین من و خدای علی، یا علی مدد

هر کس شود فدائی رهبر مقدس است

در مکتب ولای علی، یا علی مدد

سرخی خون فاطمه نقش است تا ابد

بر سینه‌ی لوای علی، یا علی مدد[[33]](#footnote-33)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

چشمان تارم طاقت دیدن ندارد

جا دارد از این صحنه عالم جان سپارد

مادر میان آتش افتاده خدایا

کاری کن این لحظه کمی باران ببارد

بابا مگر که می شود این در نسوزد

من سعی کردم سورۀ کوثر نسوزد

اما دوباره آتش در گُر گرفته

بابای من کاری بکن مادر نسوزد

مادر بیفتد کنج خانه، درد دارد

این گریه های مخفیانه، درد دارد

می خواست برخیزد ز جایش، باز افتاد

جای غلاف و تازیانه، درد دارد

پدرم بود ولی مادر ما سیلی خورد

به گمانم که رخ شیر خدا سیلی خورد

پنج انگشت که به صورت او خورد، نوشت

گوئیا پنج تن آل عبا سیلی خورد[[34]](#footnote-34)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وقتی آن روز شرر بر سر دنیا افتاد

داغ مهتاب به روی دل دریا افتاد

خانه ای که حرم امن خدایی ها بود

گذر لشگر ابلیس بر آن جا افتاد

پشت در شعلۀ بی واهمه جولان می داد

دست فتنه به در خانه طاها افتاد

منتظر بود میان دار سقیفه آن جا

تا که خوب آتش و هیزم شررش جا افتاد

آن چنان زد که در سوخته را از جا کند

یاس پرپر شد و غنچه ز تقلا افتاد

لشگری رد شد و انسیه حورا می سوخت

لاله ای سرخ روی سینه زهرا افتاد

آه دستان خدا بسته شد اما زهرا

با همان بال و پر سوخته اش تا افتاد

گفت فضه کمکم کن که علی را بردند

خواست تا مانع آن ها شود اما افتاد

با غلافی که نشان بر روی بازوش گذاشت

پیش چشمان پر از غیرت مولا افتاد[[35]](#footnote-35)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

موجی رسید هیبت دریا تکان نخورد

آتش گرفت دامنش اما تکان نخورد

او قول داده بود فدای علی شود

در پشت در به خاطر مولا تکان نخورد

زهرا خودش علی ست چرا کم بیاورد

چون کوه از مقابل آن ها تکان نخورد

با هیبت از حریم ولایت دفاع کرد

طوری که آب در دل مولا تکان نخورد

مسمار لعنتی به پرش گیر کرده بود

این بود علتش اگر از جا تکان نخورد

وقتی نیاز داشت نیازش زنانه بود

وقتی دوید خادمه، آقا تکان نخورد

آن ضربۀ غلاف مگر که چه کرده بود

از آن به بعد بازوی زهرا تکان نخورد[[36]](#footnote-36)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل پنجم، اشعار بستر

گل بودی اما بوی خاکستر گرفتی

آه ای فرشته بین شعله پر گرفتی

با این سرانگشتی که تاول زد در آتش

امشب گره از موی این دختر گرفتی

با من غریبی می کنی در خانه وقتی

چشمت به من افتاده چادر سر گرفتی

ای کاش می مردم نمی دیدم چه زخمی

از ضربه های محکم این در گرفتی

پروانه ها را با تب و تابت مسوزان

با لاله هایی که بر این بستر گرفتی

با دستمال بستۀ دور سر خود

جان مرا ای جان من دیگر گرفتی

دلواپس گلبرگ هایت مانده ام من

حالا که ای گل بوی خاکستر گرفتی[[37]](#footnote-37)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قرار بود كه عمری قرار هم باشیم

كه بی‌قرار هم و غمگسار هم باشیم

اگر زمین و زمان هم به هم بریزد باز

من و تو تا به ابد در مدار هم باشیم

اگر تمام جهان دشمنی كند با ما

من و تو یار هم و جان‌نثار هم باشیم

كنون بیا كه بگرییم بر غریبی هم

غریبه نیست، بیا سوگوار هم باشیم

در این دیار اگر خشكسالی آمده است

خوشا من و تو كه ابر بهار هم باشیم

نگفتی‌ام ز چه خون گریه می‌كند دیوار

مگر قرار نشد رازدار هم باشیم

نگفتی‌ام ز چه رو رو گرفته‌ای از من

مگر چه شد كه چنین شرمسار هم باشیم

به دست خسته‌ی تو دست بسته‌ام نرسید

نشد كه مثل همیشه كنار هم باشیم

شكسته است دلم مثل پهلویت آری

شكسته‌ایم كه آیینه‌دار هم باشیم[[38]](#footnote-38)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

به دلم افتاده مادر درد تو دوا می گیره

خوب می شی مادر دوباره خونمون صفا می گیره

به دلم افتاده مادر دوری از اجل می گیری

زخم پهلوت می شه درمون باز منو بغل می گیری

باغبون رحمی به ما کن چشماتو دوباره وا کن

جون زینب تو برای خوب شدن فقط دعا کن

به دلم افتاده مادر ای که چشمات مهربونه

خوب می شه دست شکسته می زنی موهامو شونه

به دلم افتاده مادر بابای ما که امیره

از غریبی در میاد و ذوالفقار به کف می گیره

به دلم افتاده مادر مثل دورۀ پیمبر

به زبونا باز می افته اسم با صفای حیدر

بعضی وقتا هم می ترسم سراغ از اجل بگیری

پیش چشمای تر ما تو نفس نفس بمیری

الهی زنده نباشم تا برات ماتم بگیرم

یا می شد به جای محسن من به پای تو بمیرم

ای عزیز آسمونی تو بمون قدّ کمونی

بابامون علی جوونه خودتم هنوز جوونی

یه نگاهی به حسن کن مادرا رحمی به من کن

لااقل برا حسینت، مهربون فکر کفن کن

به دلم افتاده مادر می رسه جمعۀ موعود

پسرت مهدی می آد و می شه دشمن تو نابود

او میاد با تیغ حیدر روی لب می گه مکرر

مادرم که بی گناه بود چرا شد ز کینه پرپر[[39]](#footnote-39)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مردم شهر چه ها بر جگرت آوردند

شعله بر سوختن بال و پرت آوردند

دست سمت رخ هم چون قمرت آوردند

گل یاسم چه بلایی به سرت آوردند

خواب بودی ورم پلک ترت را دیدم

رفتی از هوش کنارم، به خودم لرزیدم

بعد از آن روز که من سوختنت را دیدم

مُردم و زنده شدم زخم تنت را دیدم

باورم نیست بمانی کفنت را دیدم

غیرت کوچه و اشک حسنت را دیدم

چند وقتی ست که خوابش پر کابوس شده

غیرت کودکمان زخمی ناموس شده

وای اگر بال و پرت میل به پرواز کند

زخم سر بسته ی پهلوت دهن باز کند

از تب نیمه شب تو سخن آغاز کند

باید امروز نگاهت کمی اعجاز کند

ور نه از خس خس راه نفست می میرم

آه، از شهر مدینه چه قدر دلگیرم

اشک چشمان ترت کاش امانت می داد

سوزش بال و پرت کاش امانت می داد

دنده ی دردسرت کاش امانت می داد

شب و درد کمرت کاش امانت می داد

نقشی از صورت خورشید در این شام بکش

بسترت سرخ شده، پس نفس آرام بکش

بشکند دست بزرگی که به رویت بد زد

از لج من به روی بازوی تو آمد زد

خواست تا دست بیافتد چه قدر بی حد زد

دشمنت زخم پیاپی به دلم خواهد زد

با زمین خوردن تو سینه ی من تیر کشید

دست من را نفس خسته به زنجیر کشید

در نگاه تو غم سوختنی معلوم است

غمت از دوختن پیرهنی معلوم است

در سراشیبی گودال تنی معلوم است

کشتۀ بی سر و پاره بدنی معلوم است

تکه های بدنش سهمیهٔ هر نیزه است

زیر و رو کردن او زیر سرِ سر نیزه است[[40]](#footnote-40)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

از سینه دگر آه شرر بار نکش

برخیز ولی منت دیوار نکش

من شانه نخواستم به جان بابا

از دست شکسته این قدر کار نکش

ای کاش که درد سینه غوغا نکند

خیلی نفست فاصله پیدا نکند

پهلوی تو را همین که دیدم گفتم

این زخم خدا کند دهن وا نکند

امروز یکی دو رنج مبهم داریم

از چیست که ناخواسته ماتم داریم

در بقچۀ رو به رویمان دقت کن

من فکر کنم که یک کفن کم داریم

بیتاب حسین آمده تابش بدهی

انگار بنا نیست جوابش بدهی

اصلاً تو خودت بگو دلت می آید

او تشنه شود نباشی آبش بدهی[[41]](#footnote-41)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

عزیز من چه شده دست بر کمر داری

گذشته نیمه ای از شب هنوز بیداری؟

دوباره پیرهنت پر ز خون شده مادر

برای شستن این جامه درد سر داری

دعا نکن اجلت زودتر از من برسد

فقط بگو چه کنم تا که دست برداری

سه ماه گوشه این خانه بستری هستی

سه ماه می شود اما هنوز بیماری

اگر چه زخم تو را شسته ام ولی انگار

به باغ پیرهنت باز لاله می کاری

به یاد محسن خود باز می روی از حال

زیاد فکر نکن، مادرم نکن زاری

تن تو آب شده بی رمق شده اما

هنوز عین سپاه علی علم داری

همین که قوت قلب پدر شدی کافی ست

نیاز نیست بگیری به دوش خود باری

سه ماه می گذرد از اصابت مسمار

ولی دوباره از این زخم، خون شده جاری[[42]](#footnote-42)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وقتی سرت را روی بالش می گذاری

خونآبه می گردد ز پهلوی تو جاری

دیشب عوض کردی لباس خونی ات را

امّا دوباره شد لباست لاله کاری!!!

زهرا مگر میخ در خانه چقدر است؟!!!

هر دفعه باید پیرُهن را در بیاری

پهلوی تو خواب و خوراکت را گرفته

از درد پهلو تا سحرگه بی قراری

با من نمی گویی چه آمد بر سر تو؟!!!

بانو شبیه مجتبایم راز داری

اشک جگر دارت ز چشمانت روان است

با خنده های بی شکیب زخم کاری

درد کمر دیگر امانت را بریده!

حتّی توانِ راه رفتن هم نداری

دردانۀ من زیر لب آهسته گوید

چادر نماز خاکیت شد یادگاری[[43]](#footnote-43)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای گلستان علی رنگ خزان داری چرا؟

یار هجده ساله ام قد کمان داری چرا؟

ای بهشتی یاس من بوی بنفشه می دهی

چهرۀ یاسی به رنگ ارغوان داری چرا؟

با دو چشم خویش صحبت می کنی این روزها

لب فرو بستی و مهری بر دهان داری چرا ؟

" می روم " را بر لبت هر روز جاری می کنی

این چنین دوری تو با لفظ "بمان" داری چرا؟

فاطمه بی تو دگر من با که گویم راز خویش

فکر رفتن بی علی از آشیان داری چرا؟

عاقبت با من نگفتی ماجرای کوچه را

یا نگفتی که ز من چهره نهان داری چرا؟

در وصیت های خود حرف از سنان و نیزه و

تشنگی و آب و آتش بر زبان داری چرا؟[[44]](#footnote-44)

هر چند پهلویت شکسته، ناتوانی

دستم به دامانت، دعا کن تا بمانی

بد جور آزردند قلبت را عزیزم

شرمنده ام خیری ندیدی از جوانی

با چشم هایت درد دل کن با نگاهم

چون نا نداری تا بفرمایی زبانی

این روزها اصلاً به جای بغض بانو

انگار مانده در گلویم استخوانی

زینب چه معصومانه می پرسد که: مادر!

کی باز من را روی زانو می نشانی؟

با کودکانت التماسی از تو داریم

روی زمین با ما بمان ای آسمانی![[45]](#footnote-45)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل ششم، اشعار شهادت**

مدینه بعد از این رونق ندارد

که اسلامش دگر بیرق ندارد

مصوب شد به شورا، یار حیدر

برای زنده ماندن حق ندارد

قد خیبر شکن بشکست و تا شد

نماز صبر خواند و در دعا شد

به آغوش پدر برگشت زهرا

که گفته آسمان در خاک جا شد

یتیمان جز دو چشم تر ندارند

به غیر از خاک غم بر سر ندارند

چو مادر مرده ها باید فغان کرد

که طفلان علی مادر ندارند[[46]](#footnote-46)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

دیر است ای اجل به نجاتم شتاب كن

جانم بگیر و خانه ی غم را خراب كن

چشم انتظار مرگ من اهل مدینه اند

یارب دعای شهر مرا مستجاب كن

با التماس گفت بمان خوب می شوی

ای زخم سینه ام تو علی را جواب كن

دست شكسته ام كه تكانی نمی خورد

زینب بیا و ظرف حسینم پر آب كن

سر را نمی شود كه گذاری به سینه ام

جایی برای خفتن خود انتخاب كن

سنگینی دری كه مرا پشت خود شكست

از زخم های سرخ و كبودم حساب كن[[47]](#footnote-47)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مادر پیغمبری و دختر پیغمبری

پس چرا ای جان من این گونه بی بال و پری

جان حیدر، ابر بارانی نشو هر روز و شب

فاطمه با اشک خود جانم به لب می آوری

من که می دانم به رویت جای سیلی مانده است

روی خود پنهان مکن از من به زیر روسری

بین کوچه با چهل تن یک تنه کردی مصاف

مردمان دیدند هم زهرایی و هم حیدری

زانوانم سست می گردد، دلم خون می شود

تا که چشمت بسته می گردد گل نیلوفری

قصد رفتن را که تنهایی نداری فاطمه

فاطمه با من بگو با خود علی را می بری؟

زینبت یک گوشه می گرید گمانم فاطمه

شانه می خواهد دوباره گیسوان دختری

زخم های داغ تو کهنه نمی گردد به دل

زخم چوب و آتش و روی تو و میخ دری[[48]](#footnote-48)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

من رفتنی هستم دگر یاور نداری

مظلوم! با مظلومه ات کاری نداری؟

تا رفع زحمت کردنم چیزی نمانده

فردا در این بستر، تو بیماری نداری

مثل جنین زانو بغل کردن ندارد

خانه نشین! گیرم طرفداری نداری

با گریه دردت را بگو عیبی ندارد

وقتی که غم داری و غم خواری نداری

وقتی که دفنم می کنی آقا بمیرم

تاریک تر از آن شب تاری نداری

مردم اگر از تو سراغم را گرفتند

از قبر من مولا خبر داری! نداری!

دیگر خداحافظ، حلالم کن علی جان

جان تو جان بچه ها، کاری نداری؟[[49]](#footnote-49)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

به التماس نگاه یتیم های خودت

به دست های کریمانۀ دعای خودت

بیا دوباره دعا کن ولی برای خودت

برای پهلو و بازو و دست و پای خودت

فقط برای نرفتن دعا کنی؛ باشد؟

برای بی کسی من دعا کنی؛ باشد؟

همین که دیدمت از صبح بهتری امروز

به سفره نان خودت را می آوری امروز

دوباره دست به پهلو نمی بری امروز

نگو به فکر جدایی ز حیدری امروز

که گفته پیر شدی یا جوانیت رفته

خدای من نکند مهربانیت رفته

تو بار رفتن بستی، علی حلال کند؟!

تو بین بستر هستی، علی حلال کند؟!

تو بین شعله نشستی، علی حلال کند؟!

تو بین کوچه شکستی، علی حلال کند؟!

تو را به جان حسینت نگو حلالم کن

از این غریب بخر آبرو حلالم کن

کمی مراقب خود باش... فکر جانت باش

به فکر من نه... کمی فکر کودکانت باش

تو باش! با تن زخم و قد کمانت باش

بمان و قدرت زانوی پهلوانت باش

همان که بست در این خانه دست حیدر را

مخواه باز ببیند شکستِ حیدر را

خدا نکرده به تابوت مرگ تن دادی؟

که دست بی کسی ام را به دست من دادی

اگر به دخترکت چند تا کفن دادی

بگو برای حسین از چه پیرهن دادی

چرا که بر بدنش پیرهن نمی ماند

نه پیرهن که برایش بدن نمی ماند[[50]](#footnote-50)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

باید بری؛ نه! محض رضای خدا نگو

دق می كنم بدون تو، این جمله را نگو

زهرا بمان و زندگی ام را به هم نریز

سنگ صبور من! نرو از پیشم ای عزیز

باور نمی كنم كه دلم را تو بشكنی

با رفتنت به زخم غرورم نمك زنی

زهرا شب عروسی مان خاطرت كه هست؟

مهریۀ زلال و روان خاطرت كه هست؟

یادت كه هست قول و قراری كه داشتیم!؟

یك روح واحدیم؛ شعاری كه داشتیم

گریه نكن محدثه، غمگین نكن مرا

با رفتنت غریب تر از این نكن مرا

خاتون من! قلندر خوبی نبوده ام

من را ببخش؛ شوهر خوبی نبوده ام

با دردِ دنده هایِ شكسته جدال كن

تقصیر دستِ بستۀ من شد حلال كن

دل گرمی علی! به نظر زود می روی!؟

نه سال شد فقط، چقدر زود می روی!

بعد از تو فیض های خدایی نمی رسد

فریاد مرتضی كه به جایی نمی رسد

زهرا بمان و چهرۀ غم را عبوس كن

زهرا بمان و زینب مان را عروس كن

غصه به كار دل، گرۀ كور می زند

خیلی دلم برای حسن شور می زند

زهرا نرو، كه بغض بدی در گلوی توست

دامادی حسین و حسن آرزوی توست

حالا كه اعتنا به قسم ها نمی كنی

فكر حسین تشنه لبت را نمی كنی!؟

دیدی كه رنگ از رخ مهتاب می پرد

شب ها حسین تشنه لب از خواب می پرد

در باغ میوه های دلت، سیب نوبر است

این كربلایی از همه شان مادری تر است

حرف از سفر زدی و تبسم حرام شد

پیراهن حسین شنیدم تمام شد

باشد برو -قبول- علی بی پناه شد

باشد قرار بعدی مان قتلگاه شد

باشد برو كه كرببلا گریه می كنیم

با هم كنار طشت طلا گریه می كنیم[[51]](#footnote-51)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای جان من هر چند دیگر نیمه جانی

اما برای رفتنت خیلی جوانی

حالا که من اینجا غریبم بار بستی

حالا نمی شد بیشتر پیشم بمانی

بابای خاکم ـ التماست می کنم که

بی من مشو ای مادر آب ـ آسمانی

کمتر بگو با من امیرالمومنینم

اشهد مگو با این زبان بی زبانی

حالا برای اینکه من چیزی نفهمم

در کوچه خاک چادرت را می تکانی

اندازۀ یک عمر پیرت کرده بانو

سنگینی آن ضربه دست ناگهانی

یک نیمه از روی تو صبح روشن من

نیمی دگر مثل غروبی ارغوانی

رو از علی می گیری اما زیر چادر

پنهان نگردد محرمم قد کمانی[[52]](#footnote-52)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

من می روم دگر ز کنارت پسر عمو

دیدار ما به روز قیامت پسر عمو

من می روم و مونس شب هات می شود

یک چاه و قبر مخفی و غربت پسر عمو

من حاضرم قسم بخورم که ندیده ام

از تو به غیر مهر و محبت پسر عمو

دنیای تو مگر که به آخر رسیده است

برخیز، جان من به فدایت پسر عمو

چشمت کجاست قطرۀ اشکی به من بده

می خواهمش برای شفاعت پسر عمو

گریه مکن فدای سرت هرچه شد، زیاد...

...کاری نبود عمق جراحت پسر عمو

شرمنده ام غلاف عدو دست من برید

بر دوش مانده بارِ خجالت پسر عمو[[53]](#footnote-53)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هفتم، شام غریبان**

آن شب میان هاله ای از ابر و دود رفت

روشن ترین ستاره‌ی صبح وجود رفت

آن شب صدای گریه‌ی باران بلند بود

دریا به روی شانه‌ی زخمی رود رفت

روشن تر از زلالی نور آمد و چه حیف

با چند یادگاری سرخ و کبود رفت

بال و پری برای پرستو نمانده بود

آخر چگونه نیمه‌ی شب پر گشود رفت

آتش زده به جان علی با وصیتش

غمگین ترین چکامه‌ی خود را سرود رفت

رحمی به قبر خاکی او هم نمی کنند

این شد که مخفیانه و بی یادبود رفت

مولا خوشی ندیده ز دنیای بعد او

می گفت بعد فاطمه ام هر چه بود رفت

شب ها کنار تربت او یاس کوچکش

زانو بغل گرفته که مادر چه زود رفت[[54]](#footnote-54)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

گذشته نیمه‏یی از شب، دریغا!

رسیده جان شب بر لب، دریغا!

چراغ خانه‏ی مولاست خاموش

که شمع انجمن آراست خاموش

فغان تا عالم لاهوت می‏رفت

به روی شانه‏ها، تابوت می‏رفت!

علی زین غم چنان مات ست و مبهوت

که دستش را گرفته دست تابوت!

شگفتا از علی با آن دلیری

کند تابوت زهرا دستگیری!

به مژگان ترش یاقوت می‏سفت

سرشک از دیده می‏بارید و می‏گفت

که: ای گل نیستی تابوت بویم

مگر بوی تو از تابوت، بویم!

چنان در ماتمش از خویش می‏رفت

که خون از چشم غیر و خویش می‏رفت

که دیده در دل شب بلبلی را

که زیر گل نهان سازد گلی را؟!

ز بی تابی، گریبان چاک می‏کرد

جهانی را به زیر خاک می‏کرد!

علی با دست خود، خشت لحد چید

بساط ماتم خود تا ابد، چید!

دل خود را به غم، دمساز می‏کرد

کفن از روی زهرا باز می‏کرد!

تو گویی ز آن رخ گردیده نیلی

به رخسار علی می‏خورد سیلی!

از آن دامان خود پر لاله می‏کرد

که چون نی، بند بندش ناله می‏کرد

علی، در خاک زهرا را نهان کرد

نهان در قطره، بحر بیکران کرد!

گل خود را به زیر گل نهان دید

بهار زندگانی را خزان دید

شد از سوز درون شمع مزارش

علی با آب و آتش بود کارش!

چنان از سوز دل بیتاب می‏شد

که شمع هستی او، آب می‏شد!

غم پروانه‏اش بیتاب می‏کرد

علی را قطره قطره، آب می‏کرد!

چو بر خاک مزارش دیده می‏دوخت

سراپا در میان شعله می‏سوخت

علی از هستی خود، دست می‏شست

گل خود را به زیر خاک می‏جست

مگر او گیرد از دست خدا، دست

که دشمن بعد او، دست علی بست![[55]](#footnote-55)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

كار تنش زیاد ولی وقت من كم است

یك شب برای شست و شوی این بدن كم است

بانوی من نحیف نبود، این چنین نبود

وقتی نگاه می كنمش ظاهراً كم است

در زیر پارچه ورمش گم نمی شود

آن قدر واضح است كه یك پیرهن كم است

باید چگونه جمع كنم این بساط را

فرصت كم است و آب كم است و كفن كم است

مسمار را خودم زده بودم به تخته ها

باید بمیرم آه، پشیمان شدن كم است

گیرم حسین دق نكند این چنین ولی

گریه بدون داد برای حسن كم است

آئینه آمدی و ترك خورده می روی

یعنی برای بردن تو چهار زن كم است

پیراهن حسین كه كارش تمام شد

پس جای غُصّه نیست اگر یك كفن كم است

بالت، پرت، تنت، همۀ پیكرت خدا

این زخم ها زیاد ولی وقت من كم است[[56]](#footnote-56)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

می‌دونید رفتن دلبر یعنی چی؟

معنی لحظه آخر یعنی چی؟

باغ بی غنچه چه معنایی داره؟

آشیون بی کبوتر یعنی چی؟

جلوی چشم یه دختر، نیمه‌شب

بردن تابوت مادر یعنی چی؟

بره یار و نشه فریاد بکشی

چه می‌‌فهمیم ما که مضطر یعنی چی؟

پاهاش انگار نای حرکت نداره

بدون فاطمه حیدر یعنی چی؟

اشکای نم نم ساقی می‌دونن

وقتی که بشکنه ساغر یعنی چی

درِ علمه علی و خوب می‌دونه

وقتی آتیش بگیره در یعنی چی؟

اونی که پر زده یار جوونش

می‌دونه غنچه پرپر یعنی چی

کی می‌دونه جای دستای تبر

روی برگای صنوبر یعنی چی؟

اولین باره که سلمان می‌بینه

لرزش زانوی حیدر یعنی چی

بعد از این بی فاطمه، پیش علی

می دونید خوندن کوثر یعنی چی؟[[57]](#footnote-57)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل هشتم، اشعار بعد از شهادت**

رفتی میان غصه مرا جا گذاشتی

ما را در اوج غم تک و تنها گذاشتی

برداشتی تو بار خودت را ز بستر و

آن را به روی شانۀ بابا گذاشتی

یادم نمی رود به خدا لحظه ای که تو

با یا علی به آتش در پا گذاشتی

مادر لباس محسن خود را نبرده ای

آن را به زیر بالش خود جا گذاشتی

این یادگاری ات جگرم را کباب کرد

در بین شانه موی خودت را گذاشتی

گفتم که چار ساله کجا مادری کجا؟!

این کار را برای من اما گذاشتی

آن بوسه ای که سهم گلوی حسین بود

آخر برای زینب کبری گذاشتی[[58]](#footnote-58)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بعد از تو مادر خانه جور دیگری شد

رنگ تمام یاس ها، نیلوفری شد

از شرم پهلویت که زخم میخ برداشت

دیوار خانه تا ابد خاکستری شد

ای وای از آن شب های خاموش مدینه

روز فراقت، روز گریه آوری شد

وقتی که رفتی زیر لب آهسته گفتم :

ای وای، تازه اول بی مادری شد

سی سال بعد از رفتنت با ضرب شمشیر

فرق پدر بشکافت، او هم بستری شد

آن کودکی که زینت دوش نبی بود

در قتلگاه عشق، شاه بی سری شد[[59]](#footnote-59)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رفتی اما صدای تو باقی است

دختر تو به جای تو باقی است

دور تا دور بیت الاحزانت

گریه و های های تو باقی است

رفتی اما كنار این خانه

التماس گدای تو باقی است

بین سجادۀ پر از نورت

ربّنای دعای تو باقی است

روی تابوت چوبی ات بانو

آخرین خنده های تو باقی است

روی خاكستر در خانه

تكه ای از صدای تو باقی است

رفتی اما میان كوچۀ شهر

سرخی ردّ پای تو باقی است

ازلی طینت، آفتاب الست!

تا ابد ماجرای تو باقی است[[60]](#footnote-60)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش سوم، گلچین مجالس مداحان اهل بیت(علیهم السلام)**

**فصل اول، میلاد حضرت زینب(سلام الله علیها)**

ترک01 ـ شعر[[61]](#footnote-61)

کوری چشم دشمن آل پیمبری

نسلش ادامه یافته از فیض دختری

نسلی که بهتر است بگویند شاعران

من بعد از این، قبیله ی سادات مادری

موضوع بُعد روحی این خانواده است

دیگر چه فرق می کند ابعاد پیکری

یک وقت جلوه می کند از باطنی زنی

یک وقت ابوالعجایبی از جنس حیدری

تا گوش جان به عزت این قوم بسپری

باید برای روح الامین ساخت منبری

شبنم کجا و ظرفیت درک آفتاب

دریا کجا و کاسه وارونه حباب

زینب همان کسی است که وقت رسیدنش

از عرش جبرئیل هم آمد به دیدنش

با خلقتش خدا به تمام فرشتگان

همواره فخر می کند از آفریدنش

قنداقه اش بغل به بغل می رود ولی

آغوش کیست منظره آرمیدنش

انگیزه ای به نام حسین آفریده شد

بعداً ورا به ورته دنیا کشیدنش

ماکه دلیل بهتری از این نیافتیم

سخت است از حسین دگر دل بریدنش

آخر دعای حضرت زهرا نتیجه داد

بار دگر خدا به محمد خدیجه داد

اصلا عفاف چیست بجزمعجر شما

پوشیدگی کجاست بجز محضر شما

تا قبل از این کدام زن اینگونه بوده است

جز حضرت خدیجه و جز مادر شما

بانو قسم به جان حسینت بهشتی است

هرکس شود کنیز شما نوکر شما

تفسیر آیه های خدا موج می زند

در برکه های منظره ی باور شما

وقتی بجز اهالی این خاک جبرئیل

هم استفاده می کند از منبر شما

ما فهممان به درک شما قد نمی دهد

توحید هم اجازه در آن حد نمی دهد

خورشید ها مقابلتان مثل شبنمند

اصلاً زیادها همه پیش شما کمند

بانو برای خاک قدم هایتان شدن

 تنها فرشتگان خداوند محرمند

این اسم های آمده از جانب خدا

زینب حسن حسین همان اسم اعظمند

خون حسین صلح حسن صبر زینبی

ارکان استوار قیام محرمند

صد مرده زنده می شود اما به اذن تو

با یا حسین توست که درصور می دمند

عمرم تمام و مدح تو ماندست نا تمام

معنای عشق زینب کبراست والسلام

آنکه مرا برای غلامی خریده است

از مابقی خاک شما آفریده است

بانو نگاه کن چقدر خوب دست حق

عکس تو را به قاب نگاهم کشیده است

از لحظه ولادت تو شیر مادرت

با طعم یا علی به دهانت چکیده است

با گریه تا محله سادات هاشمی

امشب گدای شهر مدینه دویده است

از خانه علی به همه کوچه های شهر

بوی غذای نذری زهرا رسیده است

امشب نگاه من به در خانه شماست

روزی من به دست کریمانه شماست

سخت است پا به عرصه دلبر گذاشتن

سخت است واژه بر خط دفتر گذاشتن

وقتی سری بریده شد امکان پذیرنیست

آن را به روی دامن مادر گذاشتن

جسم تو رفت با سرش اما چه سخت بود

جان را کنار جسم برادر گذاشتن

تصویرهایی است که هرگز نمی شود

گاهی بجاش صحنه دیگر گذاشتن

تصویر دست و پا زدن از خاطرت نرفت

تصویر نیزه و دهن از خاطرت نرفت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ شعر[[62]](#footnote-62)

سرشار از ترانه یک رود جاریم

امروز در نهایت امیدواریم

احساس می کنم که به دریا بدل شدم

 احساس می کنم که بر این خاک جاریم

یک لحظه شادمانم و یک لحظه غرق اشک

لبخند ناگهانی ابر بهاری ام

با دست خالی آمدم محضر شما

رحمی کنید بر من و این نداریم

دست دلم دخیل پر چادر شماست

بانو چه دیدنیست من و بی قراریم

یک عمر دوست دار حسین تو بوده ام

حتماً به این دلیل تو هم دوست داریم

فانی ولی به لطف شما جاودانه ایم

خدمتگزار بانوی این آستانه ایم

از روشنای عرش طلوعی دگر رسید

حوریه ای دوباره به شکل بشر رسید

این بار چندم است که در باغ اهل بیت

طوبای فاطمی علی را ثمر رسید

بانو تو آمدی و به شام سیاه ما

از فیض گام های تو نور سحر رسید

امشب خود خدا به علی هدیه می دهد

تو آمدی و زینت قلب پدر رسید

تو آمدی که دور برادر بگردی و

اینگونه شد مدار فلک را قمر رسید

تو آمدی به خاطر تنهایی حسین

یعنی برای کرببلا همسفر رسید

ما با حسین شور تماشا گرفته ایم

امشب میان زینبیون جا گرفته ایم

خورشید صبحگاهی بامت حسین بود

بعد از دو هفته ماه تمامت حسین بود

هر دفعه که برادرت از راه می رسید

از فرط شور وشوق سلامت حسین بود

یک راستای نور وجود تو زینب است

نوری که در مسیر امامت، حسین بود

ساده ترش شد اینکه نوشتیم زینب و

دیدیم در حقیقت نامت حسین بود

در ذیل خطبه های فصیحت مورخان

آورده اند تکه کلامت حسین بود

در خانه ای که واژه برخاستن علیست

از کودکی تو ذکر قیامت حسین بود

خواهر اگر تویی و برادر اگر حسین

نادیده ام برادر و خواهر در عالمین[[63]](#footnote-63)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شعر[[64]](#footnote-64)

با خبر کرد نسیمی همه دنیا را

متلاطم شده دیدند دل دریا را

گل سرخی که می از قطره شبنم می زد

مست می کرد ز بوی نفسش صحرا را

چه صفایی چه هوایی چه دلی داشت زمین

شور می داد ز حال خوش خود بالارا

چشم هایی به روی چشم دگر واشد و بر

دل مجنون کسی برد دل لیلا را

بین آغوش برادر چقدر آرام است

چقدر ناز ربودست دل بابا را

گوییا بار دگر حضرت پیغمبر دید

عکسی از ماه رخ کودکی زهرا را

زینت خانه مهتاب به دنیا آمد

زینب حضرت ارباب به دنیا آمد

شوق خوب است که با گریه نم نم باشد

با هم آغوشی دل خواسته توام باشد

چشم تنها به روی چشم برادر وا کرد

خواست تا با نگهش عشق مجسم باشد

وجناتش همگی مثل خود زهرا بود

باید او خواهر ارباب دو عالم باشد

مادرش سیده خوب ترین زنهاست

پس عجب نیست که خود بانوی مریم باشد

او زبان با نفس حضرت ارباب گشود

خواست تا با نفسش شور محرم باشد

با برادر همه جا بود به این علت که

نکند سایه اش از روی سرش کم باشد

خنده شوق به لبهای علی آمده است

حضرت ام ابیهای علی آمده است

چهره اش منعکس از طلعت روی زهراست

عشق بازیش از آن حال و هوایش پیداست

حضرت زینب کبری خودش اقیانوس است

گرچه چشمان پر از گوهر نابش دریاست

اگر عباس علمدار صف کرببلاست

 از ازل تا به ابد پرچم زینب برپاست

مادری کرد برای سه امامش زینب

 پس ولایت به پرستاری او پابرجاست

سر او زینت دوش ابی عبدالله است

جنت آنجاست برایش که برادر آنجاست

بهترین خوب ترین خواهر عالم آمد

حضرت فاطمه دیگر عالم آمد

تا حسین است کنارش چه صفایی دارد

حال او پیش برادر چه هوایی دارد

دو پسر داشت که قربانی عاشورا کرد

حضرت زینب کبری چه وفایی دارد

اکبر و قاسم و عباس علی دور و برش

دختر عشق عجب کرببلایی دارد

وقت هر نافله اش فیض گرفتند همه

مثل زهرا دل شب سوز دعایی دارد

خواب می دید که دشتی است و تنها مانده

خوب فهمید که این خاک جدایی دارد

همه حاصل او کرببلا رفت زدست

ذبحی و سعی و صفایی و منایی دارد

وای از داغ برادر کفنش را بردند

پیش چشم همگان پیرهنش را بردند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ سرود[[65]](#footnote-65)

مستی اگه آدم و حیرون نکنه که دیگه مستی نمی شه

هرچقد از جاه و جلال تو بگیم اونکه تو هستی نمی شه

وصف تو مث مادرت خود سوره کوثره امشب

اهل بیت توی برگ گل خلاصه شده و شده زینب

نگاه تو بسته برا دردایی که بی درمونه

یه خونه داری برای دلهایی که سرگردونه

به قدمت سر می ذاره هر کی مرد این میدونه

آسمونا زیر قدم توئه چشمای همه مون حرم توئه زینب زینب

یار حسین همه کس و کار حسین گرمی بازار حسین

ملجأ من توی هواداری تو شده علمدار حسین

وامیشه گره های ما با نخ پر چادر زینب

اون کسی میگه یا حسین که بهشتشو میخره زینب

مگه می شه بی تو بودن بی تو آتیش دل سرده

مگه کسی از در تو دست خالی برمی گرده

مگه نمی دونی دلُ عطر سیب تو پر کرده

هیبت حرم خونه علی غیرت علم ابوفاضلی زینب زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ سرود[[66]](#footnote-66)

همه دنیا عاشقن عاشق عشق بی هدف

ولی ما هم پیاله ها همگی مست و عاشقیم عاشق ایوون نجف

برا علی مادر و دختر زینبه برا حسن خواهر و مادر زینبه

برا حسین فاتح خیبر زینبه

زینت دنیا زینبه و زینت حیدر زینبه

شاپرکای دلامون روی گلای رازقی

می خونند از اومدن خدای عشق و عاشقی

به گوش نوزاد می خونند حی علی خیرالعمل

تا چشاشو وا می کنه آروم آروم از آسمون گل می ریزه بغل بغل

خونه زهرا تا سحر مهمونیه لبا غزل خون و چشا بارونیه

عشق اگه باشه نشونش حیرونیه

نگاه لیلای همه به روی حسین مجنونیه

دختر مرتضی علی وقتی تبسم می کنه

فرشته رو خاک زمین آسمونُ گم می کنه

زمین و آسمون شدند پر سلام و صلوات

تو آغوش برادرش می گه داداش اشاره کن بخدا می میرم برات

شبیه زهرا می شه قد وقامتش به علی رفته چشای پر هیبتش

حسنیه کاسه صبر و طاعتش

خون علی تو رگشه و مثل حسینه غیرتش

زینبی شو اگه می خوای دنیا رو زیبا ببینی

 این روزای کویریُ شبیه دریا ببینی

حالا می فهمم که چرا دلا توی تاب وتبه

حالا می دونم تا ابد سند نام عاشقا همه به نام زینبه

حالا می فهمم که چرا لایق شدم حالا می فهمی واسه چی عاشق شدم

میون دریای جنون قایق شدم

گدای این خونه شدم و از همه جا فارق شدم

بیاتا امشب جلوی میکده زانو بزنیم

بیا تا شش دنگ دلُ به نام بانو بزنیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06ـ شور[[67]](#footnote-67)

شب شب امید عالمینه شب میلاد زینبه

بهترین شب عمرِ حسینه شب میلاد زینبه

شیرینی زندگی علی و زهرا این دختره

با بوی سیب نفساش دلارو کربلا می بره

آغوش حسین همیشه جاشه می گه با خنده ای که رو لباشه

 تا منو داری غمت نباشه

دل میره زیارت مدینه شب میلاد زینبه

این ترانه رو لبا می شینه شب میلاد زینبه

اهالی آسمونا همگی مهمون خورشیدند

تو کوچه های مدینه حسن و حسین نذری میدند

میگه حسن ای بلات به جونم کنار گهواره دعا می خونم

 برا خواهر یکی یه دونم

دل برات کربلا می گیره شب میلاد زینبه

حاجتاشو از خدا می گیره شب میلاد زینبه

با نور خورشید نگاش ماه و ستاره ها روشنند

همه تو خونه زینب و عشق حسین صدا می زنند

همه عاشقا می گن خدایا نمیآد هیچ کسی دیگه توی دنیا

 زینبی تر از حسین به مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ شور[[68]](#footnote-68)

دلبر سلطان کربلا منو ببر منو ببر منو ببر ایوان کربلا

من گدای هرشبیم شکر لله زینبیم

تو امید دل نا امیدی از دل آسمونها رسیدی

در دو عالم آبروی نوکرای حسینُ خریدی

در مسیر رفتن تو دست ما و دامن تو

خواهری نیست به خوبیت تو دنیا با تو شیرین شده کام زهرا

به چه عشقی داره امشب عیدی می گیرم از دست مولا

عاشق و شیداتر از تو نیست بانویی که هیچ کسی آقاتر از تو نیست

عاشقی از سر می گیرم با نگاهت پر می گیرم

باز مدینه داره می شه احساس کوچه کوچه شمیم گل یاس

عشق مولا زینب اومد وای چقد خالیه جای عباس

جان علی جان فاطمه بذاز بیام زیارتت با شاه علقمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم، شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها)**

**مجلس اول، مناجات با امام زمان(عجّل الله تعالی فرجه)**

ترک 01**[[69]](#footnote-69)**

روزا بی تو شبیه شام تاره دلم آروم نداره بی قراره

 یکی کاشکی ازت خبر بیاره

کجایی همه ی دار وندارم بهار اومد بهارم

 توی سینم یه قلب خسته از زمونه دارم

دلم برات می خونه تو کجایی تو کجایی

چشام کاسه ی خونه تو کجایی تو کجایی

با خندت همه آسمون میخنده گل بارون می خنده

تو که شادی گلای باغچه خونمون می خنده

با گریه ت کار دنیا اشک و آهه برام خنده گناهه

غم نبینی اگه کریه کنی روزم سیاهه

دلم برات می خونه تو کجایی تو کجایی

چشام کاسه ی خونه تو کجایی تو کجایی

گمون کنم بدونم که کجایی تو مجلس عزایی

یا مدینه هلاک گریه های بی صدایی

تو دستات پر زخمی کبوتر، تو چشمات غم حیدر

با عمامت داری می گیری خون از لب مادر

مادر برات می خونه تو کجایی تو کجایی

 چشام کاسه ی خونه تو کجایی تو کجایی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02[[70]](#footnote-70)

پس مزن یار مسیحا دل بیمار مرا

آنقدر گریه کنم تا بخری بار مرا

قدر یک عمر فقط گریه بدهکارم من

کرمی کن بپذیر عمر بدهکار مرا

پهن کردم سر راه تو بساطی امشب

تا که رونق دهد احسان تو بازار مرا

پرده پوشی تو پایم به حرم وا کرده

به کناری نزدی پرده اسرار مرا

گردنی کج سر پایین به پناه آمده ام

شود آیا سر و سامان بدهی کار مرا

آخر کار شده شوق شهادت دارم

پس به تاخیر مینداز تو دیدار مرا

ناز دلدار کشیدن تن بی سر خواهد

بین جبهه بنگر شاهد گفتار مرا

حال مهمان شده ای وقت پذیرایی ماست

بشنو این روضه بین در و دیوار مرا

مادرت پشت در افتاد و صدا زد پسرم

با تن سوخته جان داد و صدا زد پسرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03[[71]](#footnote-71)

دلبرم السلام یا مهدی ای به جان التیام یا مهدی

ما و عمری به زیر سایه تو سایه ات مستدام یا مهدی

ما فقیر و اسیر اما تو یطعمون الطعام یا مهدی

ای کلام تو دلنشین تو بگو با دلم یک کلام یا مهدی

من که بی معرفت شدم چه کنم با من ای با مرام یا مهدی

دل که تسلیم طاعتت نشود مرده است ای امام یا مهدی

کی شود باده اطاعت را تو بریزی به جام یا مهدی

ای خوشا آن زمان که می آیی شود عالم به کام یا مهدی

ای خوشا آن زمان که می خوانی آیه ی انتقام یا مهدی

ای خوشا دولت کریمه تو ای امام همام یا مهدی

کاش آن روز در رکاب شما شود عمرم تمام یا مهدی

یا لثارات چون که می گویی می شود ازدحام یا مهدی

کربلا منتظر ز مقدم تو همچو بیت الحرام یا مهدی

مادر تو هنوز این ناله با تو دارد مدام یا مهدی

شکوه دارم هنوز از درد بازویم صبح و شام یا مهدی

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

ترک 04[[72]](#footnote-72)

بگو برای رضای شما چه باید کرد

برای آمدنت جز دعا چه باید کرد

چه سخت می گذرد روزها بدون شما

بگو برای ظهور شما چه باید کرد

شکست عهد من و قلب پاک تو باهم

مرا بخوانی اگر بی وفا چه باید کرد

دلم ز کثرت غفلت ز یاد تو مرده

چه شد که مانده ام از تو جدا چه باید کرد

تو را به ناله زهرا تو را به اشک علی

برای یاری حق شما چه باید کرد

ز سینه ای که شکسته چه مرهمی داری

برای آنکه بگیرد شفا چه باید کرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05[[73]](#footnote-73)

شاید آقا بیاید این هفته پرده از رخ گشاید این هفته

عمر من طی شده به این امید شاید این هفته شاید این هفته

جمعه ها می روند از پی هم غصه هم سر نیامد آقا هم

ای نگار دلم نمی آیی غم گسار دلم نمی آیی

در دل شعله ها دلم سوزد به کنار دلم نمی آیی

نفسم بند آمده از غم غصه ام سر نیامد آقا هم

پیر هجرت شدم بیا پیرم روی ماهت ندیده می میرم

تا زمان رسیدنت هرسال روضه فاطمیه می گیرم

صاحب العصر والزمان عجّل فاطمیه شده عزیز دل

سوی من یک نگاه یک دفعه تا شوم رو به راه یک دفعه

گر به ما سر زدن خطا باشد تو و یک اشتباه یک دفعه

قدمی رنجه کن گل نرگس بهر زهرا گرفته ام مجلس

ای سراپات مثل پیغمبر نقش امضات مثل پیغمبر

فاطمه در میان آتش و گرم رویات مثل پیغمبر

ای تمام نیایش زهرا زود برگرد خواهش زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجلس دوم، روضه در و دیوار

ترک 01ـ روضه[[74]](#footnote-74)

سرنوشت آن گل پرپر نمی دانم چه شد

شرح این خون گریه را آخر نمی دانم چه شد

احترامش را پدر خیلی سفارش کرده بود

آن سفارشهای پیغمبر نمی دانم چه شد

روزگاری مرغ عشقی این حوالی خانه داشت

آشیانش سوخت بال و پر نمی دانم چه شد

چند نامرد آمدند و هیزمی آماده شد

در که کلاً سوخت میخ در نمی دانم چه شد

بعد از آن سیلی که چون طوفان به رخسارش وزید

حالت گلبرگ نیلوفر نمی دانم چه شد

موی مادر را که می دانم شده از غم سپید

گیسوی بی شانه دختر نمی دانم چه شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ روضه[[75]](#footnote-75)

امان بده به نفسهای مضطرش آتش

امان بده که نمیرم برابرش آتش

امان بده که امانش نداد نامحرم

که مانده نام پدر بین حنجرش آتش

برای شهر، غریبی مرد کافی نیست

که خانه ام شده حالا سراسرش آتش

میان حال علی و هجوم نامحرم

تو لااقل کمکی کن به همسرش آتش

مگیر شعله و دامن مزن به ناله او

میا به خانه مان جان دخترش آتش

مگیر شعله حسینم عجیب مادری است

میا که خیره شده سمت مادرش آتش

شنیده اند که پشت در است خانومم

رسیده اند بدوزند بر درش آتش

رسیده اند که پشت مرا زمین بزنند

خدا کند که نبینم پرپرش آتش

تو شعله می کشی و سرخ می شود کم کم

و میخ می زند از شرم بر سرش آتش

همین که صدای نحسش بلند شد، گفت: علی میای برای بیعت یا خونه رو با اهلش آتش بزنم؟ صدای بی بی بلند شد: «ما لنا و لک؟» یعنی ما را با تو چه کار؟ یعنی تو اصلا برا چی اینجا آمدی؟ تو باید بری با هم زبونای خودت بشینی، می دونی کی اینجا می آمد؟ جبرئیل می آمد اذن می گرفت... گفت: «افتح الباب» قسم خورد والله اگه در رو باز نکنی، در رو آتیش می زنم، خود نانجیبش برای افتخار، برای معاویه ملعون نوشته نامرد؛« گفت اومدم پشت در ایستادم، وقتی در آتش گرفت صدا نفس کشیدنش رو می شنیدم اما چنان لگد به در زدم صدا شکسته شدن استخوانهاش رو شنیدم؛ نانجیب گفت با لگد به در زدم، صدای نالش رو شنیدم، خواست دلم یه مقدار به رحم بیاد اما به یاد کینه با علی افتادم تازیانه در دست گرفتم، انقدر بر سر و صورت فاطمه زدم پشت در رو زمین افتاد ...» [[76]](#footnote-76)

یه گل یاسُ کی توی دنیا زیر پا دیده

این جا یک شاخه گل نیلوفر توی آتیشه باد پاییزی خشکیده

روی دیوار و در گلخونه چند تا گلبرگ زخمی و پرپر پاشیده

یه غنچه بی جون شده غرق خون ببار ای بارون

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ روضه[[77]](#footnote-77)

بی نام تو زهرا گره ای وا شدنی نیست

هرگز نفسی بی تو مسیحا شدنی نیست

بوسه به گل دست تو معراج رسول است

فرزند کسی ام ابیها شدنی نیست

اصلا چه نیازی به پسر داشت پیمبر

نسل نبوی جز به تو احیا شدنی نیست

رنگ پاییز به دیوار بهاری افتاد

به در خانه خورشید شراری افتاد

فاطمه ظرفیت کل ولایت را داشت

با زمین خوردن او ایل و تباری افتاد

آنقدر ضربه پا خورد به در تا که شکست

آنقدرشاخه تکان خورد که باری افتاد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ روضه[[78]](#footnote-78)

حامی من خجلم از تو که در یاری من

تازیانه به تنت خورد تماشا کردم من

دلم بهر علی می سوخت چون قنفذ مرا می زد

نگاه غربت او بیشتر می داد آزارم

مادرُ زدند اون هم وقت حمایت از امام زمانش، مادرُ زدند بتونند دخترُ بزنند؛ مگه زدند زینب رو؟! ارباب مقاتل می نویسند یه نازدانه ای گوشه گودال صدای نالش بلند شد:« ابتاه انظر الی عمتی المضروبه» پاشو ببین تاریخ تکرار شد، پاشو ببین دارند عمه ما رو میزنند...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ روضه[[79]](#footnote-79)

آنانکه بر حریم الهی شرر زدند

داغی دوباره فاطمه را بر جگر زدند

در اول بهار خزان شده گلم

ماه مرا به آخر ماه صفر زدند

دیدند دست فاطمه چون بر سوی من است

از بغض و کینه فاطمه را بیشتر زدند

زهرا نبود آنکه بیافتد به روی خاک

سیلی به صورت زن من بی خبر زدند

مردی که هیچ ضربه به پشت کسی نزد

زهراش را جماعتی از پشت سر زدند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06ـ روضه[[80]](#footnote-80)

ای ز تو پیغامبران را شرف

لؤلؤ و مرجان خدا را صدف

راضیه و مرضیه و عالمه

سیده النساء یا فاطمه

دختر دین مادر دین کیست تو

نور سماوات و زمین کیست تو

وصف تو و مدح تو خیرالکلام

مادر سادات علیک السلام

در یم غمهای علی نور کیست

بین دو پهلوی نبی نور کیست

جنت موعود پیمبر تویی

آرزوی احمد و حیدر تویی

جان نبی در بدنی فاطمه

محور هر پنج تنی فاطمه

کعبه دهد تکیه به دیوار تو

چشم علی تشنه دیدار تو

ای همه دم ذکر خدا بر لبت

روح علی محو نماز شبت

ای کرمت شامل حال همه

مادر سادات بنی فاطمه

وصف تو اینگونه به ما رسیده

 ایتها الصدیقه الشهیده

یاس کبود از اثر خارها

حیف که کشتند تو را بارها

اجر رسالت شرر نار شد

یار تو تنها در و دیوار شد

دیو کجا خانه زهرا کجا

 شعله کجا صورت زهرا کجا

رسید پشت در، نانجیب می گه تا صدای زهرا رو شنیدم بدنم لرزید، دو سه قدم عقب رفتم، به خودم گفتم فاطمه است کاری با اون ندارم، پیغمبر این همه سفارش کرده، می گه تا اومدم برگردم یک دفعه یاد علی افتادم، گفتم علی تو این خونه ست، گفت برگشتم دیدم زهرا پشت دره، دیدم در آتیش گرفته، میگه چنان لگدی زدم...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ روضه[[81]](#footnote-81)

بت پرستان شعله بر باب الله اکبر زدند

هیزم آوردند و بیت وحی را آذر زدند

آن دری کز بوسه جبریل می انداخت گل

با لگد بر پهلوی صدیقه اطهر زدند

قل هو الله با لگد گردید از قرآن جدا

تا که کوثر را به پیش ساقی کوثر زدند

شاهدم نصّ «فقد آذانی» از قول نبی

آن جنایت پیشگان سیلی به پیغمبر زدند

هرچه دامان امام خویش را محکم گرفت

کافران بر روی دستش ضربه محکم تر زدند

فاطمه دنبال حیدر کودکان دنبال او

گه به صورت گاه بر سینه گهی بر سر زدند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ ضرب تک[[82]](#footnote-82)

همه توان حیدر آرام جان حیدر یار جوان حیدر

زهرا بانوی پهلو شکسته زهرا دل غمین و زار وخسته

زهرا خانه گشته قتلگاهت زهرا رنگ خون گرفته آهت

پشت و پناه حیدر شدی سپاه حیدر کشته به راه حیدر

زهرا دیدمت نقش زمینی زهرا یاس خاکستر نشینی

میون در و دیوار سینه تو شد آزار زداغی آن مسمار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09ـ ضرب تک[[83]](#footnote-83)

یه شبی با غم بابا بوی غم میون خونه

مادرم کنارمن بود موی من میون شونه

گل بی نشونمونُ آتیش زدن چرا در خونمونُ آتیش زدن

چرا آشیونمونُ آتیش زدن

علی رو می کشن تو کوچه ها می سوزه خونمون ای وای خدا

کسی نمی رسه به داد ما واویلا

می سوزه بال و پر من می زنم ناله و فریاد

جلوی چشای بابا مادرم رو خاکا افتاد

مادرمونُ می بینم که پشت در خودشُ می کنه برا بابام سپر

یه نفرُ نمی زنند چهل نفر

رو در خونمون یه رد پا ناله مادرم چه بی صدا

کسی نمی رسه به داد ما واویلا

دلامون داره می سوزه غم دل چه بی حسابه

دور دستای بابامون خداجون چرا طنابه

تا که علی رو نبرن نامردما می کشونه خودشو زیر دست و پا

می چکه خون مادرم تو کوچه ها واویلا

رو لب مادرم یا مرتضی رو لب مرتضی زهرا نیا

کسی نمی رسه به داد ما واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10ـ ضرب تک[[84]](#footnote-84)

شعله ور شد در بهشت پشت در مادر بهشت خدا خدا

چادرش بوی خون میده انگاری داره جون میده خدا خدا

واویلا مدینه روضه داره واویلا خونه پر از غباره

واویلا یکی کمک بیاره

داره می بینه زینب که دور و برش شعله وره

حسن شهید کوچه ست حسین کشته میخ دره

واویلا امون از این غریبی

پشت در می زنه صدا محسنم دیگه شد فدا علی علی

میگه با ناله مادرم از اینا من نمی گذرم علی علی

واویلا از نفس آخر افتاد واویلا شعله به معجر افتاد

 واویلا در روی مادر افتاد

کیه داره با تکبیر علی رو به مسجد می بره

حسن شهید کوچه ست حسین کشته میخ دره

واویلا امون از این غریبی

قصه داغ کربلا شعله ودود خیمه ها حسین حسین

از همین جا شروع می شه خونتون توی آتیشه حسین حسین

واویلا مادرمون جوونه واویلا غلاف و تازیونه

واویلا تنشُ می سوزونه

صدا می زنه مهدی بیا مادرت منتظره

حسن شهید کوچه ست حسین کشته میخ دره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11ـ ضرب تک[[85]](#footnote-85)

بگو کی سوزونده درُ با اون آتیش مشعل

داره میگه روضه شیخ قمّی از روی مقتل

ناحله الجسم یعنی نحیف و دلشکسته می ری

جوونی اما مادر پیری دستتُ به پهلو می گیری

باکیه العین یعنی نرگس مست تو می باره

چشای مادر ما تاره دیگه علی شده بی چاره

مادر مادر مادر مادر

خود خدا هرشب فاطمیه آره گریونه

امام زمان هم توی مجلس روضه می خونه

منهده الرکن یعنی توون برات نمونده بانو

کی قلبتُ سوزونده بانو کی دستتُ شکسته بانو

موصبه الراس یعنی بستی سری رو که پر درده

رنگ رخت مادر جان زرده تو کوچه کی جسارت کرده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12ـ ضرب تک[[86]](#footnote-86)

چاووش غم داره می خونه وا اماه فاطمیه دلا پر خونه وا اماه

داغی که ما رو می سوزونه وا اماه

داغ یک جوونه

فاطمیه واسه هدایته روز و شباش پر حکایته

روضه غربت ولایته

چه محشری برپا شد محرم زهرا شد

وقتی که فتنه به راه افتاد فاطمه تو آتیشا افتاد

رو چادرش رد پا افتاد

 وای از این زمونه

دستای شیر خدا بسته شد بازوی فاطمه که خسته شد

 مثل در خونه شکسته شد

اینا چقد دل سنگند که با یه زن می جنگند

کوچه حالا که پر از غوغاست ازخون سینه مث دریاست

پشت و پناه علی زهراست

 اما قد کمونه

دست مغیره تا بلند می شد ناله مجتبی بلند می شد

 باز فاطمه رو پا بلند می شد

چه ضربه هایی می خورد علی رو آخر آورد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13ـ ضرب تک[[87]](#footnote-87)

شده تموم مدینه غوغا

تو این هیاهو گم می شه صدای زهرا

 آتیش داره گر می گیره پرش به چادر می گیره

خدا جلو چشمم مادر داره می میره

ای خدا دل آسمون داره می سوزه گل نیمه جون داره می سوزه

در خونمون داره می سوزه

یه میدون جنگ میون خونه ست

 تو کوچه هر کس تودستش یه تازیونه ست

با یک لگد در افتادش به روی مادر افتادش

خدا خودت جای بابا برس به دادش

ای خدا دل کوچه ها داره می سوزه حرم خدا داره می سوزه

 جلو چشم ما داره می سوزه

از در و دیوار آتیش می باره

بعیده بین این آتیش دووم بیاره

چشای مادر گریونه بال و پرش غرق خونه

خدا کنه تا جون داره بیاد به خونه

ای خدا چشای ترم داره می سوزه گل پرپرم داره می سوزه

پر مادرم داره میسوزه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ واحد سبک تند[[88]](#footnote-88)

خورشید آسمون علی ای عشق نیمه جون علی

 ای یار قد کمون علی

ای همه بود ونبودم ای تمامی وجودم

می رسد از قامت تو بوی پاییز ای گل یاس کبودم

ای امیدم مو سپیدم رو گرفتی قد خمیدم

تا دیدم گریه های تو رو فهمیدم کربلای تو رو

 کوچه و ماجرای تو رو

سپر بلاهای حیدر جونتو دادی پای حیدر

توی آتیش پشت این در توی کوچه می زدی صدا یاحیدر

می میرم تا تو پر نزنی تو می خوای که شرر نزنی

حرفی از پشت در نزنی

خیری از دنیا ندیدی طعم نا مردی چشیدی

کشته من رو داغ این غم توی این سن مادر تازه شهیدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15ـ واحدسبک[[89]](#footnote-89)

مادر بین دیوار و در آتش شعله ی سرکش

مسمار سینه تب دار سیلی صورت نیلی

بانو بشکسته پهلو خاکی مظهر پاکی

لاله بر رویش هاله گریان در بیت الاحزان

ناله گل هجده ساله پرپر شد یاس حیدر

حیدر در غم همسر خسته با دست بسته

زینب روزش شدچون شب در تب ناله ها برلب

بی زار از درب و دیوار نالان قبرش شد پنهان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 16ـ واحد سبک[[90]](#footnote-90)

خدایا واسه چیه این همه هیزم اومدن برا تماشا چرا مردم

خونه ای که طرفش هجوم آوردن به خدا که خونه نیست خود بهشته

خدایا در بهشت آتیش گرفته پشت در می سوزه بالهای فرشته

پر خاکی معجر خاکی مادر احساس

حال خسته دست شکسته سهم گل یاس

مادرم وای

اگه اومدی چرا با تازیونه چرا تازیونه اینقدر بی بهونه

گل یاس که غرق عاطفه ست وجودش طاقت اینهمه آزارُ نداره

بخدا شکستنش این همه سخت نیست گل که تاب در و دیوارُ نداره

ماه نیلی چه کرده سیلی با روی مادر

چی می بینه نقش زمینه یه یاس پرپر

مادرم وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 17ـ شور[[91]](#footnote-91)

میخ در که با خون آغشته شد فهمیدم دیگه محسن کشته شد

سوخته چادرت بین شعله ها دست و پا نزن زیر دست و پا

دیدم مادرُ تو آتیش و دود گفتم تو دلم این رسمش نبود

ای وای مادرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک18ـ شور[[92]](#footnote-92)

وای مادر مادر وای مادر

باغ بهشت و هیزم و آتش و خانه ای پر دود

زخم مادر و سینه و پهلو وصورت کبود

دل خون محنت زهرایم مجنون هیأت زهرایم

 اگر که حیدری هستم من مدیون محبت زهرایم

وای مادر مادر وای مادر

سیلی باد و دیوار و یک یاس و داغ ستاره

 خاک کوچه و چادر و فدک و یک گوش پاره

در کوچه در غروب غربت می بستند بازوان غیرت

 افتاده روی خاک کوچه بانوی بی نشان عصمت

وای مادر مادر وای مادر

چشم کم سو و بازو و مسمار و بانوی مهتاب

 مشتی نامرد و ریسمان و یک مرد و مادر ارباب

مادر از این زمونه سیره از زخم و کینه ها دلگیره

 طعنه ها میزند همسایه عاقبت مادرت می میره

وای مادر مادر وای مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجلس سوم، روضه **کوچه** بنی هاشم

ترک 01ـ روضه[[93]](#footnote-93)

کوچه ای باریک آسمون تاریک فاجعه نزدیک

 طفلی خوشحاله داره می باله مادرش آخر حق باباشو پس گرفته

تو راه خونه شاد و خندونه می ره و دست مادرش رو تو دست گرفته

خدا همراشه بلا دور باشه امون ای دل وای

آسمون تیره کودکی خیره داره می میره

می بینه انگارخونیه دیوارچی شد اصلاً که میون کوچه مادر افتاد

این بلا چی بود این صدا چی بود کی بود اینجور زد که یه هو مادر با سر افتاد

عجب دنیایی چه آدمهایی امون ای دل وای

چه شده بعد سفر ماه محرم شده بود

کوچه بن بست نفس تنگ هوا سم شده بود

گرگ و میش است فضا کوچه پر از گرگ شده

روز با شب بنویسید که توأم شده بود

مادری با پسر خویش نمی شد تسلیم

پشت یک پرده علی باز مجسم شده بود

خاطری در وسط کوچه مشوش می شد

پنجه ای بین هوا بودو مصمم شده بود

پنجه ای بین هوا بود که یک سیلی شد

فرصتی بود که این گونه فراهم شده بود

مادر هر که زمین خورده فقط می داند

 که چرا قوت زانوی حسن کم شده بود

من از آن گیسوی خاکی شده اش دانستم

چقدر زود یتیمیش مسلم شده بود

وا نشد پلک گره خورده یک چشم کبود

سیلی سرزده ای وای چه محکم شده بود

تا چهل روز نشد سیر علی را بیند

تا چهل روز علی بود که مبهم شده بود

شیشه ای با تن دیوار ترک هایی خورد

ریشه خونی یک مقنعه در هم شده بود

سالها بود سوال همه مردم شهر

پسر ارشد این خانه چرا خم شده بود

نانجیب دید بین در و دیوار هرکاری کرده هنوز به هدف نرسیده، تو کوچه هم تا مسجد هر چی زده این فاطمه روی پاست، گفت باید یه کاری کنم که دیگه تا آخر عمر تو بستر بیافته، آقا امام صادق فرمود: گویی می بینم یه طوری سیلی تو صورت مادرم زد گوشواره ها درجا شکست؛ خدا برا هیچ کس نیاره مادرش جلو چشمش زمین بخوره ـ اگه خدایی نکرده به طور طبیعی پای مادری یه جا گیر کنه زمین بیافته، بچه همراهش باشه اول کاری که می کنه خودشو حائل می کنه، نکنه چادر از سر مادر بیافته ـ همین که دست نحسشو بلند کرد، امام حسن رو پنجه بلند شد، هر کاری کرد نتونست جلوشو بگیره ...[[94]](#footnote-94)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ روضه[[95]](#footnote-95)

مثل هر روز مادرم برخاست تا نماز و نوافلش را خواند

نگهی سوی همسرش انداخت بانگاهی غم دلش را خواند

پدرم مرد لحظه های خطر پدرم مرد روزهای نبرد

ولی این روزها شکسته شده وای اگر بشکند غرور مرد

فاطمه یک تنه سپاه علیست تا نگوید کسی علی تنهاست

حیدری بود و کار زهراییش مادر امروز جلوه باباست

زخم ها را خرید با جانش چون برای علیست می ارزد

و ستون های مسجد شهر از ترس نفرین هنوز می لرزد

همه پیکرش سیاه شد و درعوض شد سفید گیسویش

پهلو و بازو و چه می گویم نه فقط مانده روی و ابرویش

از سر صبح صورت او را خیره خیره نگاه می کردم

چشمم از اشک تار و چشمش را تیره تیره نگاه می کردم

بهر احقاق حق خود امروز در سر خود خیال دیگر داشت

زیر لب ذکر یا علی می گفت چادرش را که از زمین برداشت

چادرش را سرش که کرد انگار آسمان در حصار ماه افتاد

گفت برخیز ای حسن برویم دست من را گرفت راه افتاد

دست من را گرفت با یک دست دست دیگر زکار افتاده

تا که هر دفعه می برد بالا باز بی اختیار افتاده

بر سرش ابر سایه می انداخت از رهش باد خار پس می زد

راه کوتاه و ما هم آهسته مادراما نفس نفس می زد

تا رسیدیم حق خود را خواست با روایات و تکیه بر آیات

شیر زن مثل همسر شیرش زیر بار ستم رود؟! هیهات

حق خود را گرفت آخرسر دلم اما نمی گرفت آرام

سوی خانه روان شدیم اما رمقی که نبود در پاهام

شورو آشوب و دلهره یکریز درتب کوچه هرقدم می ریخت

هرقدم سمت خانه می رفتیم قلب من می زد و دلم می ریخت

در سکوتی غریب و شوم از دور ناگهان یک صدای پا آمد

گردبادی از سر کوچه بی مهابا به سمت آمد

آمد و آمد و رسید به ما او که از هرکسی است بی دین تر

سایه او چه سرد و سنگین بود دستش اما زسایه سنگین تر

ناجوانمرد حق یک زن را وسط راه کوچه می خواهی؟!

خانه را که کشیده ای آتش دیگر از جان ما چی می خواهی

دست او مثل باد بالا رفت مثل یک صاعقه فرود آمد

در حوالی چشم و گونه ما ابر بارانی و کبود آمد

من شدم گوشه ای زمین گیر و مادرم یک کنار افتاده

حرکتی در تنش نمی بینم حالت احتضار افتاده

گل دیوارهم ترک برداشت عرض کوچه چقدر واشده بود

گویی از ضربه ای که مادر خورد جای دیوار جابجاشده بود

کمکی نیست بین آن کوچه چقدر او کمک به مردم کرد

دو قدم مانده بودتا خانه دو قدم راه مانده را گم کرد

درد بازوش رفت از یادش دست خود را گرفت بر دیوار

جلوی پای خود نمی دیدیم چشم من اشک چشم مادر تار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ روضه[[96]](#footnote-96)

در سما تا که مادر خورشید می نهد سر به شانه دریا

روی آبی و سبز این صفحه می نویسد به خط زر زهرا

گل محراب و میوه معراج ماه تابان لیله الاسرا

می سراید مرام و نامت را جوشش خون سیدالشهدا

بانوی با شکوه رستاخیز مادر کربلا و عاشورا

آنکه حق تو را به غارت برد چه جوابی دهد به روز جزا

چه کند با کریمه تطهیر با کرامات «آت ذی القربی»

چه کند با صراحت ثقلین چه کند با وصیت طاها

که طلب کرد شاهد از جابر چوطلب کرد حق خود زآنها

چه گناهی بزرگتر از این که شهود از تو خواستند اعدا

چه گناهی بزرگتر از این که ببندد افترا به شما

یکی از شاهدان تو حیدر دو دگر ام ایمن و اسما

نص قرآن گواه دیگر توست پای حکم تو می زند امضا

که دهد ارث بر پسر داوود که برد ارث از پدر یحیی

شده آن روز دست دشمن رو شده آنگاه مشت دشمن وا

که نمودی به منطق قرآن چهره شوم خصم را افشا

احتجاجت به خطبه های فدک خصم را کرده تا ابد رسوا

سیلی خطبه تو کوبنده تیغ نطق تو ذوالفقار آسا

ای که با خط و خون و خطبه خود گفتی ای خلق بی خبر ز خدا

 بی علی مصحف نبی پرپر اوست شیرازه کتاب هدی

هست در لوح قادر ازلی دین بی مرتضی علی ابدا

نیست غیر از علی مرا سرور نیست غیر از علی مرا مولا

بزنیدم به جرم عشق علی بکشیدم بخاطر مولا

نقطه تحت باء بسمله اوست بی علی کس نگفته بسم الله

 کاش زهرا هزار محسن داشت تا فدای علی کند همه را

بازویم را شکسته ای چه غم تازه رونق گرفته دست دعا

خوبه اگه یه خانم جوانی از خونه بیرون بره یه بچه شش هفت ساله باهاش باشه ـ حسن رو با خودش برد ـ در مقابل احتجاجات فاطمه، در مقابل منطق کوبنده اش، سر تسلیم فرود آوردند، دوباره قباله فدک را امضا کردند بنام فاطمه، قباله رو گرفته داره میاد ـ کوچه های مدینه خیلی تنگ بود ـ حسن داره میاد با فاطمه، هی میگه جانم مادر، چه کردی یه تنه منطقت لالشون کرد، اما یه دفعه دیدند یکی راه رو بسته، فاطمه کجا بودی؟ رفته بودم قباله فدکم رو بگیرم، قباله رو بده، نمی دم، چنگ زد قباله رو گرفت، آب دهان انداخت به روش، پاره پاره اش کرد، بی بی فرمود خدا شکمت رو پاره کنه، یه نیگاه انتهای کوچه، یه نگاه ابتدای کوچه، دید از علی خبری نیست، غریب گیر آورد، تنها گیر آورد، علی الظاهر بی پناه گیر آورد... زن محجبه، زن با حیا وقتی با نامحرم حرف می زنه روش یه طرف دیگه است، صورت رو می پوشونه ـ بی هوا زد،بدجور زد ـ یه جوری زد با صورت خورد به دیوار، می گند هر دو گوشواره شکست...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ ضرب تک[[97]](#footnote-97)

اشک منو نیگا کن بسه دیگه حیا کن راه کوچه رو وا کن

برو برو چی می خوای از جون مادرم

 نزن نزن پای توئه خون مادرم

رو چادر زهرا چرا پا گذاشتی دیگه بسه نامرد مادرمُ کشتی

وای مادر مادر مادر

دست تو میره بالا خواستم بگیرم اما سیلی زدی به زهرا

نگم چی شد که مادرم رو زمین نشست

یه جور زدی که هر دوتا گوشوارش شکست

دیگه پاره پاره سند فدک شد هر چی دل من سوخت دل تو خنک شد

وای مادر مادر مادر

نفرین به تو مدینه بابام خونه نشینه مادر روی زمینه

می شه بازم که چادرُ بی غبار کنم

با صورت کبودش آخه چی کار کنم

می گه مادر من تو مسیر خونه راز کوچه باید بین ما بمونه

وای مادر مادر مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجلس چهارم، روضه بستر

ترک 01ـ روضه[[98]](#footnote-98)

هرکس هر آنچه دیده اگر هرکجا تویی

 یعنی که ابتدا تویی و انتها تویی

در تو خدا تجلی هر روزه می کند

آیینه تمام نمای خدا تویی

میلاد تو تولد توحید و روشنیست

ای مادر پدر غرض از روشنا تویی

چیزی ندیده ام که تو در آن نبوده ای

 تا چشم کار می کند ای آشنا تویی

نخل ولایت از تو نشسته چنین به بار

سرچشمه فقاهت آل عبا تویی

غیر از علی نبود کسی هم طراز تو

غیر از علی ندید کسی تا کجا تویی

تو با علی و با تو علی روح واحدی

نقش علی است در دل آیینه یا تویی

شوق شریف رابطه های حریم وحی

روح الامین روشن غار حرا تویی

ایمان خلاصه در تو و مهر تو می شود

مکه تویی مدینه تویی کربلا تویی

زمزم ظهور زمزمه های زلال توست

مروه تویی قداست قدسی صفا تویی

بعد ازتوهر زنی که به پاکی زبان زد است

 سوگند خورده است که خیرالنسا تویی

شوق تلاوت تو شفا می دهد مرا

ای کوثر کثیر حدیث کسا تویی

آن منجی بزرگ که در هر سحر به او

می گفت مادرم به تضرع بیا تویی

آن راز سر به مهر که حافظ غریب وار

می گفت صبح زود به باد صبا تویی

هنگام حشر جز تو شفاعت کننده نیست

تنها تویی شفیعه روز جزا تویی

در خانه تو گوهر بعثت نهفته است

راز رسالت همه انبیا تویی

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

بی تو چه می کنند تویی کیمیا تویی

قرآن ستوده است تو را روشن و صریح

یعنی که کاشف همه آیه ها تویی

درد مرا که هیچ طبیبی دوا نکرد

آه ای دوای درد دوعالم دوا تویی

من از خدا به غیر تو چیزی نخواستم

ای چلچراغ سبز اجابت دعا تویی

پهلو شکسته ای تو و من دلشکسته ام

دریابم ای کریمه که دارالشفا تویی

پیچیده در سراسر هستی ندای تو

تنها صدا بماند اگر آن صدا تویی

گفتم تو ای بزرگ خطای مرا ببخش

لطفت نمی گذاشت بگویم شما تویی

باری کجاست بقعه قبر غریب تو

بر ما بتاب روشنی چشم ما تویی

ممنونم اگر نروی می میرم اگر بروی

من ماندم و زینب تو خون می چکد از لب تو

آمدی قامت کشیده می روی قامت خمیده

ببین می توانی بمانی بمان عزیزم تو خیلی جوانی بمان

تو هم مثل من نیمه جانی بمان زمین گیر من آسمانی بمان

اگر می شود می توانی بمان

چه شد با علی هم سفر ماندنت چه شد پای حرف پدر ماندنت

چه شد ماجرای سپر ماندنت پس از قصه پشت در ماندنت

ندارد علی هم زبانی بمان

بدون تو غم بی عدد می شود برای علی بی تو بد می شود

نرو که غرورم لگد می شود و این سقف سنگ لحد می شود

چه کم دارد این زندگانی بمان

چرا اشک را آبرو می کنی چرا چادرت را رفو می کنی

چرا استخوان در گلو می کنی چرا مرگ را آرزو می کنی

تو باید غمم را بدانی بمان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ روضه[[99]](#footnote-99)

چشای مرتضی چشمه زمزم داره می باره نم نم

میگه زهرا چقدره خوش بودیم من و تو با هم

تو آسمون من تا زد سپیده رسیدی قد کشیده

ولی امشب داری می ری با این قد خمیده

دلم برات می خونه نرو زهرا نرو زهرا

چشام کاسه ی خونه نرو زهرا نرو زهرا

داغت که با سکوت سبک تر نمی شود

حرفی بزن جواب که با سر نمی شود

تعریف کن از اول تنهاییت بگو

از هیچکس برای تو مادر نمی شود

از آفتاب آن طرف شهر از احد

از اشک زیر سایه که دیگر نمی شود

از مردم، از عیادتشان راستی بگو

کی گفته بود فاطمه بهتر نمی شود

با آیه آیه آیه عمرت نوشته ای

بیخود مقام فاطمه کوثر نمی شود

من هیچ محض خاطر این بچه ها بمان

باشد دوباره فاطمه با سر نمی شود

می خواهم از غمت نخورم بر زمین ولی

هر بار می رسم جلوی در نمی شود

در بسترت به چشم من انگار زینبی

آدم سه ماهه این همه لاغر نمی شود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ روضه[[100]](#footnote-100)

ناله ز ضربه ها به بر مرتضی نکرد

از عمق سینه عشق علی را جدا نکرد

شمع وجود او به دل شعله آب شد

جز عشق مرتضی به کسی اعتنا نکرد

در راه رهبری قدمش خستگی نداشت

دستش شکست دست علی را رها نکرد

دستی که شد شکسته از آن ضربه ها دگر

 گندم برای نان علی آسیا نکرد

جز آن سحر که مرگ طلب کرد از خدا

در کل عمر بهر خودش یک دعا نکرد

شبها به سجده بود و همه روز روزه دار

در پای سفره بی علی افطار وا نکرد

جز لحظه ای که دیده به تابوت خود گشود

زهرای خسته خنده دندان نما نکرد

جز آن زمان که مشک به دندان گرفته بود

در پیش خلق خنده دندان نما نکرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ ضرب تک[[101]](#footnote-101)

حسین منم گدای مادرت حسین جونم فدای مادرت

حسین نذر شفای مادرت

غریب مادر

حسین این روزا خیلی مضطری حسین خیره به دیوار و دری

حسین دل نگرون مادری

غریب مادر

غریب مادر الهی نوکرت برای تو بمیره

غریب مادر کی گفته که قراره مادرت بمیره

غصه نخور تو دلم آشوب می شه

غصه نخور ایشالا حال مادرت خوب میشه

حسین پر از بغض شکسته ای حسین شکسته ای و خسته ای

حسین دست به دعا نشسته ای

غریب مادر

حسین تو می دونی محن چیه حسین شبا خواب حسن چیه

حسین بسه کتک نزن چیه

غریب مادر

غریب مادر این شبا تا آخر روضه نیمه جونی

غریب مادر امن یجیب برای مادرت می خونی

غصه نخور تو دلم آشوب میشه

غصه نخور ایشالا حال مادرت خوب میشه

حسین عزیز قلب فاطمه حسین با تو غمم دمادمه

حسین فاطمیم محرمه

غریب مادر

حسین غریب عالم وجود حسین ودیعه یاس کبود

حسین برای تو کفن نبود

غریب مادر

غریب مادر خودت بگو معنیش چیه کفن نداری

غریب مادر بگذریم از کفن یه پیرهن نداری

غصه نخور تو دلم آشوب می شه

غصه نخور ایشالا حال مادرت خوب می شه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ ضرب تک[[102]](#footnote-102)

کنار بسترت حیدر غریبونه نشسته

 داری می ری از این خونه با پهلوی شکسته

می بینم رخ نیلی امون از ضربه سیلی

مرو ای فاطمه جانم

چرا از زخم سینه هر نفس خون می شه جاری

 می مونه چادر خاکی برامون یادگاری

بمیرم نیمه جونی تو هنوز خیلی جوونی

مرو ای فاطمه جانم

نرو تا به غریبیمون نشه دیگه اضافه

 رو بازوی کبود تو چرا جای غلافه

امون از دل زینب داغ تو قاتل زینب

مرو ای فاطمه جانم

شبایی که می سوزه از عطش دل بی قراره

 کی باید بعد تو واسه حسینت آب بیاره

می بینم تو رو دل خون کربلا شام غریبون

مرو ای فاطمه جانم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06ـ ضرب تک[[103]](#footnote-103)

قدم مث هلاله شفا دیگه محاله

 دلم تنگه دلم تنگه یه اذون بلاله

اذون بگو یاد پیمبر بلند بگو الله اکبر

بلند بگو «اشهد اَنَّ علیاً حجه الله» خیلی غریبه حیدر

وای بلال حرمتمُ شکستند وای بلال دست علی رو بستند

اشک علی رو بعد بابام نبودی ببینی بارون غمُ توی چشام نبودی ببینی

پشت در خونه ما اومدن نبودی ببینی دختر پیغمبر تو میزدن نبودی ببینی

پیچید تو کوچه فریاد آتیش به جونم افتاد

 یه کاری کردن این دستم دیگه بالا نمیاد

یه جوری زد رفته توونم بعیده که زنده بمونم

با هرنفس لکه خون می شه پیدا رو لباسم و قتی نماز می خونم

دردمُ من به علی نگفتم هر قدم راه که میرم می افتم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07ـ ضرب تک[[104]](#footnote-104)

سیاه شده روز من از غم چراغ خونم نشو خاموش

چشاتُ واکن گل یاسم نرو از هوش

بعد از تو من و غمها می مونم تک و تنها

 دنیای بی تو تلخه چشمامون می شه دریا

ای ماه شب تارم بی حیدر مرو زهرا

مگه از من چی دیدی که دل از من بریدی

چی شد از دست یارت دامن کشیدی

تو میری من می مونم گل یاس جوونم

 با نگاهت کشیدی آتیش به جونم

وصیتات می کشه من رو آخه هنوز خیلی جوونی

خدا کنه من برم اما تو بمونی

ای یار بی قرارم پاییز بی بهارم

 من بی تو بی پناهم تنهای روزگارم

رحمی کن به دل من من جز تو کی رو دارم

شبا تا صبح بیدارم تا سحر بی قرارم

اگه با من نباشی تمومه کارم

دوباره از حال می ره زینب برای پرپر زدن تو

چه جوری آروم بشه امشب حسن تو

اشکاشون روی گونه می باره دونه دونه

دستاشون تو قنوته شبهای آسمونه

این سوز ناله هاشون قلبم رو می سوزونه

پاشو ما رو نیگا کن برا زینب دعا کن

دیگه دارم می میرم چشاتُ واکن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ ضرب تک[[105]](#footnote-105)

این همه مصیبت خدایا حکایت می کنند

مردم مدینه به حیدر شکایت می کنند

به زهرا بگو روزا یا شبا گریه کنه

سر نمازش دیگه بی صدا گریه کنه

آروم و قرار نداره مدینه با چه دلی گریه هاشو ببینه

ای وای از این غریبی خدایا

با دل شکسته تو اوج مناجات شبش

داره دعا مادر به همسایه ها روی لبش

با قد خمش زیارت جدم که میره

دم مزارش می شینه و روضه می گیره

می خونه می گه چی بوده گناهم خونه خودم شده قتلگاهم

ای وای از این غریبی خدایا

از چادر خاکیش بوی یاس پرپر می رسه

عمر مادر من به روزای آخر می رسه

کسی که زده مادرمُ با جسارتش

چرا خدایا اومده برا عیادتش

اومده تا قلبش آروم بگیره تا بببینه زهرا داره می میره

ای وای از این غریبی خدایا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09ـ واحد سبک [[106]](#footnote-106)

از وقتی مادرم شدی به آرزوم رسیدم

 یه گوشه چادرتُ به عالمی نمیدم

مادر من چقدرتو ناتوونی پیر علی شدی توی جوونی

گریه می کردی به حال من گریه می کردم به حال تو

مرو مادر مرو

از وقتی توی بستری چقدر تو بی قراری

درد و دلی نمی کنی دختر مگه نداری

پیکر تو شده نحیف و لاغر زخمای تو چرا نمی شه بهتر

گریه می کردی به حال من گریه می کردم به حال تو

 مرو مادر مرو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10ـ واحد سبک [[107]](#footnote-107)

آروم آروم نفست جون می ده قلب حیدرُ نفس بزن نفس بزن

الهی چشام نبینه گل یاس پرپرُ نفس بزن نفس بزن

کبودی روی تنت سوختگی پیراهنت

علی بمیره نبینه زخمای روی بدنت

نفس تو جون منه خون تو از خون منه

نفس بزن نفس بزن زندگی زندون منه

یادته تو عروسیمون بهت می گفتم فاطمه

اگه یه روز سفر کنی از پا می افتم فاطمه

یا فاطمه یا فاطمه

اشکامو می کردی پاک می گفتی دردم آرومه دلم گرفته فاطمه

هی می گفتی اشکای مظلوم دوای دردمه دلم گرفته فاطمه

توباغ دل بهارمی جوون موندگارمی

 میون خونه دلم خانم خونه دارمی

بهار من خزون شدی جوون من کمون شدی

خدا بگیره جونمُ یه پوست و استخون شدی

باید بسوزم با غمت با غصه و با ماتمت

چشیدی طعم سختی رو با سن و با عمر کمت

یا فاطمه یا فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11ـ واحد سبک [[108]](#footnote-108)

خدا خدا این روزای آخرمه سایه اجل دیگه بالای سرمه

دارم میرم زخمی تو بستر افتادم ولی قاتلم غریبی شوهرمه

راهی نمونده پیش بابام می خوام دیگه برم سفر

 چیزی نداشت دنیا برام جز ماتم و خون جگر

می خوام برم پیش بابام شکایت از دنیا کنم

می خوام بگم چی کشیدم تا عقده از دل وا کنم

آه من جوان بودم مهربان بودم با تمام این مردم مدینه

آه سهم من غم شد قامتم خم شد آه تنهایی می کشم ز سینه

خدا خدا مرگمُ زودتر برسون می خوام بپرم دیگه من از این آشیون

کبوترم و شکسته بال و پر من تو یه کاری کن برم به سوی آسمون

خدا خودش تو آسمون از غم من خبر داره

همه میدونن که آتیش برای گل ضرر داره

یه دفعه بوی دود گرفت گلبرگای سفید من

 کی می دونه که میخ چه کرد با محسن شهید من

آه از فشار در شد گلم پرپر من گیر افتادم بین در و دیوار

آه بین اون فریاد در رو من افتاد شد همه عالم تیره و تار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12ـ واحد سبک[[109]](#footnote-109)

برای زنده بودن تنها بهونمی تو

 نه ساله که عزیزم بانوی خونمی تو

می دونی این روزا علی دلش به غم اسیره

کدوم زنی از شوهرش تو خونه رو می گیره

زخمی شده صورت تو علی برات بمیره

داره می شه چشام پر آب تنها می شه ابوتراب

ای وای من ای وای من تنهام نذار زهرای من

از خونه دیگه داری بار سفر می بندی

تابوت تو می بینی بعد سه ماه می خندی

از درد پهلو گفتی که از جا نمی شه پاشم

یا که تو بسترم دیگه نمی شه جابه جا شم

میرم که دیگه نمی خوام شرمنده تو باشم

چه نیمه جونه پیکرت بگو چی اومده سرت

ای وای من ای وای من تنهام نذار زهرای من

ابری شد آسمون و بازم بارون گرفته

 در و دیوار می بینم که بوی خون گرفته

می گی خداحافظ علی موقع رفتنم شد

 یه روز تو آتیش پر خون تموم معجرم شد

این خونه قتلگاه برا خودم و محسنم شد

می خونه اشک و آه من می گه چی بود گناه من

ای وای من ای وای من تنهام نذار زهرای من

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13ـ واحدسبک[[110]](#footnote-110)

خدا رو چی دیدی چقدر نا امیدی

 بگو که می مونی نگو که بریدی

چرا وقتی گفتم هنوزم جوونی

ازم رو گرفتی خجالت کشیدی

خدا رو چی دیدی چقدر غصه داری

 چقدر گریه کردی ای ابر بهاری

نگو هیچ امیدی به این پیرزن نیست

 داری چی به روز دل من می آری

علی رو حلال کن واسه درد بازوت

علی رو حلال کن واسه زخم پهلوت

 علی رو حلال کن واسه دست بستش

 نتونست که اون در رو برداره از روت

خانوم خونم خونه خرابم نکنی ای مهربونم یه وقت جوابم نکنی

خدا رو چی دیدی خدا که می بینه

 غریب گیر آوردن منو تو مدینه

تموم تنم سوخت که پیشم زنم سوخت

 من و سوز سینه تو و زخم سینه

علی رو حلال کن که بچه ت فدا شد

 علی رو حلال کن به حالت جفا شد

 علی رو حلال کن برای همون روز

که پای مغیره به این کوچه وا شد

خانوم خونم خونه خرابم نکنی ای مهربونم یه وقت جوابم نکنی

خدا رو چی دیدی چقدر پر ز دردی

 شبیه زمستون شدی بس که سردی

داری میری اما بازم فکر مایی

بسه کار خونه تو کارت رو کردی

خدا رو چی دیدی خلاصه یه جوری

تو خوب میشی بس کن نزن حرف دوری

 چته آخه امروز تو فکر کجایی

داری پیرهنای حسینُ می شوری

علی رو نیگا کن چی از من گذاشتی

 تو قلبم غم و داغ رفتن گذاشتی

چرا توی اون بغچه که دادی زینب

کنار کفن ها یه پیرهن گذاشتی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14ـ شور [[111]](#footnote-111)

مدینه و یه مادری که بسته بار سفرُ

مدینه و کوچه ای که گرفته جون حیدرُ

مدینه و یه کودکی که بی قرار و مضطره

شنیده از همسایه ها که مادرت می خواد بره

دل می سوزه میون سینه ذکر لب حسن همینه

با کبوترای مدینه جوان ننه ـ قدکمان ننه

مدینه و مادری که به دردسر افتاده بود

به پشت درب خونشون خونین جگر افتاده بود

مدینه و میخ در و بی رحمی قوم جفا

مادر می گفت فضه بیا بچمو کشتن بخدا

دل می سوزه میون سینه ذکر لب حسن همینه

با کبوترای مدینه جوان ننه ـ قدکمان ننه

مدینه و خونه ای که دیگه شده دارالعزا

مدینه و تابوتی که داره می سازه مرتضی

یکی بیاد کمک کنه حیدر داره جون می کنه

نشسته و سرش رو بر چوبه تابوت می زنه

یکی بیاد تو کوچه ها به مادرم کمک کنه

اشک حسینُ پاک کنه به خواهرم کمک کنه

دل می سوزه میون سینه ذکر لب حسن همینه

 با کبوترای مدینه جوان ننه ـ قدکمان ننه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15ـ شور[[112]](#footnote-112)

قسم به چشم بارونی قسم به اشک پنهونی

قسم به قلب پر غصه

 قسم به عشق قسم به عقل بگو کنارم می مونی

تو رو چطور ببینم توی بستر کشته منو رد خون بروی در

 التماست می کنم مرو مادر

 مرو ای مادر

مرو مرو مرو مادر خوبم

منو نگام کن افسردم چه خون دلها که خوردم

تو توی بستر افتادی

ولی خدا می دونه که من تو همون کوچه مردم

تو دعا کن برا حال حزینم جای نفس به پیش تو بشینم

 رو تو نگیر صورتتُ ببینم

مادر خوبم

مرو مرو مرو مادر خوبم

میون گریه خندیدی تو خون و خاکا غلتیدی

دست تو ول شد از دستم

 خوردی زمین جلو چشام یادم نمیره لرزیدی

مگه میره ز یادم گوش و گوشوار مگه میره زیادم میخ و مسمار

 مگه میره ز یادم رخ و دیوار

وای از این غمها

مرو مرو مرو مادر خوبم

چقد تحمل اربابم از غم تو من بی تابم

جون رقیه دریابم

کرببلا خدایی که به عشق خوابت می خوابم

مگه بدا ندارن دل پر غم تو جوونی برا تو آقا پیرم

 میدونم عاقبت تو حرم ارباب

 آقا می میرم

آقام آقام آقام حسین مظلوم

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

ترک16ـ شور[[113]](#footnote-113)

رفتی و بی تو تنها می مونم بی تو می میرم یار جوونم

دنیا بعد تو دنیای درده باید ازهجرت روضه بخونم

مادر مادر تویی سایه روی سرم نرو از خونه

پاشو موی پریشون من رو بزن شونه

 تو بری علی با غم و غصه ها می مونه

مادر مادر رخ نیلوفریت چرا خسته و پژمرده

 صدای نفسای تو قلبمُ آزرده

 الهی بمیرم برا یاس لگد خورده

مادر مادر وای

رد خون بود و نیگاه مردم راه خونه رو کردی چراگم

یک زن و این همه گرگ وحشی میخ و دیوار و آتیش و هیزم

مادر مادر کدوم بی حیا تو کوچه قلبتو لرزونده

 یه هلال سیاه روی ماهتو پوشونده

خون سینه تو روی مسمار در مونده

مادر مادر تا نفس می کشی می شه بند دلم پاره

 وقتی دست به کمر می گیری برام آزاره

حسنُ میکشه عاقبت خون گوشواره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجلس پنجم، روضه شهادت

ترک 01ـ روضه[[114]](#footnote-114)

در چشم های تو خدا رادید مولا

با تو به خود بر خلق می بالید مولا

در خانه ای که خشت خشتش از بهشت است

بوی خدا را از تو می بویید مولا

از چشمه فیض شما ای کوثر ناب

هر روز جام عشق می نوشید مولا

با اشک هایت اشک او می شد سرازیر

با خنده هایت زود می خندید مولا

این نامردها کاری کردند خنده از لب مادر ما رفت، دیگه کسی خنده زهرا رو ندید... تو تاریخ هست بکائین عالم پنج نفرند، اولینش آدم ابوالبشره؛ وقتی از بهشت رانده شد چند صد سال گریه کرد تا مورد رحمت خدا قرار گرفت، دومین گریه کن عالم یعقوب پیغمبره ـ در فراق یوسف انقدر گریه کرد که قرآن می گه چشمشو از دست داد ـ سومینش خود یوسفه ـ اونقدر تو زندان و تو چاه گریه کرد در فراق پدرش؛ چهارمین گریه کن عالم زین العابدینه، می گن بعد کربلا 40 یا 35 سال گریه کرد، آب می دید گریه می کرد... ـ اما پنجمین گریه کن عالم که سرآمد این چهار نفره مادر هجده ساله ما زهراست، اما آدم و یعقوب و یوسف و زین العابدین هرکدوم چند سال گریه کردند؛ مگه مادر ما چند سال داشت؟! مگه مادر ما چند روزگریه کرد؟! خیلی گریه کرده باشه 95 روز! چه جوری می شه تو 95 روز انقدر گریه کنی اسمت تو گریه کنای عالم ثبت بشه؟ یه جوری گریه می کرد صدای مردم مدینه بلند شد، اومدن به علی گفتند به زهرا بگو یا شب گریه کنه روز آروم باشه یا روز گریه کنه شب آروم باشه؛ چه کرد این گریه؟ گریه ای که یه قطرش برا خودش نبود، گریه فاطمه هم حرف داشت هم گریه اعتراض بود، می خواست همه بفهمند زهرا ناراضیه، آخه پیغمبر فرموده بود رضایت زهرا رضایت منه، رضایت من رضایت خداست؛ فقط برا غربت علی گریه می کرد، می دید کسی به علی سلام نمی کنه، می دید علیش یه گوشه نشسته زانوی غم بغل گرفته...

اما از بعد رحلت پیغمبر یکی دوبار خنده به لبهای فاطمه اومد، یه بار وقتی داشت باباشو از دست می داد ـ اوج غصه فاطمه از دست دادن پیغمبره ـ اما یه مرتبه دیدند تو بغل پیغمبر داره لبخند می زنه، یه روز علی ازش سوال کرد فاطمه جان یادته لحظه های آخر عمر پیغمبر یه لبخند زدی؟ چی شد داشتی اشک می ریختی ولی وسط اون گریه ها خندیدی، چرا؟ گفت علی جان می خوای بدونی چرا؟ آخه بابام بهم یه مژده داد، بهم گفت فاطمه جان خیلی گریه نکن فراق بین من و تو خیلی طول نمی کشه، فاطمه جان اول کسی که به من می رسه تویی دخترم؛ اما دومین باری که بی بی ما لبخند زد: یه روز رد شد تو خونه نگاه کرد دید اسما یه تابوت براش درست کرده ـ آخه خودش سفارش داد یه تابوتی برام درست کنید که دیواره داشته باشه، حجم بدنم پیدا نباشه ـ تا نگاهش به تابوت افتاد یه لبخند زد نمی دونی این خنده با دل علی چه کرد، این لبخند حرف داشت یعنی دیگه چیزی نمونده زهرا بره.. یه لبخند دیگه هم زد، خدا برا هیچ کس نیاره عزیزش جلوش جون بده، علی اومد تو خونه رسید بالا سر زهراش ـ همه نوشتند شیخ عباس تو بیت الاحزان می گه ـ جان از بدن زهرا رفته بود اما تا علی رسید سر فاطمه رو بغل کرد ـ یا فاطمه کلِّمینی ـ فاطمه من علیم، دلت اومد بی خداحافظی بری؟ ـ یا ام الحسنین کلِّمینی یا زهرا یا بنت رسول الله ـ یه مرتبه دیدند قهرمان خیبر داره می لرزه، اشکش جاری شده، اشکش ریخت رو صورت فاطمه، یه مرتبه مادر ما چشمشو باز کرد، می گن دست شکستشو بالا آورد اشک چشم علی رو پاک کرد، یه نگاه به علی کرد صدازد علی جان خوب شد اومدی آقا، حالا که اومدی یه سوال ازت دارم، یه خواهش ازت دارم، جواب زهراتُ بده ـ یه سوال کرد دل علی رو آتیش زد ـ صدا زد علی جان نه ساله دارم تو خونت زندگی می کنم، بگو از زهرا راضی بودی یا نه؟ ـ أرضیتُ منّی یا اباالحسن؟ ـ آیا من همسر خوبی بودم؟ نمی دونی چه جوری جگر علی رو کباب کرد، سرشو به علامت رضایت تکون داد، آره زهرا جان چه جوری راضی نباشم؟! تو بخاطر من بین در و دیوار رفتی، محسنتُ دادی، سینتُ سپر کردی، سیلی و تازیانه خوردی، تا فهمید علی راضیه دیدند یه لبخند زد...

خداحافظ کوچه های مدینه خداحافظ میخ و پهلو و سینه

خداحافظ ای تمام امیدم در این عالم بهتر از تو ندیدم

دختر تو خونه همه توجهش به مادره، من می گم شاید زینب شنید از مادرش یاد گرفت یه روزی همین زینب اومد بالا تل زینبیه اونجا دستشو بالا آورد

خداحافظ ای برادر زینب خداحافظ سایه سر زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ روضه[[115]](#footnote-115)

سلام من به مادری که در میان بستر است

فضای خانه اش پر از دعا و دیده تر است

سلام من به مادری که حاجتش شهادت است

به دل نوا به لب دعا نگاه او سوی در است

سلام من به مادری که پهلویش شکسته است

دلش ولی شکسته تر زغصه های حیدر است

سلام من به مادری که لاله های بسترش

نشان ز تازیانه ها بهانه های دختر است

چه مادری چه دختری چه بستر و مریضه ای

چه پهلویی چه بازویی چه غنچه ای که پرپر است

نماز او نشسته و قنوت او شکن شکن

صدای او چه خسته و پر از نوای مضطر است

هنوز بیت وحی حق سرای دود و آتش است

چه کلبه محقری که خانه پیمبر است

علی نظاره می کند حسن اشاره می کند

که صورت حسین او به زیر پای مادر است

یه وقت دید صورتشُ به پای مادر گذاشته، رفت سمت حسینش برش داره، دید حسن صورت رو سینه مادر گذاشته، این میگه وا اماه اون میگه وا اماه، دخترها مؤدب دارند گریه می کنند، فضه داره می میره ، اسما داره می میره، اینجاست یه مرتبه امیرالمومنین عمامشو برداشت بر زمین زد، گفت حبیبه رسول خدا آخه من علیم، بلند شو...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ روضه[[116]](#footnote-116)

دو دستم را سپردی دست غمها به زانویم رساندی دست من را

غمت پشت مرا طوری زمین زد که شاید برنخیزم دیگر از جا

من آن خیبرگیرم اما که چشمانم گشته دریا

که افتادم دیگر از پا

بدون تو در این دنیا گرفتارم خدا رحمی کند بر این دل زارم

روز و شب درد کشیدی بدنت خوب نشد

تا سحر آب شدی زخم تنت خوب نشد

لاله های به روی پیرهنت خوب نشد

جگرت سوخت ولی سوختنت خوب نشد

ضربه ای خورد به در پیکرت افتاد زمین

 تا تو خوردی به زمین دخترت افتاد زمین

اشک از گوشه چشم ترت افتاد زمین

چادرت پاره شد و از سرت افتاد زمین

روزگار من اگر بر تو غم اندوخت ببخش

رنگ رخسار تو را غصه برافروخت ببخش

گیسویت در وسط شعله اگر سوخت ببخش

سینه ات را نوک مسمار به در دوخت ببخش

آینه بودی و یکباره ترک خوردی تو

من بمیرم سر من بود کتک خوردی تو

بوتراب هرچه که بی تاب شود حق دارد

پدر خاک اگر آب شود حق دارد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ روضه[[117]](#footnote-117)

شکر می گویم خدا را چون که خوان فاطمه

باز هم گسترده شد بر شیعیان فاطمه

فاطمیه آمد و دست مرا مولا گرفت

 تا که باشم چند روزی میهمان فاطمه

در میان مصحفش نام مرا زهرا نوشت

روزیم شد نوکری آستان فاطمه

با همان روی سیاهم آبرویم را نبرد

شد نصیبم موج عفو بی کران فاطمه

بر تنم رخت سیاه نوکری پوشیده ام

تا کمی باشم شبیه کاروان فاطمه

آمدم هیات برای مادرم گریه کنم

گریه بر عمر کم و قد کمان فاطمه

چند روزی می شود که مادرم در بستر است

بوی آتش می دهد باغ جنان فاطمه

انتقام او به دست ذوالفقار مهدی است

 مهدی زهرا بیا آقا به جان فاطمه

با ظهور تو گره از کار شیعه وا شد

 می شود پیدا مزار بی نشان فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ روضه[[118]](#footnote-118)

خواب در چشمان یثرب آمده

مردمش خود را به خواب خوش زده

باد سرد درد بین کوچه ها

یک نفر شب گرد بین کوچه ها

احتضار از راه مخفی آمده

رد شد از زیر در آتش زده

در میان خانه ی مولا چه بود

باغبان بود و گل یاس کبود

بانوی لولاک روی بسترش

سر نهاده روی پای رهبرش

بیت مولا از سکوت آکنده بود

بین خانه یک شهید زنده بود

قابض الارواح با روح الامین

نوحه می خوانند بر بانوی دین

مرغ شب فریاد هوهو می زند

شمع کنج خانه سوسو می زند

سایه ای بر روی دیوار گلیست

سایه لرزان مولایم علیست

زانویی زیر سر بانوی خود

در بغل دارد دگر زانوی خود

چشم دارد بر نگاه فاطمه

شعله می گیرد ز آه فاطمه

ناله ای آرام می آید به گوش

می رود از هوش و می آید به هوش

هر زمانی چشم خود را باز کرد

با زبان دل سخن آغاز کرد

ای همیشه هم نشین فاطمه

ای امیرالمومنین فاطمه

ای که غمها را بدل کردی علی

از چه رو زانو بغل کردی علی

آنکه باید شرمگین باشد منم

خسته حال و دل غمین باشد منم

خواستم یاری کنم اما نشد

ریسمان از دست هایت وا نشد

کار من از تو حمایت بود وبس

از رضای تو رضایت بود وبس

من ولایت را به جان دارم علی

روی بازویم نشان دارم علی

تو ولی داوری مولای من

بر دو عالم سروری مولای من

فاتح بدر وحنین و خیبری

تو وصی مصطفایی حیدری

گردش آرام آرام نگات

کرده ترسیم مدار کائنات

ای پناه جان احمد در احد

فاطمه آن روز مدیون تو شد[[119]](#footnote-119)

عهد کردم آنچه گویی آن کنم

جان نثاری تو را جبران کنم

تیر غم هم گر بسویم می پرد

باید از قلب من اول بگذرد

شمع عالم لحظه ای خاموش شد

فاطمه بار دگر بیهوش شد

ساعتی نگذشت و چشمی باز کرد

از دری دیگر سخن آغاز کرد

گفت بشکن بغض خود آقای من

راحت امشب گریه کن هم پای من

گریه کن بر من و بر ایتام من

گریه کن بر طفل تشنه کام من

گریه کن ای دستگیر عالمین

بیشتر بر جان جانانت حسین

گریه کن تو بر زمین افتادنش

گریه کن بر لحظه جان دادنش

خنده بر لبهای تو بیرنگ شد

شرم دارم کار خانه لنگ شد

من اگر بانوی خوبی بوده ام

خواهشی از محضرت ننموده ام

عمر تسلیم مشیت می کنم

این شب آخر وصیت می کنم

نیمه شب غسلم بده با پیرهن

نیمه شب کن پیکر من را کفن

نیمه شب برخاک بسپارم نهان

ساعتی در پای قبر من بمان

فارق از رنج و ملالم کن علی

رفتنی هستم حلالم کن علی

راستی چندسیت نور دیده ام

صوت قرآن تو را نشنیده ام

اشک بسته راه چشمانت علی

ای فدای صوت قرآنت علی

گوش کن یاسین روایت می شود

روح فانی در ولایت می شود

بعد هر یک حرف، آهِ مرتضی

می کند تقطیع کل سوره را

حجره از قرآن مشعشع می شود

آیه ها یک سر مقطع می شود

هرچه آهنگ تنفس تندتر

می زند نبض عوالم کند تر

از تن حیدر همه نیروش رفت

بار آخر فاطمه از هوش رفت

کنار بدن فاطمه اش داره گریه می کنه، یک وقت یه هاتفی صدا زد راه رو باز کنید، یتیم های فاطمه دارند میان، همه ملائکه کنار رفتند، بچه های فاطمه اومدند، من بمیرم برا نازدانه هایی که با تازیانه از بدن بابا جدا شدن...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06ـ روضه[[120]](#footnote-120)

شکر خدا حبیبه ام امروز بهتری

از جا بلند گشته ای ای یار بستری

از پلک های بی مژه ات بی رمق ترم

 از هر کسی ز غربت من با خبرتری[[121]](#footnote-121)

 ای بال و پر شکسته چرا انقدر شتاب

این روزها کبوتر مجروح حیدری

این لکه های روی لباست شده زیاد

داری نفس می کشی یا زجر می بری

سوگند دادمت که بمانی تو در عوض

تابوت مرگ خویش به خانه می آوری

پای تنور رفتن و نان پختنت ز چیست

داری مرا که می کشی این روز آخری

حالا که راهی سفری لطف کن بگو

خورشید من هنوز چرا بین معجری

چشم چهار کودک تو غرق خواهش است

بانو هنوز هرچه که باشد تو مادری

آخر بگو چه سان دلت آمد که این چنین

از التماس حیدر مظلوم بگذری

پیداست از نگاه پر از اضطراب تو

هر لحظه فکر بوسه ای از زیر حنجری

وقتی آقازاده ها اومدند خودشونو تو بغل مادر انداختند، اسما بچه ها را جدا کرد، گفت برید آقا زاده ها تو مسجد باباتونو خبر کنید ـ امیرالمؤمنین می دونه چه خبره، هر لحظه منتظره ـ یه وقت دیدصدا ناله آقازاده ها میاد، حسن یه طرف حسین هم یه طرف، وقتی دید بچه ها عمامه از رو سر برداشتند، مولا متوجه شد حامل خبر خوبی نیستند، از جا بلند شد، چی شده بچه ها؟ گفتند بابا مادرمون از دستمون رفت؛ نوشتند مولا مثل چوب خشک افتاد رو زمین، رو صورتش آب می پاشند، دکتر قنبری می فرمود: چندین مرتبه مولا تو این راه کوتاه ـ از مسجد تا خونه ـ هی رو زمین می خورد؛ اومد کنار بدن، نشست کنار فاطمه، پارچه رو کنار زد، «کلِّمینی یا فاطمه» با من حرف بزن، هرچی صدا زد جواب نیومد ـ یا ام الحسنین، ای دختر رسول خدا ـ جواب نمیاد، آقا همینطور که خیره خیره نگاه می کرد، گفت فاطمه هیچ کس تو این مدینه جوابمُ نمیده، تو هم جواب منو نده! اشکای غربت علی رو صورت خانم چکید، جان رفته دوباره به بدن برگشت، خانم چشمشو باز کرد، اینجا روایت نوشته دم آخری هر دو شروع کردند به گریه کردن، دیدند به سختی دست شکسته رو بالا آورد، اشکای علی رو پاک کرد، اشکای حیدرُ به سر و صورت می کشه، عرضه داشت آقا از بابام شنیدم اگه کسی اشک غریبُ بگیره، به بدنش بکشه این بدن از آتش جهنم ایمن خواهد بود؛ گفت گریه کن یا اباالحسن بذار آروم بگیری، بذار سبک بشی، اما ازت خواهشی دارم، فقط چشمت به در باشه زینب اگه اومد مراعاتشو بکن، دخترم طاقت نداره اشک بابا رو ببینه؛ خود مولا هم به بچه ها سفارش کرد شب نوزدهم یه طرف حسن زیر بغلشو گرفته، یه طرف ابی عبدالله، رو پا بند نیست، تا جلو خانه رسیدند فرمود زیر بغلمُ رها کنید، می خوام با پای خودم وارد خانه بشم، زینب منو با این حال نبینه، همه مراعات کردند، برا امام حسن می گند طشت پر از خون و جگر پاره پاره جلو امام حسن بود اما تا صدا پای زینبُ شنید ، اشاره کرد کنیزا ببرید، خواهرم نبینه؛ بخدا حسینم تا چشمشو باز کرد اون لحظه ای که نانجیب رو سینه نشسته، صدا زد برو زینبم، برو خواهرم، امر امامه مگه می تونه نره...دل تو دلش نیست، یه وقت دید زمین کربلا داره می لرزه، اومد خدمت امام چهارم عزیز برادرم چرا زمین کربلا داره می لرزه؟ فرمود عمه جان پرده خیمه رو کنار بزن می بینی نگاه کرد:

سری به نیزه بلند است در بررابر زینب...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07ـ ضرب تک[[122]](#footnote-122)

مادر مادر دلم از غم می گیره مادرمادر بی تو بابا می میره

خون جگری سخته ای وای بی مادری سخته ای وای

تو چشمای بی رمقت اشکای غم حلقه زده

از نفسات معلومه که وقت جدایی اومده

اسیر پاییزی ای کاش بهار من باشی

دلم می خواد تا من زندم قرار من باشی

کنار من باشی

حالا که بال و پرمو دور سر وا می کنم

لحظه جون دادنتو دارم تماشا می کنم

با حال و روزت از ریشه دل منو کندی

برای من وقت رفتن با گریه می خندی

چشاتُ می بندی

بار سفر بستی دیگه دخترتُ جا می ذاری

میون درد بی کسی بابامُ تنها می ذاری

داری میری و توی چشام گلای بارونه

 قرار نداری و قلبم برای تو خونه

چقدر غریبونه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08ـ ضرب تک[[123]](#footnote-123)

کجا با این عجله تو که خیلی جوونی

چرا دیگه نمی خوای پیش زینب بمونی

تویی که می تونی شفاتو بگیری مادر

آخه چرا از خدا خواستی بمیری مادر

کجا میری مادر

آخه چه روزگاریه خوشی ازم فراریه

تازه چهار سالم شده موقع خونه داریه

نمی خواد جارو کنی نفست باز می گیره

داره از زخم سینت خونای تازه میره

یه عالمه درد داری و با قد خم مادر

 به خونه و زندگی می رسی بازم

فدات بشم مادر

تو قنوت نماز شبت وسط ذکر یا ربت

دعا بکن بجای تو برسه مرگ زینبت

شبا تا صبح می بینم داری از تب می سوزی

ولی بیداری و باز داری پیرهن می دوزی

آخه چرا این همه دل نگرونی مادر

برادرمو می بینی پریشونی مادر

چی می دونی مادر

بگو که ماجرا چیه قصه کربلا چیه

سه تا کفن به من می گه معنی بوریا چیه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09ـ ضرب تک[[124]](#footnote-124)

من ز نفس افتادم مادر نفس می زد

مثل پرنده ای تنها پر در قفس می زد

با دست شکسته ای وای آتش رو پس می زد

افسوس افسوس ای آه و واویلا یک سو مادر یک سو غم بابا

 آتش بود و دیوار و در بین دیوار و در مادر

مادر مادر مادر

از تو نگات فهمیدم مسافری مادر

همسایه هامون می گن می خوای بری مادر

ای وای ای وای ای وای از این ماتم

دلها دلها شده کلبه ای ازغم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10ـ ضرب تک[[125]](#footnote-125)

می ری و بدرقه راه توئه دعای من

خودتو بذار یه لحظه فاطمه به جای من

حق بده اگه کنار بستر تو جون بدم

تو نفس می زنی و می لرزه دست و پای من

دل حسین به تو خوشه پاشو ببین حسن چشه

خون رو میخ در داره زینبمونو می کشه

نمی شه باورم این جوون منه

قلبم دیگه نمی زنه

مرو فاطمه

نفسم بند اومده دیگه نفس نفس نزن

بال و پر پرنده خسته تو این قفس نزن

کار تو کشیده ای فاطمه جان به جایی که

هی میگی به زینبت به زخم بازو دست نزن

حالا که نیستی زینبو ببینی تو لباس عروس

تو رو خدا یه بار دیگه صورتشو فقط ببوس

نمی شه باورم این جوون منه

قلبم دیگه نمی زنه

مادری از پسر تشنه لبش جدا می شه

داره روضه حسین تو خونمون بپا می شه

پیرهنی که دوختی با دست شکسته فاطمه

نمی دونی موقع غارت اون چها می شه

می گی تو دل خونه حسین جون تو و جون حسین

 قرارمون تو کربلا شام غریبون حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11ـ ضرب تک[[126]](#footnote-126)

خسته و مبهوتم داغ تو تابوتم شد به خدا زهرا

عرش به خودش لرزید در دو جهان پیچید ناله وا اماه

نور خطبه تو در گوشم بیرق نام تو بر دوشم

مهر تو تا ابد در قلبم یتیمان تو در آغوشم

شد مبدا تاریخ غم هجده بهار عمر تو

ای عصمت کبرای غم دنیا نثار عمر تو

ای تو در دل شب قمر علی شده بازوی تو سپر علی

یا زهرا یا زهرا

یاد پدر کردی قصد سفر کردی می روی ای بانو

 زار و حزینم کرد خونه نشینم کرد داغ گل شب بو

برو دست خدا همراهت به فدای رخ چون ماهت

چشمه های شهادت جوشان دمد از خون ثاراللهت

خیل ملک در آسمان از او گدایی می کند

زهرا که از کار جهان مشکل گشایی می کند

مخفی حرم مادر سادات قربون کرم مادر سادات

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12ـ ضرب تک[[127]](#footnote-127)

خونِ رو در و دیوار رفتی خدانگهدار

مادرمُ ازم گرفت این مدینه

هیچ کسی کاش داغ عزیز نبینه

داره می باره آسمون دل من و تو شده خون

تموم خواهشم اینه جون بابا نرو بمون

وای مادر

وای از غلاف و بازو زخم سینه و پهلو

راه که میری همش زمین هی می افتی

از کوچه تو حرفی به من نگفتی

نمونده جای سالمی از اون روزا به تن تو

نفس که می کشی چرا خونی می شه پیرهن تو

وای مادر

گریم می گیره مادر زخمات نمی شه بهتر

خورشید من می خوای که رنگ غروب شی

کاش بمونی آرزومونه که خوب شی

از اون شب وصیتت سه تا کفن پیش منه

کمه یه دونه وای من چرا حسین بی کفنه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13ـ ضرب تک[[128]](#footnote-128)

من و این همه غم زهرا زهرا سپرم شده خم زهرا زهرا

به لبم همه دم زهرا زهرا

من و این دل پر زهرا زهرا نگو غصه نخور زهرا زهرا

داری میری چطور زهرا زهرا

قسم به حسن و اشک حسنین به غربت من و گریه حسین

مرو مرو مرو زهرا

شب تاره دلم زهرا زهرا بی قرار دلم زهرا زهرا

نرو یار دلم زهرا زهرا

چیه غم تو نگات زهرا زهرا چیه بغض تو صدات زهرا زهرا

چیه خون رو چشات زهرا زهرا

قسم به نفس خسته علی به دستای طناب بسته علی

مرو مرو مرو زهرا

کار هر شب من گریه گریه مث زینب من گریه گریه

تب تو تب من گریه گریه

تو رو به حسنت زهرا زهرا چیه زخم تنت زهرا زهرا

چقدر زدنت زهرا زهرا

قسم به حرم و اهل حرمت به اسم کی قسم دیگه بدمت

مرو مرو مرو زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ ضرب تک[[129]](#footnote-129)

داری می ری بی یارت کاشکی می شد برگردی

یادته اون روزا که خونمُ روشن کردی

انگار همین دیروز بود

همه بریدن از من غیر تو که بی جونی

یادته روز اول گفتی پیشم می مونی

انگار همین دیروز بود

تو میری و می مونه بار غمت رو دستم

یادته بابات دست تو رو گذاشت تو دستم

انگار همین دیروز بود

همه ی روزام با تو شبیه یک رویا بود

یادته بعد از خیبر همه جا حرف ما بود

 انگار همین دیروز بود

حسنمون گریونه با سکوت پر دردش

یادته که گفت مادر تا که زبون وا کردش

انگار همین دیروز بود

اشک حسینت امشب دل منو آتیش زد

 یادته اشکامونو وقتی به دنیا اومد

انگار همین دیروز بود

رو لب دخترهامون ناله مادر مادر

یادته می خندیدند تو آغوش پیغمبر

انگارهمین دیروز بود

جسارت سیلی رو می پوشونه رو بندت

یادته آروم می شد علی با یه لبخندت

انگار همین دیروز بود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک15ـ ضرب تک[[130]](#footnote-130)

نگرون دل هرکسی دل مادرشه

مادرآدم عشق اول و آخرشه

کسی نمی تونه جای مادرُ پر بکنه

 مادری که همه چیز پسر و دخترشه

غم بی مادری بدجوری دلُ خون می کنه

 تموم شبا رو شام غریبون می کنه

کی دلشو داره مادرُپریشون ببینه

 صورت مادرُخسته و نیمه جون ببینه

کی دلشو داره وقتی مادرش زخمی شده

 روی جراحت کهنه دوباره خون ببینه

مریضی مادر آدمُ نا امید می کنه

یه شبه موهای بچه هاشو سفید می کنه

یه مادره جوون امشب اشهدش رو لبشه

 دو سه ماهه می دونه که این آخرین شبشه

دو سه شبه که گذاشته کفنش رو دم دست

 دو سه روزه دیگه اون که می بینه زینبشه

یه مادر جوون از مدینه سفر می کنه

میره و تموم عالمُ بی مادر می کنه

دم آخری هنوز بی قرار محسنشه

 هنوز اثر آتیش روی پر دامنشه

هنوزم اثر خون رو تموم پیرهنشه

 زیارت خدا تنها دلیل رفتنشه

حالا دیگه باید اشکای همُ پاک بکنن

حالا با چه دلی مادرشونُ خاک بکنن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک16ـ ضرب تک[[131]](#footnote-131)

بی قرارم از یاد روزای جدایی علی علی جان

ناله داری در سینه اما بی قراری علی علی جان

الحمدلله برات شدم من اول فدایی

مث ابر بهار امشب می باره چشم گریونم

دیگه رفتنیه زهرا دیگه پر شده پیمونم

گریه نکن حسین می بینه گریه نکن بچم می میره

 گریه نکن خدا کریمه گریه نکن گریم می گیره

این سه ماهه خیلی زحمت به پام کشیدی علی علی جان

این سه ماهه ناله های منو شنیدی علی علی جان

تو این سه ماهه با ناله من تو هم خمیدی

همه دلخوشیم از اینه تو رکاب تو بودم من

همه دلواپسیم اینه تو می بینه کبودم من

گریه نکن فدای اشکت گریه نکن مسافرم من

گریه نکن نمونده راهی گریه نکن بذار برم من

این جدایی جون ما رو به لب رسونده علی علی جان

قصه این کفن دل زینبُ سوزونده علی علی جان

زینب می دونه برا حسینم کفن نمونده

دل زینبمون خونه دیگه گریه نکن حیدر

 باشه وعده بعدیمون کنار بدن بی سر

گریه نکن غریب عالم گریه نکن دار و ندارم

گریه نکن دردت به جونم گریه نکن تمومه کارم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک17ـ واحد سبک تند[[132]](#footnote-132)

مدینه رنگ ماتم و غم داره تگرگ غربت از فلک می باره

علی میون مدینه بی یاره

نشسته غمهای دو عالم یک جا میون قلب بی قرار زهرا

 ذکر خود خدا شده واویلا

وای امن از زمونه غصه ها بی امونه

 فصل باد خزونه واویلا

باغ یاس پیمبر شد خزانی و پرپر

 می زنه ناله حیدر واویلا

ای وای ای وای وقت عزای عالمه

ای وای ای وای مدینه مرکز غمه

امان مان از این همه نامردی بود غم بی یاوری بد دردی

علی به سینه دارد آه سردی

شده علی اسیر قوم کافر فاطمه افتاده میان بستر

رمق نمانده در تن این مادر

می رسه بوی ماتم قلب شیعه پر از غم

 شد عزای دو عالم واویلا

خون ز دیده روان شد بغض و کینه عیان شد

 سیل غم بی امان شد واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک18ـ واحد سبک[[133]](#footnote-133)

دگر از زندگی سیرم غم هجرت می کند پیرم

 ببین اشک دو چشمم را مرو که من بی تو می میرم

ببین لرزد صدای من نگاهم کن ای خدای من

خداوندا تو می دانی یتیمی زود است برای من

مرو مادر وای مرو مادر

به درد من تویی درمان مکن از من صورتت پنهان

 امید من منم زینب که هستم غرق غم و افغان

خودت دانی که این خانه شود بی تو همچو غم خانه

ببین مادر که می گردم به دور تو همچو پروانه

مرو مادر وای مرو مادر

چرا پاره شده گوشت پر از خون است لعل خاموشت

خدا داند که دلتنگم برای گرمی آغوشت

چرا اینسان زمین گیری چرا از این زندگی سیری

چرا دست خودت مادر به پهلوی خود تو می گیری

مرو مادر وای مرو مادر

در آن کوچه چه شد مادر که گردیدی چنین پرپر

 خودم دیدم که معجر تو به پشت در گشته خاکستر

در آن آتش زدی فریاد مرا داده غصه ات بر باد

 خودم دیدم تن محسن به پشت در به خون افتاد

غروب تو خزان من وجودت آرام جان من

 چه کس بی تو شود مرهم به غمهای بی کران من

بمان پیشم بهار من بمان پیشم گلعذار من

 بمان مادر کنار من تو هستی دار و ندار من

مرو مادر وای مرو مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 19ـ واحد سبک[[134]](#footnote-134)

چشم مدینه اشک و قلب مدینه مضطر

 مولا دلش گرفته از غصه های کوثر

شب تا سحر می خونه حیدر زغصه و غم

 ای زندگانی من شرمندتم عزیزم

برخیز و بار دیگر زهرا مرا صدا کن

درد دل علی را با خنده ای دوا کن

 امشب بیا و رحمی بر حال مرتضی کن

یا فاطمه یا زهرا بی تو علی می میره

خیبر شکن شکسته ازناله شب تو

 زهرا بگو چه گویم از تو به زینب تو

خورشید عمر حیدر بعد از تو روی بومه

 دشمن به طعنه می گفت کار علی تمومه

عزت و احترام منو ازم گرفتن

 تنها جواب سلام منو ازم گرفتن

 دل خوشی مدام منو ازم گرفتن

یا فاطمه یا زهرا بی تو علی می میره

دختر عمو نگاهت آتیش زده به جونم

 مرو که بی تو زنده نمی تونم بمونم

الهی که مغیره رنگ خوشی نبینی

 منو به خاک نشوندی به خاک غم بشینی

فقط خدا می دونه که من چها کشیدم

به کی بگم که روشو سه ماهه من ندیدم

 تو کوچه و تو بازار چه حرفایی شنیدم

یا فاطمه یا زهرا بی تو علی می میره

زهرا علی بمیره بهر دل کبابت

 فکر حسین و کام تشنش شده عذابت

گفتی لب حسینم بوده علی عطش وار

 شبها یه کاسه آب بالا سرش تو بگذار

لب تشنه نور عینم در بین قتلگاهه

تنها و بی پناه و بی لشگر و سپاهه

 شمشیر کینه روی حلقوم پاک شاهه

یا فاطمه یا زهرا بی تو علی می میره

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

ترک20ـ واحد سبک[[135]](#footnote-135)

مرو از پیش علی ای همه دلخوشیم

به خدا با گریه هات فاطمه می کشیم

تموم امیدم تو بودی چرا از جدایی سرودی

پیش چشم بچه ها داری تو پرپر می زنی ای وای

این دم آخر شونه به موی دختر می زنی ای وای

نرو از کنارم خیلی جوونی ندیدم من از تو جز مهربونی

ای بهونه حیات ای همه تاب و تبم

می سوزم با حسنین پا به پای زینبم

می دونی که بی توغریبم نمونده قرار و شکیبم

چرا داری تو از من رو می گیری کشتی امیدم پهلو می گیری

چرا دست به روی بازو می گیری

یا زهرا یا زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک21ـ واحد سبک[[136]](#footnote-136)

شکشته حرمتت اما بمان تنها برای من

مشو راضی ببینی ناله ها و گریه های من

چرا خاتون من دائم تو گریانی چرا آرزوی حیدر پریشانی

چرا از دیدن رویم گریزانی بیا با من بگو از راز پنهانی

غریبم من

مرو ای یاس پژمرده مرو یار زمین خورده

اغیثینی یا مولاتی تو دریای کراماتی

همه ایل و تبارم نوکرت هستند یا زهرا

بود این افتخارم فاطمی هستم در این دنیا

حسینت خادم خود انتخابم کرد اباالفضلت بدین منصب خطابم کرد

ز سوز روضه های خود کبابم کرد و آخر زینبت نوکر حسابم کرد

عزیز الله

تبسم بر لبم دارم ولی کوه غم و دردم

میان هر نماز خود به همسایه دعا کردم

تمام مردم این شهر بی احساس و نامردند

 که تا هر جا که شد بر من بدی کردند

ره کوچه ز کینه روی من بندند به اشک غربت حیدر نظر کردند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک22ـ واحد سبک[[137]](#footnote-137)

گل خزان شده ام چراغ محفل من

دو چشم خود بگشا بخاطر دل من

ای همه هست علی رفته از دست علی داد از جدایی

زهرا یا زهرا

علی فدای تو و سرشک دیده تو

تویی امام من و منم شهیده تو

سیدی مولا علی کن حلالم یا علی داد از جدایی

زهرا یا زهرا

بهشت ختم رسل گل مدینه من

نفس به سینه شده شرار سینه من

شعله بر قلبم مزن از جدایی دم مزن داد از جدایی

زهرا یازهرا

همه مصیبت من بود مصیبت تو

بیا که گریه کنم برای غربت تو

تو زمن تنها تری بعد من بی یاوری داد از جدایی

زهرا یا زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک23ـ نوحه[[138]](#footnote-138)

بعد از تو این خانه شده غرق ماتم

بنگر که از داغت شده قامتم خم

هنوزم خون تو مانده بر دیوار نرفته از یادم یاد آن مسمار

حیدر از غصه خمید بیا و ببین شد امیدم نا امید بیا و ببین

چشم ترم مانده هنوز چشم به راهت

عشق علی بوده تمام گناهت

پس از تو گشته ام غرق سوز و آه بگویم درد دلهای خود با چاه

عقده ی دلم شده رخ نیلی ات بشکند دست کسی که زد سیلی ات

قسمت نشد زهرا کنارم بمونی

مونده فقط از تو یه گوشواره خونی

میان آن کوچه بین آن اعدا لگد با پهلوی تو چه کرد زهرا

پیش چشمان ترم تو را می زدند بسته بود بال و پرم تو را می زدند

ای وای از آن دم که تو در خون تپیدی

در بین آن آتش تو ضجه کشیدی

بیا فضه بنگر کشته شد محسن خدایا پشت در کشته شد محسن

چشم من غرق به خون دلم زار تو عاقبت گشته ام عزادارتو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک24ـ نوحه[[139]](#footnote-139)

یا در برم بمان و در شهر بی کسی ها رحمی به حال من کن

یا قبل از اینکه امشب بار سفر ببندی خیز و مرا کفن کن

آه کاش ای قرار حیدر چون ذوالفقار حیدر باشی کنار حیدر

ای یارم مرو به خدا می میرم دلدارم مرو به خدا می میرم

غمخوارم مرو به خدا می میرم

نامحرمم مگر که در خانه روی خود را از شوهرت گرفتی

از بچه ها شنیدم هر شب کفن دم خواب زیر سرت گرفتی

آه ای که مرا امیدی حرفی مگرشنیدی کز شوهرت بریدی

ای یاس کبود می روی از پیشم پس چی شد که زود می روی از پیشم

این رسمش نبود می روی از پیشم

شرمنده ام که آخر در خانه علی شد این گونه روز و حالت

تو تازیانه خوردی پس من چرا عزیزم باید کنم حلالت

آه جان بر لبم رسیده آن بانوی رشیده حالا شده خمیده

پهلویت شکست چه به روزت آمد بازویت شکست چه به روزت آمد

ابرویت شکست چه به روزت آمد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک25ـ نوحه[[140]](#footnote-140)

بر لب آمد نفس آخرم ای علی جان بنشین در برم

غیر از این نیست چاره ای دیگرم

خسته حالم کن حلالم

در این زمانه ای که نقشه می کشند برای تو علی

عجب سعادتی که فاطمه شود فدای توعلی

الوداع الوداع حیدر حیدر

من که مردم در کنارم بمان پیش جسمم کمی قرآن بخوان

جان زهرا جلوی کودکان

راحتم کن گریه کم کن

مرا ببخش اگر که رفتنی شده امید آخرم

سپرده فاطمه امور خانه را به دست دخترم

الوداع الوداع حیدر حیدر

غربت تو شعله بر دل کشید زخم پهلوت نفسم را برید

 از جوانی شده ام نا امید

این همه درد خسته ام کرد

جدا شوم ز تو قرارما ولی زمین کربلا

کنار پیکری که سر ندارد و فتاده زیر پا

یا حسین یاحسین ارباب ارباب

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

مجلس ششم، روضه شام غریبان

ترک 01ـ روضه[[141]](#footnote-141)

چه روی نیلی و موی سپیده ای داری

وجود خسته و قد خمیده ای داری

چه پیکری چه جمالی چه گوش مجروحی

چه بازوان کبود و شهیده ای داری

برای شستن تو آب دیده ای دارم

برای کشتن من زخم دیده ای داری

به روی شانه حیدر چه می کنی زهرا

چه دیده گان به خون آرمیده ای داری

حجاب ناله من آستین پیرهنت

ببین چه شوهر غربت کشیده ای داری[[142]](#footnote-142)

حیدر گریونه گوشه خونه امشب تابوت مادر زینب

 قاتلم امشب زخم بازوته جای پای کی روی پهلوته

نگفتی آخر چی شد پشت در

بمیره حیدر

در ازجا افتاد رو زهرا افتاد کوچه غوغا شد

اون چهل نفر رد شدن از در ناله زد تنها محسنو کشتن دیگه مولا

به قصد کشت زد سیلی نه مشت زد

بمیره حیدر[[143]](#footnote-143)

روایت می گه امشب که داشت بدن رو غسل می داد یه دستیار داره ـ اسما بنت عمیس ـ بچه ها هم ایستادند، فقط فضه، اسما، حسن و حسین، زینب و ام کلثوم؛ بچه ها دست گردن هم انداختند، بیشتر از همه حسن دل نگرانه، می دونه چه خبره! تا حالا حرف نزده ـ الان رازها برملا می شه ـ «بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی مله رسول الله» علی آماده غسل دادن شد، بدن رو داره غسل می ده، اسما داره آب می ریزه، بچه ها می خوان جلو بیاند اما جرات ندارند، می گند غصه های بابا برای خودش بسه، ما درد دلشو زیادتر نکنیم، بدن رو غسل داد، با چه کیفیتی بدن رو کفن کرد، بند های کفن رو محکم کرد، یه نگاه گوشه حیاط کرد، فرمود: «هلموا تزودوا من امکم» ـ بیاید توشه بردارید از مادر ـ انگار منتظر اذن بودند، اول حسنین دویدند خودشون رو بدن مادر انداختند، خود مولا این روضه رو نقل کرده، فرمود خدا شاهده دیدم بندهای کفن باز شد، اول فاطمه یه آهی کشید، بعد دیدم دو تا دست فاطمه بیرون اومد، حسن رو در آغوش گرفت، حسین رو در آغوش گرفت ـ امشب دست شکسته هم به مدد اومده ـ حسین رو هم با دست شکسته درآغوش گرفت، مولا می گه شنیدم منادی بین زمین و آسمان صدا می زد: علی بچه ها رو جدا کن از رو بدن مادر، ملائکه خدا طاقت ندارند، اینجا کنار این بدن بچه ها رو نمی زدند، ملائکه طاقت نداشتند، بمیرم برا اون لحظه ای که دختر اومد کنار بدن بابا یه عده تو گودال ریختند، «حتی جرّوها» بدنش رو مجروح کردن...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02 ـ روضه[[144]](#footnote-144)

وای اگر بند کفن وا شود ملک و ملک در غم زهرا شود

ولوله شد بند کفن باز شد تازه غم فاطمه آغاز شد

دست خدا از کفن آمد برون فاطمه آغوش گشود از درون

امیرالمومنین می فرماید: والله دیدم بندهای کفن باز شد، دستهای زهرا بیرون اومد، گردن دو تا بچه هاشو گرفت،بی بی جان بچه هاتو در آغوش گرفتی اما کربلا وقتی کودک اومد رو سینه بابا ـ اون بابایی که سر در بدن نداشت ـ گفت بابا منو دریاب، بابا پاشو ببین عمه رو دارند می زنند، عوض اینکه بچه رو تسلی بدند، یه عده اومدن با نیزه بچه رو بلند کردن بعضی ها می گند تازیانه زدند...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03 ـ روضه[[145]](#footnote-145)

نیمه شب است و مانده علی که چه ها کند

باید بساط غسل کسی را بپا کند

حیدر بنا نداشت که بی فاطمه شود

 اما بناست خانه قبری بنا کند

با گریه کار غسل خودش را شروع کرد

باید که مثل شمع نباید صدا کند

بعد از سه ماه رو زدن و رو ندیدنش

وقتش رسیده فاطمه را رونما کند

هر عضو شستشوش را یکی ز هوش برد

مانده علی چه با جگر بچه ها کند

دستش کجا رسید که دادش بلند شد

 مجبور شد که کار خودش را رها کند

مانده که گرم شستن زخم تنش شود

یا فکر جابجا شدن دنده ها کند

زهرا چه راحت است علی پرجراحت است

دنیا نخواست با جگرش خوب تا کند

بی تو این شب شب غم بار مرا می بیند

درد این درد چه بسیار مرا می بیند

جز تو، یک شهر دل آزار مرا می بیند

چشمت انگار که این بار مرا می بیند

ولی انگار نه انگار مرا می بیند

باز کن پلک که از خانه خجالت نکشم

بی تو از آه یتیمانه خجالت نکشم

شانه ای زن که از این شانه خجالت نکشم

تو و پیراهن مردانه خجالت نکشم

چشم بی جان تو ای یار مرا می بیند

زحمت دختر تب کرده تو را خوب نکرد

اشکش افسوس که سر درد تو را خوب نکرد

روی نیلی شده زرد تو را خوب نکرد

زخم های جگر مرد تو را خوب نکرد

چه کنم دخترکت زار مرا می بیند

با که گویم تن بیمار چرا خونین است

سنگ غسلت در و دیوار چرا خونین است

باز می شویم و هربار چرا خونین است

انحنای نوک مسمار چرا خونین است

وای از این میخ که خون بار مرا می بیند

قاتلت گفت که یار محنش را کشتیم

خوب شد پای علی سینه زنش را کشتیم

نه فقط او حسنش را به کنارش کشتیم

می زند داد به لبخند زنش را کشتیم

تا که در مسجد و بازار مرا می بیند

آه از آن روز که کارم به تماشا افتاد

رد پایی به روی چادرت آنجا افتاد

من زمین خوردم و بانوی من از پا افتاد

ضربه ای آمد و بر بازوی تو جا افتاد

باز این روضه دشوار مرا می بیند

قنفذ از راه همان لحظه که آمد می زد

تازه می کرد نفس را و مجدد می زد

وای بر حال مغیره چقدر بد می زد

جای هرکس که در آن روز نمی زد می زد

باز با خنده در انذار مرا می بیند

می روی زخمی و زخم دل من با قی ماند

راز سربسته چشمان حسن باقی ماند

کفنت می کنم اما دو کفن باقی ماند

کهنه پیراهن یک پاره بدن باقی ماند

پسرت بی سر و دستار مرا می بیند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ ضرب تک[[146]](#footnote-146)

ای وای از این مدینه آقا تو فکر اینه

باید چجور لحد رو رو صورتت بچینه

امشب داره میاره تابوت وای من

تازه دیده شکسته پهلو وای من

بسکه غم و غصه دیدیم دیگه همگی بریدیم

امشب مث آسمونا بی تو ما سیاه پوشیدیم

مادر پاشو ببین چقدر بابا پیر شده

 بابا بذار ببوسمش نگو دیر شده

گفتی وصیتاتو دیشب به ما تو خونه

گفتی که باشه قبرت مخفی و بی نشونه

بابا می ذاره سر به دیوار وای من

 می گه به تو خدانگهدار وای من

بوده پیرهنت پر از خون چشم حسنت پر از خون

امشب با ماها می بینه باز شد کفنت پر از خون

مادر پاشو ببین چقدر بابا پیر شده

بابا بذار ببوسمش نگو دیر شده

امشب کنار جسم بی جون تو می شینم

کی باورم می شد که غسل تو رو ببینم

امشب چه روضه ای بپا شد وای من

 بند کفن تو که وا شد وای من

ازاین مدینه تو سیری حالا که تو داری میری

بازم حسن و حسینو با دست خودت می گیری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ ضرب تک[[147]](#footnote-147)

دردای من بی درمونه حیدر امشب سرگردونه

چرا به من نگفته بودی که پیکرت مث خزونه

رو این کفن گلای زخمت زده جوونه

باز دوباره چشاتُ واکن عزیزم

منو نگا کن که دارم رو لحدت خاک میریزم

یا زهرا

چشما سرخه دلها مضطر با نجوای مادر مادر

ببین دارم آتیش می گیرند ببین گلات دارن می میرند

تو این سکوت حتی نمی شه زبون بگیرند

کاشکی می شد پیش مزارت بمونم

علی رو هم خاک بکنن تا که کنارت بمونم

یا زهرا

سیل خونه اشکای من از دستم رفت دنیای من

به کی بگم چه حالی دارم با بغضی که توی گلومه

تو رفتی و منم مث تو کارم تمومه

قاتل من آتیش این صبر منه

دیگه از امشب خونمون بدون تو قبر منه

دنیا پر شد از بوی یاس تا از مرکب افتاد عباس

یه تشنه لب کنار دریا رو دامن یه قد خمیده

رها شده رو خاک صحرا دست بریده

فاطمه شد مادر سردار حسین

مادر سقای حرم عباس علمدار حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ ضرب تک[[148]](#footnote-148)

غم و غصه ات سر اومد چه عذابی کشیدی

حالا بعد از دو سه ماه دیگه راحت خوابیدی

بی مادری سخته برای یه دختر مادر

داری میری از خونه با بابا حیدر مادر

منم ببر مادر

چه غریبونه بردنت چرا شبونه بردنت

مگه نمی شد راه بری که روی شونه بردنت

داره بغضم دلمو دیگه از جا می کنه

کجا دیدی عزادار نتونه داد بزنه

خدا کنه بعد تو زنده نمونم مادر

 بابا می گه بی صدا روضه بخونم مادر

نمی تونم مادر

آخه بگو مگه می شه بی صدا اشکی جاری شه

کسی که مرده مادرش اسفند رو آتیشه

دیگه مادر چی بگم موقع غسل تنت

دوباره یادم اومد که چطور می زدنت

بابا می زنه به سر و سینه با مشت مادر

صورتی که پر شده از جای انگشت مادر

علی رو کشت مادر

جراحت های پیکرت می مونه یاد دخترت

تا روزی که می بینمت پیش حسین بی سرت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07ـ ضرب تک[[149]](#footnote-149)

خزونه دلم خونه شبونه روضه می خونه

هوای چشمای حیدر اسیر باد و بارونه

دل زینب پریشونه دیگه آروم نمی مونه

علی از غصه گریونه علی پاره گریبونه

یه تابوت داره رو نشونه

علی اشکاش سرازیه علی سمت بقیع میره

داره میره غریبونه

داره بابا می خونه با ناله و سوز و آه

به عزت و شرف لا اله الا الله

خدا علی غریبه

ستاره می باره از تو چشمایی که غم داره

 تو کوچه نوای سوز دشتستون و نی زاره

علی دلخونه و زاره یا زهرا میگه همواره

شب درده شب تاره علی امشب رو بیداره

 که وقت تشییع یاره

علی دید یار دیرینش کبوده زخمیه سینش

 گلش زخمی مسماره

داره بابا می خونه با ناله و سوز و آه

 به عزت و شرف لا اله الا الله

خدا علی غریبه

تو دریا تو صحرا تو این دنیا و اون دنیا

 دل عاشق پر از خون از غم مادر غم زهرا

تو دلها هر نفس غوغا ولی وای از دل مولا

دل طوفانی دریا دل بابا دل بابا

 داره جون میده واویلا

دل شب از غم مادر می ریزه خاک غم بر سر

 غریب روز عاشورا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ نوحه[[150]](#footnote-150)

بنال ای دل بسوز ای دل شب شام غریبان است

علی از دیده گریان و مدینه بیت الحزان است

مدینه گریه کن امشب که بی مادر شده زینب

واویلا آه و واویلا

امیرالمومنین امشب کفن کن جسم زهرا را

ز اشک دیده دریا کن تمام دشت و صحرا را

امیرالمومنین امشب کنار تربت زهرا

بنال آهسته آهسته کنار تربت زهرا

مدینه گریه کن امشب که بی مادر شده زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09ـ نوحه[[151]](#footnote-151)

آخر چگونه باید باور کنم پس از این دیگر تو را ندارم

گویا که دارم امشب تابوت مرگ خود را بر شانه می گذارم

آه این روزگار نامرد بر روز من چه آورد ما را ز هم جدا کرد

ای روح علی بروی می میرم ای نوح علی بروی می میرم

مجروح علی می میرم

این پیکر نحیفت سنگینی فلک را بر روی دوشم انداخت

آخر چه می شد اسما تابوتی هم برای این دل شکسته می ساخت

آه ای دختر محمد روز شکستم آمد داغت مرا زمین زد

یا ام الحسن علی از پا افتاد بنگر جان من علی از پا افتاد

پیچید این سخن علی از پا افتاد

هنگام شستنت تا دست علی به سوی بازوی پر ورم رفت

سر را زدم به دیوار یک لحظه از مدینه تا علقمه دلم رفت

آه با قامتی خمیده می بینی ای حمیده دست ز تن بریده

ای راز خدا به امید دیدار تا یوم العزا به امید دیدار

تا کرببلا به امید دیدار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10ـ واحدسبک[[152]](#footnote-152)

اون که رو دوش باغبونه تابوت یک یاس جوونه

 یاسی رو که گلبرگاشو شسته با زحمت

یه دونه از گلبرگ اون داشته جراحت

یاسی که مهربونه داره میره شبونه

با پا اومد تو باغ و حالا میره رو شونه

وای مادرم وای مادر

موقع دفن گل طاهاست باغبون اما تک و تنهاست

نه محرمی نه همدمی نه دستیاری

دست تنهایی سخته آخه به خاک سپاری

برا نبی امت آورده یک امانت

شرمنده سر به زیره از این همه جراحت

وای مادرم وای مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک11ـ واحد سبک

حیدر شده آواره بین کوچه ها آه و واویلا

 تابوت مادر روی دوش بچه ها آه و واویلا

تو سوخته ای در غم های حیدر افتاده ای پیش پای حیدر

سوز و گداز شبهای حیدر

فاطمه ای یاس قد کمان فاطمه ای بانوی بی نشان

فاطمه یا بضعه المصطفی

جسمت چرا لاغر شده بانوی من آه و واویلا

رویت چو گل پرپر شده بانوی من آه و واویلا

رفتی ز پیشم سرباز خسته پهلوی نازت را کی شکسته

خون ریزد از سینه لخته لخته

حک شده بر صورتت دست کین شد علی بعد تو خونه نشین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجلس هفتم، روضه بعد از شهادت

ترک01ـ روضه[[153]](#footnote-153)

گفتند یکی دو روز از شهادت پیغمبر گذشته بود امیرالمومنین آمد مسجد، ولی چند روزه گذشته خبری از علی نیست، یکی جرأت کنه بره در خونه رو بزنه...گفت رفتم در خونه رو زدم، دیدم دختر علی در رو بازکرد، گفت وارد که شدم با یه منظره ای مواجه شدم خیلی حالم بدشد، دیدم رو یه زانوش حسن رو قرار داده، رو یه زانوش حسین رو، علی داره دست نوازش به سر این دو بزرگوار می کشه، آروم آروم گریه می کنه، آن مرد می گه سلام کردم گفتم آقا جان چه می بینم؟ فرمود: بعد زهرا من خانه نشین شدم، گفتم آقا ازت خواهش می کنم که بلند شی، بری مسجد یه حال و هوایی عوض کنی، اشکش جاری شد؛ گفت بعد زهرا نمی خوام زنده بمونم، منتهی تا من این پیشنهاد رو دادم، بچه هاش یه حال وجدی گرفتند، مثل اینکه منتظر بودند یکی بیاد بابا رو از تو خونه ببره بیرون اینا بتونن راحت گریه کنند، به خادمها گفتم لباسهای آقا رو بیارید، به هر وضعی بود لباسو آوردند دوباره خواهش کردم به خاطر پیغمبر پاشو بریم لباس رو پوشید؛ ابن عباس می گه همچین که لباسها رو پوشید، به آستانه در که رسید یک وقت دیدند نشست، گفت آی کجایی فاطمه؟! روح و روانم... گفت بخدا همین جا بود فاطمه مو کشتن...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ روضه[[154]](#footnote-154)

سامان من به هم اگر این گونه خورده است

آرامش مرا غم هجر تو برده است

دیروز تا کنون چقدر خورده ام زمین

از دخترت بپرس همه را او شمرده است

زینب اگر نبود علی نیز مرده بود

داغت مرا به موج هلاکت سپرده است[[155]](#footnote-155)

از دیشبی که جسم تو را دفن کرده ایم

طفلک حسین لقمه غذایی نخورده است

دور و بر لب حسنم سرخ و زخمی است

از بس سکوت کرده و دندان فشرده است

خیره شده به نقطه ای و گریه می کند

آن روز را هنوز زخاطر نبرده است

مقداد صبح آمد و می گفت یا علی

فهمیدم از چه بود که یار تو مرده است

اینها و نبش قبر تو هیهات فاطمه

آسوده باش شوهر تو که نمرده است

دیگر زمالیات مغیره معاف شد

 اینها همه ز کشتن تو آب خورده است

داشت از خونه امیرالمومنین می رفت، دید دومی ملعون با اولی ملعون تر از خودش دارن میان، گفتند مقداد کجا داری می ری؟ مگه برا تشییع جنازه نمیای؟ فرمود: دیر اومدید دیشب حبیبه خدا تشییع شد، بدن دفن شد؛ ـ ای بی حیا مردم، آخرین صدمه ها رو هم تو کوچه زد خیالش راحت بشه فاطمه رفتنیه، عیادتم که اومدند می خواستند خیالشون راحت بشه که کارشونو انجام دادند، حالا برا تشییع اومدند ـ گفت این چه رسمیه؟ بدن پیغمبرُ تنها دفن کرد، بدن فاطمه رو تنها دفن کرد، چرا علی ما رو خبر نکرد ؟ مقداد گفت: اصلا بخاطر همین شما رو خبر نکرد ـ وصیت بی بی بود اونایی که رنجانده بودنش، راضی نبود در تشییع جنازش حاضر بشند ـ دید بد داره آبروش میره، نانجیب عصبانی شد چنان سیلی تو صورتش زد، این یار با وفای علی رو زمین افتاد، دیدند داره گریه می کنه، به کنایه گفت: علی دلشو به کی خوش کرده؟ به تو هم می گن یار علی؟! طاقت یه سیلی منو نداری؟!! فرمود: نانجیب من برای خودم گریه نمی کنم فقط به من بگو ببینم آیا بی بی رو هم با همین دستت زدی...

نانجیب اومد دم درخانه مولا، علی چرا مارو خبر نکردی بر بدن دختر رسول خدا نماز بخوانیم؟ فرمود: وصیت خود فاطمه بود، حبیبه خدا خودش فرموده بود «کفّنی بِاالَّیل غسِّلنی باالَّیل» علی نمی خوام اینا باشند، نمی خوام کسی با خبر بشه؛ نا نجیب رفت جلو مولا اما جرأت نکرد بگه، خبر رسوندند به علی آقا نشستی تو خونه اینا دارند میرند قبرها رو بشکافند ـ می گه ما باید بدن دختر رسول خدا رو از قبر بیرون بیاریم با احترام نماز بخونیم و بدن رو دفن کنیم ـ دیدند مولا از جا بلندشد، دیگه این حیدر اون حیدر نیست، ذوالفقارُ برداشت، جامه زردی که همه می دونستند وقتی علی این رو تن می کنه دیگه کسی جلودارش نیست هم پوشید، اومد روی دیوار قبرستان بقیع نشست مانند شیر غضبناک ذوالفقارُ رو زانو گذاشته، نانجیب فکر می کرد این علی همون علیه، گفت علی کنار برو ما باید بدن رو دربیاریم و بر بدن نماز بخونیم؛ مولا فرمود: اون روز مامور به صبر بودم اما امروز این ماموریت رو ندارم، اگه اینجا سنگی جابجا بشه این زمین رو از خونتون سیراب می کنم، باز جلوتر اومد، یه مرتبه دیدت اسدالله از جا بلند شد با یه اشاره ای این نانجیبُ رو زمین زد، نشست رو سینه اش، انگشتان حیدریشُ روی حلقومش قرار داد، فرمود: می کشمت نانجیب، اومدی بدن فاطمه منو بیرون بکشی؟ یک وقت دیدند همه اومدن علی رو دوره کردند، اولی ملعون می گفت: به حق رسول خدا رهاش کن، اما من بمیرم اون روز تو کوچه هرکی رسید فاطمه رو زد، یه نفر نیومد جلو، یکی وساطت نکرد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ روضه[[156]](#footnote-156)

وقتی بچه ها اومدند کنار قبر، با ادب دست به سینه گذاشتند: «السلام علیکِ یا اماه» ـ نیمه شب چقدر سخته صاحب عزا نتونه گریه کنه ـ ابی عبدالله نیمه شب اومد زیارت مادرش، این کار رو مادر هم جواب داد، آن زن میگه دیدم صدای ناله جانسوزی از کنار تنور میاد، یکی میگه مظلوم مادر، غریب مادر حسین... مادر شنیدم تو رو با لب تشنه کنار نهر آب کشتند، اف بر این مردم،« لعن الله من قتلک و لعن الله من ظلمک بالایدی و الالسن» تو یه روز جات رو دامن من بود، یه روز جات رو سینه پیغمبر بود، این وقت شب می بینم در تنور تو رو قرار دادند...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ ضرب تک[[157]](#footnote-157)

چشمایی که پر بارونه وا اماه خیره به گوشه ای می مونه وا اماه

اینجا بدون تو زندونه وا اماه

سوت و کوره خونه

رفتی و جای تو چه خالیه این یه روزم مث یه سالیه

 بی تو ببین بابا چه حالیه وای

تو رفتی و از دیشب صاحب عزاته زینب

اشک بابا دلمو کنده پارچه سیاه داره می بنده

قاتل تو ولی می خنده

وای از این زمونه

کم نمی شه غم و بلای ما خونه نشین شده بابای ما

بدتر از این چیه برای ما

ببین چقدر مظلومه می سوزه و آرومه

رد می شم از کنار دیوار دنیا می شه رو سرم آوار

 آخ که هنوز لبه مسمار

 لکه های خونه

چی کار کنم با ماجرای تو آتیش زده من و عزای تو

 تو گوشمه سفارشای تو

تا حرفت اومد یادم حسینتُ آب دادم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06ـ ضرب تک[[158]](#footnote-158)

شب بارونه چه غریبونه

شب هفت تو به پاشد گوشه خونه

دیگه تو سجاده تو چادر خاکی سرمه

خونی که رو میخ دره یادگار مادرمه

دلم گرفته از دنیا شبا از این خونه بابا

میره سر خاک مادر واویلا

باغمون زرده دلا پر درده

کاش می شد باز مادرم به خونه برگرده

تا دیگه گریه نکنه اونقده اون به پیش من

گوشواره شکسته رو می گیرم از دست حسن

همش می خونه وا اماه خودم دیدم اون روز تنها

تو کوچه دستی رفت بالا واویلا

با دل بی تاب به هوای آب

نیمه شب هی داداشم می پره از خواب

خالیه جات تا ببینی بی تو چقدر غصه دارم

شبا بالا سر حسین یه کاسه آب می ذارم

خدا می دونه عاشورا عطش که می گیره بالا

 چه جور سرش رو میبرن واویلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ واحد سبک[[159]](#footnote-159)

مادرم راحت شدی زیر این خاکا بخواب

دیگه درد نمی کشی دور از این دردا بخواب

 مادرم غصه نخور کارای خونه با من

حسن و حسین با من عشق بچه ها بخواب

مادرم مردم شهر همه آروم خوابیدن

دوباره صبح پا می شن ولی تو اینجا بخواب

خیلی حرف دارم ولی بمونه برای بعد

فقط اینو بت بگم: بیچاره بابا! بخواب

مادرم منو ببخش بگو چادرت کجاست

نصفه شب می پوشمش تو نماز شبا بخواب

مادرم عصری بابا داشت درُ درست می کرد

داشت خونا رو پاک می کرد با همون عبا بخواب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**مجلس هشتم، روضه های ناب**

ترک 01

**حاج منصور ارضی**

نشستند خدمت رسول الله، یک نفر اعرابی وارد شد سلام کرد، پریشون بود، پیغمبر صدا زد چی شده؟ گفت یک خواب بدی دیدم، چه خوابی دیدی؟ خیره انشاءالله، گفت دیشب خواب دیدم طاق خونمون رو سرم خراب شد، فرمود: خیره، برو صدقه بده؛ اصحاب خاصه گفتند یا رسول الله، تعبیر این خواب چیه؟ فرمود: همسرش از دنیا میرود...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02

**حاج محمود کریمی**

می دونه مادر نمی تونه بغلش کنه، شبها می آمد کنار مادرـ دیگه بچه ها خودشون رو تو بغل مادر نمی اندازند ـ می آمد می نشست کنار مادر... سرش رو آروم می آورد جلو، آخه بچه به گرمی دست مادر احتیاج داره، سر رو که می آورد پایین مادر آروم دست می کشید رو سرش...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03

**حاج محمود کریمی**

اگه مادر حرف بزنه، یک سرفه کنه سریع روی پیراهن یک گل سرخ ظاهر می شه، پیراهن مادر گل دار می شه، حرف نزنی بهتره خانمم...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04

**حاج سعید حدادیان**

حجم این پیکر چرا کوچک شده هیجده ساله چنان کودک شده

آخه کنار قبر بابا ناله می زد: «ذاب لحمی»ـ دیگه همه گوشت تنم آب شده ـ خود امیرالمومنین می فرمود: دیگه از زهرا چیزی نمانده بود، یک خیالی باقی مانده بود....

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05

**حاج سید مهدی میرداماد**

کاری که غلاف شمشیر با مادر ما کرد، تو کربلا تیر سه شعبه با حسین کرد؛ چرا؟! آخه وقتی تیر به قلبش زدند هر کاری کرد از جلو تیر رو در بیاره نشد، خم شد تیر رو درآورد، عبارت مقتل اینه: می گه تا تیر رو درآورد « فَسَقطَ عَلی خَدِّه الأیمَن» حسین با صورت افتاد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06

**حاج سعید حدادیان**

اسماء اومد ملاقات، فرمود: اسما دارم از دنیا میرم اما یک ناراحتی دارم، ناراحتیم اینه از تشییع جنازه تو مدینه راضی نیستم، یک جوری تشییع می کنند حجم بدن معلوم می شه... ببین کار به کجا رسیده حرفا اینجوری شده! خدا نیاره حال مریض یک جوری بشه خودش هم بدونه دیگه موندنی نیست، دور و بری ها هم بدونند، این سخت ترین وضعه؛ هم اونیکه نشسته می دونه، هم اونیکه تو بستره می دونه کار تمومه، دیگه حرفی از دلداری نزد اسما، کاش می گفت بی بی جان انشاء الله حالت خوب می شه، معلومه انقدر اوضاع بی بی وخیم بوده دیگه جای این حرفا نبوده، لذا گفت بذار دل خانمم رو خوش کنم، عرضه داشت خانم جان، در یمن و ایران برای تشییع جنازه عماری و تابوت درست می کنند، از حصیرها استفاده کرد، یه نمونه درست کرد جلو چشم بی بی ـ بعد پیغمبر کسی لبخند بی بی رو ندیده بود ـ اسماء می گه من که نمونه تابوت رو درست کردم بی بی یک نگاه کرد، لبخند زد فرمود به علی بگو از اینها برام درست کنه...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07

**حاج سعید حدادیان**

فرمود: علت قتل مادرم زهرا ضربات غلاف شمشیر بود که به بازوی مادرم می زدند،.. آدم از بازو درد نمی میره والله، کسی با شکستن بازو از دنیا نمیره، اینا استعاره است، برای ما نگفتند چه به روز زهرا آمد، اما اگر غلاف به بازو بخورد به سرهم می خورد، به صورت هم می خورد، اگر غلاف به بازو بخورد به بدن هم می خورد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08

**حاج سعید حدادیان**

بین در و دیوار داشت می افتاد، چشمها سیاهی رفت، یک ذره مونده بود صورت به زمین بخوره فضه دوید بغلش کرد کاش اون شبی هم که رقیه از شتر افتاد یکی می آمد بغلش می کرد، کاش وقتی عباس با فرق شکافته و چشم تیر خورده رو زمین افتاد یکی می اومد سرش رو به دامن می گرفت کاش اون ساعتی که ...

بلند مرتبه مردی ز صدر زین افتاد اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**مجلس نهم، واحد و شور فاطمی**

ترک 01ـ واحد سبک[[160]](#footnote-160)

السلام ای ثمر عمر پیمبر زهرا

داده طاها لقبت حضرت مادر زهرا

کفو و همتای علی فاتح خیبر زهرا

به ائمه شده ای حجت اکبر زهرا

التماسیم و به الطاف شما محتاجیم

با همان دست دعا کن به خدا محتاجیم

وقت آن است که از خاک تو زر جمع کنیم

چادرت را بتکانی و قمر جمع کنیم

باید از بین کلام تو نظر جمع کنیم

باز هم خطبه بخوانی و گوهر جمع کنیم

آن کسانی که به آیین خدا محتاجند

به بیانات تو در دین خدا محتاجند

با ولای تو نوشتند نجات ما را

با تو امروز نداریم غم فردا را

پس نگیر از لب ما خواهش یا زهرا را

انقلاب تو گرفته است همه دنیا را

از علی و غم او صحبتی آغاز نما

سفره درد غریبانه خود باز نما

چند وقتی است سرم روی تنم می افتد

دست من نیست که گاهی بدنم می افتد

نقش لاله به روی پیرهنم می افتد

دست من کار کند مطمئنم می افتد

من چگونه بپرم بال و پرم سوخته است

به خدا بیشتر از تو جگرم سوخته است

من ز تب کردن و بیمار شدن خسته شدم

بر سر خادمه سر بار شدن خسته شدم

با تن سوخته تب دار شدن خسته شدم

من از این دست به دیوار شدن خسته شدم

شانه از دست من افتاد دل زینب سوخت

چشم من بر حسن افتاد دل زینب سوخت

آنقدر آب شدم من که تنی نیست که نیست

مثل تصویر شدم من بدنی نیست که نیست

جز حلالم کم علی جان سخنی نیست که نیست

هرچه گشتم به خدا یک کفنی نیست که نیست

کاش که زودتر این پیرهن آماده شود

بهر فردای حسین این کفن آماده شود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ واحد سبک تند[[161]](#footnote-161)

دل تنگ دیدار صحن بقیعم می شه روز محشر باشی شفیعم

بانوی عالمی هستی خاتمی تو اسم اعظمی یا زهرا

یاسین و هل اتی ای جان مرتضی بانی کربلا یا زهرا

یا فاطمه مدد یا زهرا

اسوه ایمان وتقوا و عفاف آسمون دور سرت گرم طواف

لطف تو بی کرون بانوی مهربون قلب تو آسمون یا زهرا

خورشید عصمتی بانوی جنتی تو روح رحمتی یازهرا

یا فاطمه مدد یا زهرا

در حق این عالم باز مادری کن عالم رو با فریادت حیدری کن

مادر تو روضه ها گل کرده بر لب من امشب این نوا

ای روح هل اتی امشب از تو می خوام روزی کربلا

حسین یابن الحیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ واحدسبک تند[[162]](#footnote-162)

سرم پیکرم فدات دلبرم که دلداده دلبرم حیدرم

به فردوسیان کنم ناز چون که من اهل فردوس پیغمبرم

یقین گر که سائل این درم و گر نوکرم فاطمه ست مادرم

ببینه الهی چشم ترم که دارند رو قبرش می سازن حرم

دوباره سیاهی پیراهنی دوباره عزا روضه سینه زنی

دوباره یاس پرپر دوباره فاطمیه عزا عزای حیدر

دوباره فاطمیه دوبازه هیزم ودر دوباره فاطمیه مجلس ختم مادر

دوباره فاطمیه بازم گریه دل سیر دوباره وای مادر بازم غلاف شمشیر

دوباره وای مادر زهرا کشی با تکبیر دوباره وای مادر یه هجده ساله پیر

دوباره وای مادر

بای ذنب قتلت مادر عشق حیدر

دل خون شکست چه محزون شکست قد لیلی و قلب مجنون شکست

کبوتر پرش پر از خون شکست دل جوجه های هراسون شکست

حرم حرمتش چه آسون شکست ز گل غنچه افتاد و گلدون شکست

علی موند و چاه و غم غربتش ضعیف شد دیگه نقطه قوتش

نه ساله بی گلایه بیچاره کرد علی رو خورشید زیر سایه بیچاره کرد علی رو

کوثرآیه آیه بیچاره کرد علی رو مغیره و کنایه بیچاره کرد علی رو

سرُ درون چاه کرد زهرا منو حلال کن گریه با سوز و آه کرد زهرا منو حلال کن

چه با تو یک سپاه کرد زهرا منو حلال کن علی فقط نگاه کرد زهرا منو حلال کن

بای ذنب قتلت مادر عشق حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ واحد سبک[[163]](#footnote-163)

منظومه کرم بی بی بی حرم کاش سید بودم و بودی تو مادرم

ولی شنیدم هرکی که دوست داره می تونه بهت بگه مادر

مادر نوکرت محشر اگه گرفتاره می تونه بهت بگه مادر

مادر یا ام الشهدا

ای درد وغم چشان بانوی بی نشان بریاری علی رفتی کشان کشان

حیف که دیدنت بی یار زدنت سیلی توی کوچه های نامردی

صد بارمردی و زنده شدی تو زخمی با حسن به خونه برگردی

مادر در بین کوچه ها مادر بی کس بودی چرا

مادر یا ام الشهدا

از غم تو در تبی زار وجون به لبی بیشتر از همه کس در فکر زینبی

فکر سفرش هستی سفری که با سالارش میره کربلا

یاد عطش حسین توی گودالی لحظه غروب عاشورا

مادر گریان کربلا مادر یا ام الشهدا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ واحد سبک[[164]](#footnote-164)

حجت الله القائم انتقم یا منتقم

العجل یا بقیه الله یابن زهرا آجرک الله

فاطمیه شد صاحب عزایی

مادرت گوید مهدی کجایی کی میایی

العجل العجل یابن الزهرا

یک شب از درد پهلو یک شب از درد بازو

خواب راحت مادر ندارد قصد ماندن دیگر ندارد

مادر زینب یارب جوان است

 بر رخش جای سیلی عیان است

قد کمان است

العجل العجل یابن الزهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06ـ واحد سبک تند[[165]](#footnote-165)

دو تا خورشید دوتا ماهند دو تا چشمه دو تا دریا

یکی ساقی یکی کوثر یکی حیدر یکی زهرا

دو تا آسمون کهکشون اما بی قرینه

هر دو تا جوون مهربون تو شهر مدینه

دو تا نور ناب نابند هر دو تاشون آفتابند

دو تا مظهر زلالی دو تاسرچشمه آبند

دو تا قبله توی قلبا دو تا کعبه روی دنیا

یکیشون بابای آدم یکیشون مادر حوا

هر دو تا نور تجلی اهالی عرش بالا

روی خاک قدم نهادن براخاطر دل ما

یه خدا و یه جهان ویه خیابون که بین الحرمینه

دو تا گنبد دو تا مرقدکه برای اباالفضل و حسینه

خدا رو شکر که می تونیم نوکرای عزیز زهرا باشیم

سینه زنها چی می شه تایه محرم همه کربلا باشیم

خدا رو شکر که چشامون جز برای حسین دریا نمی شه

آی گداها بیاین که مث این شاه کسی پیدا نمی شه

شب بارون با دل خون دل مجنون هوای لیلا داره

شب گریه زیر بیرق دل عاشق هوای کربلا داره

از ازل فاطمه مادرم بوده پسرش مونس و دلبرم بوده

روز محشر اگرم پسر نگه میگه این غلام اکبرم بوده

اولین خیمه ای که برات زدم با چادر سیاه مادرم بوده

بعد مرگم می دونم میگن یا حسین جمله آخرم بوده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ شور[[166]](#footnote-166)

فاطمیه هر چی گل یاسه تو دنیا پرپر می شه

فاطمیه آی نوکرا اربابمون بی مادر می شه

دلای بی تاب راهی کربلاشه مادر ارباب مادر نوکراشه

دستم به دامنت مادر کربلا می خوام

فاطمیه حس می کنی چادر خاکی پرچم شده

فاطمیه حس می کنی باز دوباره محرم شده

یه روز ایشالا که عاقبت بخیر شم برا حسینش یکی مث زهیر شم

دستم به دامنت مادر کربلا میخوام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ شور[[167]](#footnote-167)

ما که عمریه به سوزیم و گدازیم زیر بیرق تو بی بی سرفرازیم

لحظه لحظه ها رو مادر می شماریم تا یه روز بیایم بقیع حرم بسازیم

دلخونم مجنون توام یک دنیا ممنون توام

 آبرویی که من دارم یا زهرا مدیون توام

یا زهرا ممنون توام

از خدا من چی می خوام از این بالاتر که باشم خاک پای قنبر حیدر

همه آرزوی دلم همینه که یه روز پیدا بشه قبر تو مادر

یا زهرا سایه سرم بانوی بی قبر و حرم

 رو قلبم حک شد یک پلاک با اسم زهرا مادرم

یا زهرا ممنون توام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ شور[[168]](#footnote-168)

وقتی که حرف تو می شه خیلی ساده دل می بازیم

با ظهور مهدی تو یه حرم برات می سازیم

هرکسی که با حسینه به خدا عزیز زهراست

پدرم غلام حیدر مادرم کنیز زهراست

فاطمه مادرمی سایه رو سرمی گرچه تو بی حرمی مادرمی

می خورم قسم به اون که فاتح خیبر و بدره

که شبای فاطمیه بهتر از شبای قدره

هرجا روضه تو باشه به خدا مدینه ماست

کی می گه حرم نداری حرمت تو سینه ماست

فاطمه مادرمی سایه رو سرمی گرچه تو بی حرمی مادرمی

همه جا همیشه حرف از عصمت و پاکی زهراست

بیرق ما روز محشر چادرخاکی زهراست

همه عمر برندارم سر از این خمار مستی

که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی

بگو به دشمن اگر که جون ما رو هم بگیره

ما سر حرفمون هستیم که فقط حیدر امیره

فاطمه مادرمی سایه رو سرمی گرچه تو بی حرمی مادرمی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10ـ شور[[169]](#footnote-169)

قسم به سلطانم رضا قسم به اربابم حسین

قسم به ایوون نجف قسم به بین الحرمین

هرچی باشه مادرمی سایه داری روی سرم

مثل اباالفضل چی می شه به من بگی ای پسرم

قسم به غربت بقیع به قبر خاکی حسن

قسم به خاک قتلگاه قسم به شاه بی کفن

ایشالا امسال بمیرم فاطمیه تو روضه ها

بیا شب اول قبر منو ببر به کربلا

قسم به داغ کوچه و قسم به یاس شعله ور

قسم به خاک چادر و قسم به خون میخ در

فاطمیه برای ما مثل خود محرمه

یادت نره شبای قدر قرارمون تو علقمه

غلامتم مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجلس دهم، شور حسینی

ترک 01ـ شور[[170]](#footnote-170)

به خدا بهشت بدون تو عذابه همه دنیا بدون تو سرابه

 خیلی دل تنگ توام خودت می دونی

اذن کربلا بدی آقا ثوابه

می دونی دیوونتم یه عالمه رشته نوکری قرص و محکمه

هرکسی گریه کنه برای تو همیشه تو خونه ی تو محرمه

داره بارون می باره گریه تمومی نداره

 چی می شه نوکر تو سر رو ضریحت بذاره

حسین حسین حسین آقام

دل من به فکر شاه بی پناهه شاهی که بدون یار و بی سپاهه

 جلو چشم مادرش غریب و تنها

دست و پا زنون میون قتلگاهه

سر شاه تشنه از بدن جدا میره از جفا به روی نیزه ها

همه دشمنا دارن کف میزنند جلو چشم گریون این بچه ها

داره زینب می بینه قاتل رو سینه می شینه

 الهی که این صحنه روکسی تو خیمه نبینه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ شور[[171]](#footnote-171)

حسرت کار هر روزم همچون شمعی می سوزم

 هر دم چشمامو من به عکس ایوون طلا می دوزم

موج عشق دریایی در دل شور و بلوایی

 تا کی انتظار آقاکی می شم سمت کربلا راهی

چشمایی دارم همچون دریا حق اشکای بی بی زهرا

اللهم ارزقنا کربلا

وای وای وای وای وای یا ثارالله

ار باب دل پریشونه از غم قلب من خونه

 یاد کربلای توعمری کرده منو دیوونه

گریه میون هیأت کردم دوباره بیعت

 با تو نشونش اینه اشک اربابم به روی تربت

خون دل از چشمام می باره دلم از غم آروم نداره

 علت مرگم داغ یاره

وای وای وای وای وای یا ثارالله

فصل عطش گلها ماتمکده شد دلها

ذکر یه لب پر خون دوباره گشته کربلا غوغا

گشتم بی سر و سامون آقا من شدم مجنون

 گشتی کشته گریه عالمی آقا به شما مدیون

آرامش قلب مجنونی تو دلم امشب تو مهمونی

 برای من روضه می خونی

وای وای وای وای وای یا ثارالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ شور[[172]](#footnote-172)

ای امید دل نا امیدان تو مرادی و ما از مریدان

ما رو تو برسون به شهیدان

حسین

بی تو مگه دنیا دنیا می شه بی تو مگه رویارویا می شه

دونه دونه اشکامونو جمع کن بالاخره یه روزی دریا می شه

بگو که عشق حسینه هستت حرم آقا می کنه مستت

به حرف من وقتی می رسی تو که برسه به شیش گوشه دستت

آقام آقام آقام آقام حسینه

داشتی همیشه به من محبت من چی دارم آقا غیر زحمت

تو چی داری آقا غیر رحمت

حسین

در خونت آقا گدایی خوبه نوکری شما خدایی خوبه

اگه یه روزی همه آدم رو صدا کنند کربلایی خوبه

آقام آقام آقام آقام حسینه

اون پری خوبه که تو هواته اون سری خوبه که خاک پاته

اون دلی خوبه که کربلاته

حسین

کاش آقا اهل ریا نبودم آلوده و رو سیاه نبودم

اگه نبودش لطف خود تو به خدا روضه بیا نبودم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ شور[[173]](#footnote-173)

اگه عشق تو نبود زندگیم زندگی نبود

اگه عشق تو نبود بندگیم بندگی نبود

از کوچیکیم آقا آشناتم خاک پای همه نوکراتم

یه پای ثابت روضه هاتم زائر هر شب کربلاتم

حسین حسین حسین

اگه کربلا نبود هیچکی یاد خدا نبود

اگه کربلا نبودحتی کعبه بپا نبود

گدای خونتم باز می خونم به زیر پرچم تو می مونم

هرکجا باشم ای مهربونم خودمو کربلا می رسونم

حسین حسین حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ شور[[174]](#footnote-174)

صحنه پابوسی تو نمیره از خیال من

تا چشم به هم زدم گذشت به عشق تو یه سال من

تو همه زندگیمم نوکر توام تا صد و بیست سالگیمم نوکر توام

نوکر توام خدا این افتخارُ داد نوکر توام شدم غلام خونه زاد

 نوکر توام که نوکریت به من میاد

حسین وای

کهنه نمی شه عشق تو همیشه تازه میمونه

 لباس نوی من همین لباس نوکریتونه

عیدی هر ساله ما دست فاطمه ست وقتی برات کربلا دست فاطمه ست

دست فاطمه ست که دنیا عاشق تو هست دست فاطمه ست غم تو تو دلم نشست

 دست فاطمه ست همونکه این روزا شکست

وای مادر مادر مادر مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ شور[[175]](#footnote-175)

عشق من و ارباب نداره پایانی

 مشق شب و روزدل من می مانی

لب تر کن ارباب ببین جان افشانی

 آماده مهیا برای قربانی

پرچم سیات خیمه گاه من خیمه عزات تکیه گاه من

ذکر تو دم دلبخواه من

رو نقشه عالم یه جا بی ماننده

 این حکومت عشق همیشه پایبنده

فرماندهی داره یه دنیا رزمنده

 نفسی لک ارباب روی هر سر بنده

ایها المراد ایها الکریم ما مسافر کربلا می شیم

 هرکسی میاد بسم الله بریم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ شور[[176]](#footnote-176)

اللهم ارزقنا حرم آرزومه کربلا برم

نکنه می خوای بگی که برات نوکر نمی شم

نکنه می خوای بگی که از این بهتر نمی شم

نکنه می خوای بگی که دیگه عذرم رو میخوای

 نکنه می خوای بگی که دیگه منو نمی خوای

خدا اون روزُ نیاره که برات گریم نگیره

 خدا اون روزُ نیاره بی تو بختم می شه تیره

نگو نمی شه کربلات بیام رومو زمین نزن امیر

 آقا توی صحن و سرات بیام رومو زمین نزن امیر

جلو ضریح با صفات بیام رومو زمین نزن امیر

 اللهم ارزقنا حرم آرزومه کربلا برم

نکنه می خوای بگی که ز دستم غصه داری

 نکنه می خوای بگی که دیگه دوستم نداری

نکنه می خوای بگی که حرم جای بدا نیست

 نکنه می خوای بگی که تو که جات کربلا نیست

خدا اون روزُ نیاره اسمم از قلم بیافته

 پس چطور چشای خیسم آقا به حرم بیافته

جواب دلم رو خودت بده نرم حرم کجا برم

 مرهم این غم رو خودت بده نرم حرم کجا برم

برات حرم رو خودت بده نرم حرم کجا برم

اللهم ارزقنا حرم آرزومه کربلا برم

نکنه می خوای بگی که دلم شیدا نمی شه

 نکنه می خوای بگی که چشم دریا نمی شه

نکنه می خوای بگی که خودی نیستم غریبم

 نکنه می خوای بگی بی نصیب از بوی سیبم

من رسول ترک نمی شم خودتُ بدی نشونم

 لحظه مرگم بیای و من آقام گلدیم بخونم

کبوتر صحنم ز گنبدت جدام رهام نکن

 حالا یکی شد نوکر بدت جدام نکن رهام نکن

 این سینه ندیده دست ردت رهام نکن جدام نکن

اللهم ارزقنا حرم آرزومه کربلا برم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08 ـ شور[[177]](#footnote-177)

اون که تو رو برا دل آفریده اون که منو با یه نگات کشیده

 با نفست ساکن کربلاتم شکر خدا عاشقتم ندیده

سر من خاک پاهات جون من بین دستات

خدایی خوش به حال دل پاک شهیدات

ای تشنه لب جونم فدات فدای اون صحن و سرات

یه روزی می میرم برات

سینه زنی مدال نوکراته کرببلا کمال نوکراته

 فصل بهار به نام زینب تو سالی رسید که سال نوکراته

خواهر شاه زینب دختر ماه زینب

 امام اول عشق توی این راه زینب

کردم به زینب اقتدا از تو نمی شم من جدا

اربابم ای خون خدا

مادر تو داده به ما لیاقت فاطمیه است آقا سرت سلامت

 ازجایی که همیشه خدمت ازماست با شهدا ما اومدیم زیارت

می تپه دل تو سینم تا که روتو ببینم

 زیر سایت بشینم آقای نازنینم

دارالشفایی یا حسین مشکل گشایی یا حسین

خون خدایی یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09ـ شور[[178]](#footnote-178)

بی تاب بی تابم دل تنگ اربابم

این ذکر لبهامه درمون دردامه این عشق و رویامه

 تاجون تو دستامه تا خون تو رگهامه این آقا آقامه

حسین تو اعتبار منی دارو ندار منی شهید بی کفنی

سر مست سرمستم دل رفته از دستم

این چشما می باره این شبها بیداره دل تنگه بیداره

اینجا شد می خونه این قلب دیوونه باز امشب می خونه

حسین امیر قلب منی عزیز این وطنی شهید بی کفنی

آقایی مولایی مجنونم لیلایی

ای ذکر طوفانی تو روح قرآنی تو ذات رحمانی

 ای رمز بسم الله ای روح روح الله ثارالله ثارالله

حسین تویی که یار منی تو افتخار منی شهید بی کفنی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجلس یازدهم، ولایت و شهدا

ترک 01ـ شور[[179]](#footnote-179)

میون روضه که ماتم می گیرم

وقتی روی شونه پرچم می گیرم

هرتپش یا حسین می گه دل من

تا به یاد شهیدا دم می گیرم

شب جمعه که دلم پر می زنه برا دیدن قبر آقام

با دل شکسته و خسته می رم کار شهیدان گمنام

آقام آقام آقام

مزار شهیدامون که قبله گاه آسمونه

دلمو بی اختیار به سمت خودش می کشونه

یابن زهرا

اون همه عشق و ایثار داشت تماشا

دلاشون بیکرون مانند دریا

غوغایی بود همیشه وقت پرواز

سر پیشونی بندای یا زهرا

جوونا یادش بخیر تا به سحر شب عملیات تو سنگر

به سرو سینه زنون بود کارمون ذکر مصیبت های مادر

ای مادر خسته ای پهلو شکسته

ایشالا قسمت بشه که از غم مادر بمیرم

می روم تا انتقام سیلی زهرا بگیرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ شور[[180]](#footnote-180)

حالا که نور جبهه ها شده خورشید بی غروب

برای دیدن مناطق جنگی می ریم جنوب

ای عزیز که توی جنت الزهرایی خوب بدون که زیر سایه مولایی

جبهه ها می شد اون روزا همه مثل کربلا

کوه غیرتیم معنی شهادتیم

یاد اون روزای خوب و باکری و همتیم

صاحب کرامتیم اهل کار و خدمتیم

با وصیت شهیدا حامی ولایتیم

ما پر از بصیرتیم باامام امتیم عاشق شهادتیم

هر کجای خاک کشوریم ما مطیع امر رهبریم

عاشق حسین و زینبیم

حسین یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

منابع و مآخذ

1. اصول کافى، کلینى، تهران، مکتبة الصدوق، 1381 ق .
2. مناقب خوارزمی، خطيب خوارزمي، مترجم:ابوالحسن حقيقي، تهران، سامه، 1376ش .
3. الارشاد، شیخ مفید، قم، مکتبة بصیرتى، 1381ق .
4. رياحين الشريعة، ذبيح‌الله محلاتي، دارالکتب الاسلامیه، 1382 ش .
5. بحارالانوار، علامه مجلسى، تهران، المطبعة الاسلامية، 1393ق .
6. الاحتجاج، ابو منصور احمد بن علي بن ابي طالب طبرسی،مشهد، مرتضي، 1403ق .
7. خصائص الزینبیه، سید نور الدین جزایری،قم، مسجد مقدس جمکران، 1385ش .
1. . خصائص الزینبیه، سید نور الدین جزایری،ص 53. [↑](#footnote-ref-1)
2. . مناقب خوارزمی، خوارزمی، ج 1، ص 122. [↑](#footnote-ref-2)
3. . بحارالانوار، علامه مجلسی، ج53، ص18؛ اصول کافی، کلینی، ج1، ص460؛ ارشاد، شیخ مفید، ص176؛ ریاحین الشریعه،ذبیح الله محلاتی، ج1، ص276. [↑](#footnote-ref-3)
4. . الاحتجاج، ابو منصور طبرسي، ج1، ص109ـ107؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج8، ص51. [↑](#footnote-ref-4)
5. . [محمد فردوسی](http://hosenih.mihanblog.com/post/6624) [↑](#footnote-ref-5)
6. . [علی اکبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/4083) [↑](#footnote-ref-6)
7. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/3912) [↑](#footnote-ref-7)
8. . [محمد فردوسی](http://hosenih.mihanblog.com/post/6624) [↑](#footnote-ref-8)
9. . [یوسف رحیمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3679) [↑](#footnote-ref-9)
10. . [محمد فردوسی](http://hosenih.mihanblog.com/post/6624) [↑](#footnote-ref-10)
11. . [محمد بیابانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3649) [↑](#footnote-ref-11)
12. . [حمید رمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3627) [↑](#footnote-ref-12)
13. . [محمد فردوسی](http://hosenih.mihanblog.com/post/6624) [↑](#footnote-ref-13)
14. . [محمد بیابانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/950) [↑](#footnote-ref-14)
15. . [قاسم نعمتی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3597) [↑](#footnote-ref-15)
16. . [محسن عرب خالقی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3594) [↑](#footnote-ref-16)
17. . [محمد فردوسی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3593) [↑](#footnote-ref-17)
18. . [علی اکبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/1277) [↑](#footnote-ref-18)
19. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/3582) [↑](#footnote-ref-19)
20. . [علی اکبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/3518) [↑](#footnote-ref-20)
21. . [مجتبی روشن روان](http://hosenih.mihanblog.com/post/4029) [↑](#footnote-ref-21)
22. . [علی اکبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/3518) [↑](#footnote-ref-22)
23. . [حسین علاء الدین](http://hosenih.mihanblog.com/post/3830) [↑](#footnote-ref-23)
24. . [محسن حنیفی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3799) [↑](#footnote-ref-24)
25. . [سید حسن خوشزاد](http://hosenih.mihanblog.com/post/3849) [↑](#footnote-ref-25)
26. . [جواد حیدری](http://hosenih.mihanblog.com/post/3556) [↑](#footnote-ref-26)
27. . [محمد رضا طالبی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3660) [↑](#footnote-ref-27)
28. . [اسماعیل شبرنگ](http://hosenih.mihanblog.com/post/3659) [↑](#footnote-ref-28)
29. . [حسین علاء الدین](http://hosenih.mihanblog.com/post/3846) [↑](#footnote-ref-29)
30. . [علی اصغر یونسیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/3818) [↑](#footnote-ref-30)
31. . [مجید خضرایی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3793) [↑](#footnote-ref-31)
32. . [محسن حنیفی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3759) [↑](#footnote-ref-32)
33. . [یوسف رحیمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3756) [↑](#footnote-ref-33)
34. . [مهدی نظری](http://hosenih.mihanblog.com/post/3704)  [↑](#footnote-ref-34)
35. . [محمد بیابانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3631) [↑](#footnote-ref-35)
36. . [علی اكبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/3643) [↑](#footnote-ref-36)
37. . [علیرضا لک](http://hosenih.mihanblog.com/post/3885) [↑](#footnote-ref-37)
38. . [محمد مهدی سیار](http://hosenih.mihanblog.com/post/3857) [↑](#footnote-ref-38)
39. . [جواد حیدری](http://hosenih.mihanblog.com/post/3850) [↑](#footnote-ref-39)
40. . [مسعود اصلانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3829) [↑](#footnote-ref-40)
41. . [علی زمانیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/3773) [↑](#footnote-ref-41)
42. . [مهدی نظری](http://hosenih.mihanblog.com/post/3707) [↑](#footnote-ref-42)
43. . [محمد فردوسی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3625) [↑](#footnote-ref-43)
44. . [ناصر شهریاری](http://hosenih.mihanblog.com/post/3928) [↑](#footnote-ref-44)
45. . [علی اصغر ذاکری](http://hosenih.mihanblog.com/post/3893) [↑](#footnote-ref-45)
46. . [جواد حیدری](http://hosenih.mihanblog.com/post/3915) [↑](#footnote-ref-46)
47. . [حسن لطفی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3896) [↑](#footnote-ref-47)
48. . [ناصر شهریاری](http://hosenih.mihanblog.com/post/3855) [↑](#footnote-ref-48)
49. . [حامد خاکی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3760) [↑](#footnote-ref-49)
50. . [محمد بیابانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3670) [↑](#footnote-ref-50)
51. . [وحید قاسمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3657) [↑](#footnote-ref-51)
52. . [محسن عرب خالقی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3634) [↑](#footnote-ref-52)
53. . [سید حمید رضا برقعی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3635) [↑](#footnote-ref-53)
54. . [یوسف رحیمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3910) [↑](#footnote-ref-54)
55. . [محمد علی مجاهدی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3887) [↑](#footnote-ref-55)
56. . [علی اکبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/3724) [↑](#footnote-ref-56)
57. . [قاسم صرافان](http://hosenih.mihanblog.com/post/3629) [↑](#footnote-ref-57)
58. . [مهدی نظری](http://hosenih.mihanblog.com/post/3941) [↑](#footnote-ref-58)
59. . [حمید رمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/3936) [↑](#footnote-ref-59)
60. . [علی اکبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/3714) [↑](#footnote-ref-60)
61. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-61)
62. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-62)
63. . سعید پاشازاده [↑](#footnote-ref-63)
64. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-64)
65. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-65)
66. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-66)
67. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-67)
68. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-68)
69. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-69)
70. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-70)
71. . بانوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-71)
72. . با نوای: حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-72)
73. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-73)
74. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-74)
75. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-75)
76. . این قسمت از روضه با اینکه از مسلمات تاریخ و مقتل می باشد اما به علت سنگین بودن مطالب به ذاکرین محترم توصیه می شود مقتضای حال جلسه را در نظر بگیرند. [↑](#footnote-ref-76)
77. . با نوای: حیدر خمسه [↑](#footnote-ref-77)
78. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-78)
79. . با نوای: حسن حسین خانی [↑](#footnote-ref-79)
80. . با نوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-80)
81. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-81)
82. . با نوای: حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-82)
83. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-83)
84. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-84)
85. . با نوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-85)
86. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-86)
87. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-87)
88. . با نوای: محمد کمیل [↑](#footnote-ref-88)
89. . با نوای: نریمان پناهی [↑](#footnote-ref-89)
90. . با نوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-90)
91. . با نوای: عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-91)
92. . بانوای: محمد کمیل [↑](#footnote-ref-92)
93. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-93)
94. . قسمتی از روضه این قسمت، به علت سنگین بودن مطالب حذف گردیده است. [↑](#footnote-ref-94)
95. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-95)
96. . با نوای: حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-96)
97. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-97)
98. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-98)
99. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-99)
100. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-100)
101. . با نوای: مهدی اکبری [↑](#footnote-ref-101)
102. . با نوای: عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-102)
103. . با نوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-103)
104. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-104)
105. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-105)
106. . با نوای: عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-106)
107. . با نوای: مهدی مختاری [↑](#footnote-ref-107)
108. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-108)
109. . با نوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-109)
110. . با نوای: مهدی اکبری [↑](#footnote-ref-110)
111. . بانوای: جواد مقدم [↑](#footnote-ref-111)
112. . با نوای: کربلایی حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-112)
113. . با نوای: محمد کمیل [↑](#footnote-ref-113)
114. . با نوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-114)
115. . بانوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-115)
116. . با نوای: حسن حسین خانی [↑](#footnote-ref-116)
117. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-117)
118. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-118)
119. . خودش رو به صحنه احد رساند مادر سادات، رسول خدا رو زمین نشسته، دارند زخمهای رسول خدا رو می بندند، دور و بر پیامبر اکرم امیرالمومنین 90 زخم کاری برداشته، تمام بدن غرق خون، هرکسی می خواد نزدیک بشه باید از سد علی بگذره، هیچ جنبنده ای از چشم علی پنهان نمی شه، مبادا سوء قصدی به جان رسول الله داشته باشه، رسید خدمت پیغمبر بابا حالتون چطوره؟ فرمود: فاطمه جان علی امروز به داد من رسید، خیلی کمک کرد هرجا اومدند حمله کنند علی جلو ایستاد، مادر سادات اومد جلو گفت پسر عمو ایشالا یه روزی جبران کنم... [↑](#footnote-ref-119)
120. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-120)
121. . فاطمه جان تو که می دونی همه دلخوشی من تو بودی، تو که می دونی حتی تو این چند وقت که روتُ از من پوشوندی، می اومدم کنار بستر تو تازه یه کم آروم می شدم؛ خود بی بی هم می دونست علی نگاهش می کنه آروم می گیره، نمی ذاشت کسی درُ به روی علی باز کنه ـ دق الباب حیدرُ می شناسه ـ تا اسما می خواست بره، فضه می خواست بره، می فرمود صبر کنید خودم باید درُ باز کنم، این روزای آخر دیگه نمی تونست راه بره، خودشُ رو زمین می کشوند تا جلو در، به سختی بلند می شد، درُ باز می کرد، السلام علیک یا امیرالمؤمنین... [↑](#footnote-ref-121)
122. . با نوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-122)
123. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-123)
124. . با نوای: حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-124)
125. . با نوای: طهماسب پور [↑](#footnote-ref-125)
126. . با نوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-126)
127. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-127)
128. . با نوای: محمد حسین حدادیان [↑](#footnote-ref-128)
129. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-129)
130. . بانوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-130)
131. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-131)
132. . با نوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-132)
133. . با نوای: نریمان پناهی [↑](#footnote-ref-133)
134. . با نوای: حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-134)
135. . با نوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-135)
136. . با نوای: حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-136)
137. . با نوای: حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-137)
138. . بانوای: نریمان پناهی [↑](#footnote-ref-138)
139. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-139)
140. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-140)
141. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-141)
142. . علی اکبر لطیفیان [↑](#footnote-ref-142)
143. . توصیه می شود ذاکرین محترم در استفاده از این بند در مجالس، مقتضیات جلسه را رعایت بفرمایند. [↑](#footnote-ref-143)
144. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-144)
145. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-145)
146. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-146)
147. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-147)
148. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-148)
149. . با نوای: طهماسب پور [↑](#footnote-ref-149)
150. . با نوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-150)
151. . با نوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-151)
152. . با نوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-152)
153. . با نوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-153)
154. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-154)
155. . جان چند تا امامُ نجات داده زینب، مثل دیشب وقتی داشت بدنُ غسل می داد انگار جان از بدن علی داشت می رفت، وقتی دستش رسید به بازوی ورم کرده دیدند علی داره داد می زنه، کسی نمی تونه مولا رو آروم کنه، شاید اسما اینجا اشاره به زینب کرده باشه، کار کار توئه، تو باید بابا رو آروم کنی... بابا غصه نخور، بابا خودم کنیزت می شم، خودم خونه دارت می شم... یک جای دیگه جان یه امام دیگه رو کنار بدن علی اکبر نجات داد، وقتی خیره خیره داشت به بدن علی نگاه میک رد، هی می گفت پسرم ـ همه هلهله می کردند ـ یک وقت دیدند دست زینب رو شونش اومد، دادش چیکار داری با خودت می کنی؟ اما امام بعدی زین العابدین بود وقتی خیره خیره داشت به بدن بابا نگاه می کرد، زینب صدا زد عزیز برادرم چیکار داری با خودت می کنی؟ تو امام زمانی؛ گفت عمه جان مگه این بدن امام زمان نیست؟! گوییا اصلا اینها ما رو مسلمون نمی دونند... [↑](#footnote-ref-155)
156. . با نوای:حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-156)
157. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-157)
158. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-158)
159. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-159)
160. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-160)
161. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-161)
162. . با نوای: طهماسب پور [↑](#footnote-ref-162)
163. . با نوای: محمد حسین حدادیان [↑](#footnote-ref-163)
164. . با نوای: حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-164)
165. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-165)
166. . با نوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-166)
167. . بانوای: محمد کمیل [↑](#footnote-ref-167)
168. . با نوای: طهماسب پور [↑](#footnote-ref-168)
169. . با نوای: حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-169)
170. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-170)
171. با نوای: حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-171)
172. . با نوای: جواد مقدم [↑](#footnote-ref-172)
173. . با نوای: حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-173)
174. . با نوای: حسین طاهری [↑](#footnote-ref-174)
175. . با نوای: روح الله بهمنی [↑](#footnote-ref-175)
176. . با نوای: حسین طاهری [↑](#footnote-ref-176)
177. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-177)
178. . با نوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-178)
179. . با نوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-179)
180. . بانوای: حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-180)